



اعتقادنامه وست مینستر

یادنامه طاهره ووس میکائیلین



اعتقلامی وست مینستر

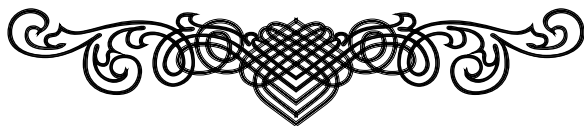
ترجمہ

طاعہ روس میکائیلین

ویاست جدید

ہمراہ با آیات ارجاعے

بایشگفتاری از دکتر چد ون دیکس ہون





انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات
مسیحی چاپ انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با
رایانامه زیر به فارسی یا انگلیسی تماس بگیرید

info@judeproject.org

سرشناسه: اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر
پیشگفتار: دکتر چد ون دیکس هورن

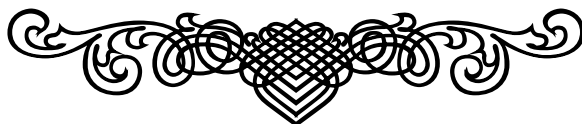
مترجم: طاطه‌ووس میکائیلان
ویراستار: گروه نگارش و ویرایش انتشارات جام
ناشر فارسی: انتشارات جهان ادبیات مسیحی (جام)
چاپ: دوم، ۲۰۱۸
شابک: ۹۷۸۱۹۴۱۶۹۳۰۳۲

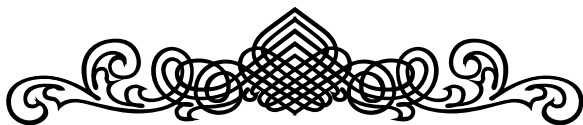
هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه‌ی ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه‌ی رسمی از ناشر است.
این ویراست از اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر به انضمام آیات مرجع و رسم‌الخط جدید فارسی و نسخه‌ی ویرایشی به همت بخش فارسی سازمان جودپراجکت تهیه و به چاپ رسیده است و حق چاپ این ویراست جدید به انضمام آیات مرجع اثر برای این سازمان محفوظ است.



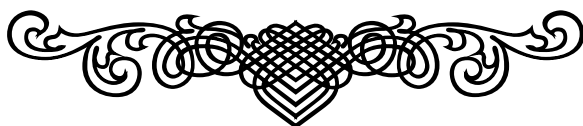
فهرست

۷	مقدمه‌ی ناشر بر نسخه‌ی جدید
۸	پیشگفتاری از دکتر چد ون دیکس هورن
۹	فصل اول - کتاب مقدس
۱۵	فصل دوم - خدا و تثلیث اقدس
۱۹	فصل سوم - تقدیر ازلی خدا
۲۳	فصل چهارم - آفرینش
۲۵	فصل پنجم - تدبیر الهی
۲۹	فصل ششم - سقوط انسان و گناه و مجازات آن
۳۱	فصل هفتم - عهد خدا با انسان
۳۳	فصل هشتم - واسطه بودن مسیح
۳۷	فصل نهم - آزادی اراده
۳۹	فصل دهم - دعوت ثمربخش





۴۱	فصل یازدهم - عادل شمرده شدن
۴۳	فصل دوازدهم - فرزندخواندگی
۴۵	فصل سیزدهم - تقدیس
۴۷	فصل چهاردهم - ایمان نجات بخش
۴۹	فصل پانزدهم - توبه حیات بخش
۵۱	فصل شانزدهم - کارهای نیکو
۵۵	فصل هفدهم - پایداری مقدسین
۵۷	فصل هجدهم - اطمینان در مورد فیض و نجات
۵۹	فصل نوزدهم - شریعت خدا
۶۳	فصل بیستم - آزادی مسیحی و آزادی وجدان
۵۰	فصل بیست و یکم - عبادت دینی و روز آرامش
۶۹	فصل بیست و دوم - سوگندهای شرعی و نذرها





۷۱	فصل بیست و سوم - مقامات دولتی
۷۳	فصل بیست و چهارم - نکاح و طلاق
۷۵	فصل بیست و پنجم - کلیسا
۷۷	فصل بیست و ششم - مشارکت مقدسین
۷۹	فصل بیست و هفتم - آیین‌های مقدس
۸۱	فصل بیست و هشتم - تعمید
۸۳	فصل بیست و نهم - شام خداوند
۸۷	فصل سی‌ام - محکومیت کلیسایی
۸۹	فصل سی و یکم - انجمن‌ها و شوراها
۹۱	فصل سی و دوم - وضع انسان بعد از مرگ و رستاخیز از مردگان
۹۳	فصل سی و سوم - داوری نهایی



مقدمه‌ی ناشر بر نسخه‌ی جدید

این مجلد یادنامه‌ی مردی است به نام طاطه‌ووس میکائیلیان (۱۳۱۱-۱۳۷۳) و برخلاف سنت یادگارنامه‌نویسی، پس از شهادت او در راه ایمان مسیحی برای اولین بار در ویراستی نو به چاپ رسیده است. ارمغان حیات ابدی در مسیح از مهمترین اصول و تعالیم ایمان و جهان‌بینی مسیحی است. از این رو، امروز نه به سوگ کشیش میکائیلیان بلکه به پاسداشت نام و خدمات او برای کلیسای ایران بر سفره‌ای نشسته‌ایم که این اثر، زینت‌بخش آن است.

این نسخه‌ی جدید تمام ارجاعات کتاب مقدسی مرتبط به بخشهای مختلف این اعتقادنامه را به همراه دارد. لازم به ذکر است که ویرایش محتوایی این اثر ترجمه شده بر آن نیست که اثری متفاوت یا ترجمه‌ی جدیدی از ترجمه‌ی کشیش میکائیلیان ارائه دهد بلکه تلاش ما، ابهام زدایی از بعضی اصطلاحات کهنه، رعایت رسم الخط نوین فارسی، و سهل آفرینی خوانش این متن قدیمی بدون خدشه‌دار کردن ترجمه‌ی اولیه بود تا امکان استفاده از این اثر را برای مسیحیان، پژوهشگران الهیات مسیحی، و تمام کسانی که به دنبال درک چکیده‌ای از ایمان مسیحی هستند، فراهم کند.

در پایان، این اثر را به همسر، فرزندان و بستگان نزدیک کشیش میکائیلیان تقدیم می‌کنم و امیدوارم همسو با رویای این مرد بزرگ، کتب انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی) در راستای بالندگی و رشد کلیسای ایران ثمر آفرین باشند.

پیشگفتار

اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر چکیده‌ی آموزه‌ی مسیحی در سنت اصلاحات کلیساست که بیش از سی حقیقت مشخص کتاب‌مقدس را در یک مجلد آورده است. نوشتار صفحات نخست این اعتقادنامه در باب شگفتی مکاشفه‌ی حضور خدا در عالم و کلام اوست. سطر سطر این نوشتار آهسته‌آهسته تداعی‌گر کاملیت و صراحت کلام و نمایش‌گر اقتدار و نهایت‌مندی شصت و شش کتاب کلام مقدس است. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر در صفحات بعدی با شور و ایمان، خدایی که خود را به کمال مکشوف ساخته می‌انگارد و با اکتشافی آمیخته به احترام ضمن اذعان به یگانگی خدا، او را خدایی در سه شخص معرفی می‌کند. در عین حال که شکوه خدای ازلی دربرگیرنده‌ی برخی از سطور آن است، دیگر خطوط آن زینت‌بخش پرمهرترین، پرفیض‌ترین و پررحمت‌ترین صفات خداست.

دیری نمی‌پاید که خواننده می‌بیند که فصل فصل اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ردپایی از تاریخ بزرگ رستگاری است؛ تاریخی که واقعیت سقوط و عهد پرفیض خدا با بشر، اعلام شگفت‌انگیز نجات، و امید محکم ما به حیات ابدی و همه به روشنی در تار و پود آن تنیده و به وضوح به چشم می‌آیند. انجیل به روشنی در همه‌ی بخش‌های این اعتقادنامه موج می‌زند و از این رو، وست‌مینستر را در رتبه‌ی بالاترین اعتقادنامه‌های بزرگ مسیحی می‌نشانند و در میان همگان از جمله کلیساهای اصلاح‌یافته، باپتیست‌ها، متدیست‌ها، اسقفی‌ها و پرزبیتری‌ها ارج نهاده می‌شود. شاید بتوان گفت که در میان همه‌ی اعتقادنامه‌ها، در تعلیم حکیمانه‌ترین و در نوع بیان آموزه‌ها ظرافتمندانه‌ترین آنهاست. بی‌شک، این اعتقادنامه راهنمای قابل‌اتکایی است برای کلام خدا که خود تنها راه قابل‌اعتماد به سوی خداست. در اصل، تامل بر فصول این کتاب کسانی که از این اعتقادنامه بهره می‌جویند را به مطالعه‌ی خود کلام خدا رهنمون می‌کند. ممارست در این راه به وقت خود، بازدهای غنی خواهد داشت و امیدوارم که با دعا و مطالعه‌ی دقیق، این حقایق کتاب‌مقدسی از آن شما شود.

چد ون‌دیکس هورن

استاد الاهیات تاریخی؛ دانشگاه الاهیات وست‌مینستر، پنسیلوانیا

فصل اول کتاب مقدس

۱ با وجودی که نور عقل طبیعی انسان و اعمال خدا در آفرینش و در اداره‌ی کائنات به قدری نیکویی و حکمت و قدرت الهی را آشکار می‌سازد که انسان در مورد ایمان به وجود خدا بهانه‌ای نداشته باشد،^۱ ولی اینها به تنهایی برای شناخت خدا و اراده‌ی او به نوعی که برای تحصیل نجات لازم باشد کافی نیست.^۲ لهذا خدا را پسند آمد که در اوقات متعدد و به اقسام مختلف خود را ظاهر سازد و اراده‌ی خود را در این مورد به کلیسایش اعلام دارد.^۳ و بعداً، به منظور محافظت و انتشار حقیقت به نحو مطلوب و همچنین برای استحکام و تسلی بیشتر کلیسا در مقابل مفاسد جسمانی و بدخواهی شیطان، همان اراده‌ی خود را کلاً به نوشتن بسپارد.^۴ وجود نوشتجات مقدس به طور قطع ضروری است.^۵ زیرا آن طریقه‌های سابق که خدا اراده‌ی خود را به وسیله‌ی آنها به قوم خود مکشوف فرمود در زمان حاضر موقوف شده است.^۶

۲ نوشتجات مقدس، یعنی کلام مکتوب خدا، عبارت است از همه‌ی کتابهای عهد عتیق و عهد جدید که اسامی آنها به قرار زیر است:

۱	رومیان ۲: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۱: ۱۹-۲۰؛ ر.ک. مزمور ۱۹: ۱-۴؛ رومیان ۱: ۳۲-۲: ۲
۲	یوحنا ۱۷: ۳؛ اول قرن‌تین ۱: ۲۱؛ اول قرن‌تین ۲: ۱۳-۱۴
۳	عبرانیان ۱: ۱-۲
۴	لوقا ۱: ۳-۴؛ رومیان ۱۵: ۴؛ متی ۴: ۴، ۷، ۱۰؛ اشعیا ۸: ۲۰
۵	دوم تیموتائوس ۳: ۱۵؛ دوم پطرس ۱: ۱۹
۶	یوحنا ۳۱: ۳۷؛ اول قرن‌تین ۱۴: ۳۷؛ اول یوحنا ۵: ۱۳؛ اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱؛ عبرانیان ۱: ۳-۲: ۴

فهرست کتب عهد عتیق

۱	پیدایش	۹	اول سموئیل	۱۷	استر	۲۵	مراثی ارمیا	۳۳	میکاه
۲	خروج	۱۰	دوم سموئیل	۱۸	ایوب	۲۶	حزقیال	۳۴	ناحوم
۳	لاویان	۱۱	اول پادشاهان	۱۹	مزامیر	۲۷	دانیال	۳۵	حقوق
۴	اعداد	۱۲	دوم پادشاهان	۲۰	امثال سلیمان	۲۸	هوشع	۳۶	صفیا
۵	تثنیه	۱۳	اول تواریخ	۲۱	جامعه	۲۹	یوئیل	۳۷	حجی
۶	یوشع	۱۴	دوم تواریخ	۲۲	غزل غزل‌های سیلیمان	۳۰	عاموس	۳۸	زکریا
۷	داوران	۱۵	عزرا	۲۳	اشعیا	۳۱	عوبدیا	۳۹	ملاکی
۸	روت	۱۶	نحمیا	۲۴	ارمیا	۳۲	یونس		

فهرست کتب عهد جدید

۱	انجیل متی	۸	رساله دوم به قرنتیان	۱۵	رساله اول به تیموتائوس	۲۲	رساله دوم پطرس
۲	انجیل مرقس	۹	رساله به غلاطیان	۱۶	رساله دوم به تیموتائوس	۲۳	رساله اول یوحنا
۳	انجیل لوقا	۱۰	رساله به افسیسیان	۱۷	رساله به تیتس	۲۴	رساله دوم یوحنا
۴	انجیل یوحنا	۱۱	رساله به فیلیپیان	۱۸	رساله به فیلمون	۲۵	رساله سوم یوحنا
۵	اعمال رسولان	۱۲	رساله به کولسیان	۱۹	رساله به عبرانیان	۲۶	رساله یهودا
۶	رساله به رومیان	۱۳	رساله اول به تسالونیکیان	۲۰	رساله یعقوب	۲۷	مکاشفه یوحنا
۷	رساله اول به قرنتیان	۱۴	رساله دوم به تسالونیکیان	۲۱	رساله اول پطرس		

همه‌ی این نوشتجات مقدس با الهام الهی عطا شده‌اند و پایه و قانون ایمان و عمل هستند.^۷

۶. کتابهایی که به اپوکریفا (یعنی مخفی یا سرّی) معروفند، چون دارای الهام الهی نیستند، جزو نوشتجات مقدّس رسمی محسوب نمی‌گردند و به همین دلیل در کلیسای خدا اعتبار رسمی ندارند بلکه فقط مثل سایر نوشتجات انسانی به کار برده می‌شوند.^۸

۷. صحت و اعتبار نوشتجات مقدس، که براساس آن باید به نوشتجات مقدس ایمان آورد و آنها را اطاعت نمود، بر پایه‌ی شهادت هیچ انسان یا هیچ کلیسایی قرار ندارد بلکه کلاً از خداست که او خودش راستی و به‌وجودآورنده‌ی نوشتجات مقدس است. لِهَذَا از این جهت که کلام خداست باید به عنوان حقیقت پذیرفته شود.^۹

۸. توسط شهادت کلیسا ممکن است تشویق و ترغیب شویم که نوشتجات مقدس را بسیار محترم و معتبر بدانیم.^{۱۰} به علاوه مطالب آسمانی و تأثیر تعالیم آن و فصاحت سبک نگارش و هماهنگی تمام قسمتها با یکدیگر و هدف کلی آن که عبارت است از جلال خدا و مکاشفهی کاملش در خصوص یگانه راه نجات انسان و همچنین سایر خصوصیات عالی و بی‌مثالش و کمال کاملش همه به طور قطع ثابت می‌کنند که کتاب مقدس کلام خداست اما با وجود این، یقین کامل و اطمینان خاطر ما در خصوص حقیقت خطاناپذیری و اعتبار الهی آن بر اثر عمل باطنی روح القدس حاصل می‌شود که توسط کلام خدا و با آن کلام در دل‌های ما شهادت می‌دهد.^{۱۱}

۷	لوقا ۲۹: ۱۶، ۳۱؛ لوقا ۲۷: ۴۴؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۶؛ یوحنا ۵: ۴۶
۸	مکاشفه ۲: ۱۸-۱۹؛ رومیان ۳: ۲؛ دوم پطرس ۱: ۲۱
۹	دوم پطرس ۱: ۱۹، ۲۰؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ اول یوحنا ۵: ۹؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ مکاشفه ۱: ۱-۲
۱۰	اول تیموتائوس ۳: ۱۵
۱۱	اول قرن‌تین ۲: ۹-۱۰؛ عبرانیان ۴: ۱۲؛ یوحنا ۱۰: ۳۵؛ اشعیا ۱۱: ۱؛ رک. رومیان ۱۱: ۳۶؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۵؛ اول قرن‌تین ۲: ۴-۵؛ اول تسالونیکیان ۱: ۵؛ اول یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷؛ رک. اشعیا ۵۹: ۲۱؛ مزمور ۱۹: ۷-۱۱

۶ اراده‌ی کامل خدا، در خصوص تمام چیزهایی که برای جلال خودش و برای نجات و ایمان و عمل انسان لازم است، در نوشتجات مقدس یا صریحاً بیان شده است و یا به وسیله‌ی استنتاج صحیح و ضروری از آن نوشتجات حاصل می‌شود^{۱۳} و هرگز، خواه به واسطه‌ی مکاشفات تازه‌ی روح القدس و یا توسط روایات و سنتهای انسانی، نباید چیزی بر آنها افزوده شود.^{۱۴} با وجود این قبول داریم که نورانی شدن باطن شخص توسط روح خدا، برای یافتن معرفت نجات‌بخش در مورد آنچه در کلام مکشوف شده، لازم است^{۱۵} و به علاوه قبول می‌کنیم که برای عبادت خدا و اداره‌ی کلیسا مقرراتی وجود دارد که در میان مردم و اجتماعات عموماً مورد قبول می‌باشند و لازم است مطابق اصول عقل طبیعی و تدابیر مسیحی و بر طبق قوانین کلی کلام خدا که باید همیشه مورد اطاعت قرار گیرد رعایت شود.^{۱۶}

۷ مفهوم تمام قسمتهای کتاب مقدس به طور یکسان روشن نیست و همچنین برای تمام مردم به طور یکسان آشکار نمی‌باشند^{۱۷} ولی آنچه لازم است انسان برای نجات بداند و ایمان بیاورد و عملی سازد، در قسمتهای مختلف کتاب مقدس به قدری روشن و آشکار بیان گردیده که نه فقط علما بلکه اشخاص بی‌علم هم به وسیله‌ی استفاده‌ی مناسب از وسایل معمولی می‌توانند به فهم کافی آنها برسند.^{۱۸}

۸ عهد عتیق به زبان عبری (که زبان اصلی قوم خدا در ایام قدیم بود) و عهد جدید به زبان یونانی (که در ایام نوشته شدن عهد جدید در میان غالب اقوام رواج داشت) مستقیماً توسط خدا الهام شده و در تمام ادوار به وسیله‌ی محافظت و تدبیر مخصوص الهی محفوظ مانده است و به همین دلیل دارای صحت و اعتبار است.^{۱۹} پس برای حل و فصل هر نوع اختلاف دینی، کلیسا باید به عنوان مرجع نهایی به آنها رجوع نماید.^{۲۰} ولی چون تمام قوم خدا، که به کلام مقدس او علاقه دارند

مرقس ۷: ۵-۷	۱۲
دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷؛ غلاطیان ۱۱: ۸-۹؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۲	۱۳
یوحنا ۴: ۴۵؛ اول قرنتیان ۲: ۱۲، ۱۴-۱۵؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ر.ک. دوم قرنتیان ۴: ۶	۱۴
اول قرنتیان ۱۱: ۱۳-۱۴؛ اول قرنتیان ۱۴: ۲۶، ۴۰	۱۵
دوم پطرس ۳: ۱۶	۱۶
مزمور ۱۰۵: ۱ و ۱۳۰: ۲۹؛ تثنیه ۲۹: ۳۰؛ ۱۰-۱۴؛ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱	۱۷
متی ۱۸: ۵؛ مزمور ۱۱۹: ۸۹	۱۸
اشعیا ۸: ۲۰؛ متی ۱۵: ۳، ۶؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱۵؛ ر.ک. لوقا ۱۶: ۳۱	۱۹

و به آنها دستور داده شده است که آن را با خداترسی بخوانند و تفتیش نمایند،^{۲۰} با این زبانهای اصلی آشنایی ندارند به همین دلیل این نوشتجات مقدس باید به زبان معمول اقوامی که کتاب مقدس به آنها می‌رسد ترجمه شود تا آنکه کلام خدا در همه‌ی آنها به فراوانی ساکن گردد^{۲۱} و آنها بتوانند خدا را به طور مقبول عبادت نمایند^{۲۲} و به صبر و تسلی کلام خدا امیدوار باشند.^{۲۳}

۹. خود کتاب مقدس اصل خطاناپذیر تفسیر کتاب مقدس است و به همین دلیل وقتی در مورد مفهوم حقیقی و کامل قسمتی از کلام خدا (که همیشه دارای یک معنی اصلی است نه معانی متعدد) سوالی پیش می‌آید، برای یافتن جواب باید سایر قسمتهایی که موضوع را آشکارتر بیان کرده‌اند مورد بررسی و تفتیش و مطالعه قرار گیرند.^{۲۴}

۱۰. عالی‌ترین قاضی، که همه‌ی اختلافات دینی باید توسط او حل و فصل گردد و همه‌ی مصوبات شوراهای کلیسایی و نظرات نویسندگان قدیم و تعالیم انسانها و تمام عقاید مردم و نظرات شخصی باید به وسیله‌ی او آزموده شود و رای او در ما آرامش به وجود می‌آورد، فقط روح القدس است که در نوشتجات مقدس سخن می‌گوید.^{۲۵}

یوحنا ۵: ۳۹؛ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱؛ ر.ک. دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۵	۲۰
متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ ر.ک. اول قرنتیان ۱۴: ۶؛ مرقس ۱۵: ۳۴	۲۱
کولسیان ۳: ۱۶؛ ر.ک. خروج ۲۰: ۴-۶؛ متی ۱۵: ۷-۹	۲۲
رومیان ۴: ۱۵	۲۳
اعمال رسولان ۱۵: ۱۵	۲۴
متی ۲۲: ۲۹، ۳۱؛ اول یوحنا ۴: ۱-۶	۲۵

فصل دوم خداوتثلیث اقدس

۱. فقط یک ^{۲۶} خدای زنده و حقیقی وجود دارد ^{۲۷} که در وجود و کمال نامحدود بوده ^{۲۸}، مقدس‌ترین روح است. ^{۲۹} نامرئی ^{۳۰} و بدون بدن و اعضاست ^{۳۱} و قبول تاثیر نمی‌کند ^{۳۲} و بی‌تبدیل و تغییر ^{۳۳} و بی‌حد ^{۳۴} و سرمدی ^{۳۵} و خارج از ادراک ^{۳۶} و قادر علی‌الاطلاق ^{۳۷} و حکیم ^{۳۸} و قدوس ^{۳۹} و آزاد ^{۴۰} و مختار مطلق ^{۴۱} است و همه‌ی چیزها را مطابق مصلحت و اراده‌ی تغییرناپذیر و عادل‌ی خود ^{۴۲} برای جلال خودش انجام می‌دهد. ^{۴۳} او پر از محبت ^{۴۴} و لطف و مهربانی و حلم بوده و لبریز از نیکویی و حقیقت و عفوکننده‌ی تقصیر و عصیان و گناه است ^{۴۵} و کسانی را که با جدیت در جستجوی وی هستند پاداش می‌دهد. ^{۴۶} با وجود همه‌ی این صفات، در تمام

۲۶	تثنيه ۶: ۴؛ اول قرنتیان ۸: ۴، ۶؛ ر.ک. غلاطیان ۳: ۲۰
۲۷	اول تسالونیکیان ۱: ۹؛ ارمیا ۱۰: ۱۰
۲۸	ایوب ۷: ۹ و ۲۶: ۱۴؛ ر.ک. مزمور ۱۳۹: ۶
۲۹	یوحنا ۴: ۲۴
۳۰	اول تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ر.ک. یوحنا ۱: ۱۸
۳۱	تثنيه ۴: ۱۵-۱۶؛ ر.ک. یوحنا ۴: ۲۴؛ لوقا ۲۴: ۳۹
۳۲	اعمال رسولان ۱۴: ۱۱، ۱۵
۳۳	یعقوب ۱: ۱۷؛ ملاکی ۳: ۶
۳۴	اول پادشاهان ۸: ۲۷؛ ارمیا ۲۳: ۲۳-۲۴
۳۵	مزمور ۹۰: ۲؛ ر.ک. اول تیموتائوس ۱: ۱۷
۳۶	مزمور ۱۴۵: ۳؛ ر.ک. رومیان ۱۱: ۳۴
۳۷	پیدایش ۱۷: ۱؛ مکاشفه ۴: ۸
۳۸	رومیان ۱۶: ۲۶
۳۹	اشعیا ۶: ۳؛ ر.ک. مکاشفه ۴: ۸
۴۰	مزمور ۱۱۵: ۳؛ ر.ک. اشعیا ۱۴: ۲۴
۴۱	ر.ک. خروج ۳: ۱۴؛ اشعیا ۴۵: ۵-۶
۴۲	افسسیان ۱: ۱۱
۴۳	امثال ۱۶: ۴؛ رومیان ۱۱: ۳۶؛ ر.ک. مکاشفه ۴: ۱۱
۴۴	اول یوحنا ۴: ۸؛ ر.ک. اول یوحنا ۴: ۱۶؛ یوحنا ۳: ۱۶
۴۵	خروج ۳۴: ۶-۷
۴۶	عبرانیان ۱۱: ۶

داوری‌های خود بسیار عادل و مهیب است^{۴۷} و از هر نوع گناه نفرت دارد^{۴۸} و مجرمان را مبرا نخواهد شمرد.^{۴۹}

۸۱ خدا هر نوع حیات^{۵۰} و جلال^{۵۱} و نیکویی^{۵۲} و برکت^{۵۳} را ذاتاً در خود داراست و به خودی خود کمال کفایت را دارد و به هیچ یک از مخلوقاتش که خلق فرموده است محتاج نیست^{۵۴} و از آنها جلال حاصل نمی‌کند^{۵۵} بلکه جلال خود را در آنها و توسط آنها و بدانها و بر آنها منکشف و آشکار می‌سازد. او یگانه سرچشمه‌ی همه‌ی موجودات است و همه چیز از او و با او و به خاطر او وجود دارد^{۵۶} و او بر آنها دارای فرمانروایی مطلق است تا با آنها و از برای آنها و با آنها هرچه او را پسند آید به عمل آورد.^{۵۷} در نظر او همه چیز هویدا و آشکار است^{۵۸} و دانش او بی‌حد و مصون از خطا و مستقل از مخلوقات است^{۵۹} به طوری که هیچ چیز در نزد او نامعلوم و نامشخص نیست.^{۶۰} او در تمام نظرات و اعمال و احکامش قدوسیت کامل دارد^{۶۱} و شایسته است که از فرشتگان و انسانها و همه‌ی مخلوقات دیگر هر قدر عبادت و خدمت و اطاعت که او را پسند آید انتظار داشته باشد.^{۶۲}

نحمیا ۹: ۳۲-۳۳؛ ر.ک. عبرانیان ۱۰: ۲۸-۳۱	۴۷
رومیان ۱: ۱۸؛ مزمور ۵: ۵-۶؛ ر.ک. مزمور ۱۱: ۵	۴۸
ر.ک. ناحوم ۱: ۲-۳، ۶؛ خروج ۳۴: ۷	۴۹
ارمیا ۱۰: ۱۰؛ ر.ک. یوحنا ۵: ۲۶	۵۰
اعمال رسولان ۷: ۲	۵۱
مزمور ۱۱۹: ۶۸	۵۲
اول تیموتائوس ۶: ۱۵؛ ر.ک. رومیان ۹: ۵	۵۳
اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۵	۵۴
لوقا ۱۷: ۱۰	۵۵
رومیان ۱۱: ۳۶	۵۶
مکاشفه ۴: ۱۱؛ دانیال ۴: ۲۵، ۳۵؛ ر.ک. اول تیموتائوس ۶: ۱۵	۵۷
عبرانیان ۴: ۱۳	۵۸
رومیان ۱۱: ۳۳-۳۴؛ مزمور ۱۴۷: ۵	۵۹
اعمال رسولان ۱۵: ۱۸؛ حزقیال ۱۱: ۵	۶۰
مزمور ۱۴۵: ۱۷؛ رومیان ۷: ۱۲	۶۱
مکاشفه ۵: ۱۲-۱۴	۶۲

۲. در وحدت الوهیت سه اقنوم وجود دارد که دارای یک ذات و قدرت و ابدیت هستند یعنی خدای پدر و خدای پسر و خدای روح‌القدس.^{۶۳} پدر از هیچ‌کس سرچشمه نمی‌گیرد و نه مولود گردیده و نه صادر شده است، پسر از ازل از پدر مولود شده^{۶۴} و روح‌القدس از ازل از پدر و از پسر صادر گردیده است.^{۶۵}

۶۳ متی ۳: ۱۶-۱۷؛ متی ۲۸: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ ر.ک. افسسیان ۲: ۱۸

۶۴ یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸؛ ر.ک. عبرانیان ۱: ۲، ۳؛ کولسیان ۱: ۱۵

۶۵ یوحنا ۱۵: ۲۶؛ غلاطیان ۴: ۶

فصل سوم تقدیر از لای خدا

۱. خدا از ازل از طریق مصلحت حکیمانه و قصد کاملاً مقدس خود، به طور آزاد و غیر قابل تغییر، هر چیزی را که به وقوع می‌پیوندد مقدر فرموده^{۶۶} ولی این امر را طوری انجام داده که خودش به وجودآورنده‌ی گناه نیست^{۶۷} و تجاوزی به آزادی اراده‌ی مخلوقات نکرده و نیز آزادی و اختیار در مورد علل ثانویه را از انسان سلب ننموده بلکه برقرار داشته است.^{۶۸}

۲. با وجودی که خدا می‌داند در تمام شرایط امکان دارد چه چیزی به وقوع بپیوندد و یا به وقوع خواهد پیوست،^{۶۹} فقط به این دلیل که آینده را می‌بیند و از شرایط آگاه است، چیزی را مقدر نفرموده است.^{۷۰}

۳. توسط تقدیر الهی، به منظور آشکار ساختن جلال خدا، بعضی از انسانها و بعضی از فرشتگان^{۷۱} برای حیات ابدی و بعضی دیگر برای هلاکت ابدی مقرر شده‌اند.^{۷۲}

۴. این فرشتگان و انسانها، که به شرح فوق از قبل مقدر و مقرر شده‌اند، به طرز مخصوص و غیرقابل‌تغییری تعیین گردیده‌اند و تعداد آنان به قدری قطعی و مشخص است که نمی‌توان بر آن افزود و یا از آن کم کرد.^{۷۳}

۵. انسانهایی را که برای حیات مقرر شده‌اند، خدا پیش از بنیاد عالم بر وفق مقصود ازلی و بی‌تبدیلش و مطابق مصلحت سرّی و اراده‌ی نیکوی خود برای

۶۶	مزمور ۳۳: ۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ عبرانیان ۶: ۱۷
۶۷	مزمور ۵: ۴؛ یعقوب ۱: ۱۳-۱۴؛ اول یوحنا ۱: ۵؛ ر.ک. عبرانیان ۱۴: ۱
۶۸	اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ متی ۱۷: ۱۲؛ اعمال رسولان ۴: ۲۷-۲۸؛ یوحنا ۱۹: ۱۱؛ امثال ۱۶: ۳۳
۶۹	اول سموئیل ۲۳: ۱۱-۱۲؛ متی ۲۱: ۲۳
۷۰	رومیان ۹: ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۸
۷۱	اول تیموتائوس ۵: ۲۱؛ متی ۲۵: ۳۱، ۴۱
۷۲	افسسیان ۱: ۵-۶؛ رومیان ۹: ۲۲-۲۳
۷۳	یوحنا ۱۳: ۱۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۹؛ ر.ک. یوحنا ۱۰: ۱۴-۱۶، ۲۷-۲۸، ۱۷: ۲، ۶-۹-۱۲

جلال ابدی در مسیح انتخاب نموده است^{۷۴} و این انتخاب فقط به سبب فیض مجانی و محبت اوست و ربطی به پیش‌بینی در مورد ایمان و اعمال حسنه و یا مداومت آنها در اینها ندارد و یا چیز دیگری در مخلوقات به منزله‌ی شرطی یا سببی که محرک او در این مورد باشد نبوده است^{۷۵} بلکه همه برای ستایش فیض پرجلال اوست.^{۷۶}

همانطور که خدا برگزیدگان را برای جلال مقرر فرموده است، به همان طریق توسط مقصود ازلی و اراده‌ی کاملاً آزاد خود، همه‌ی وسایل را برای تحصیل آن مقصود از قبل تعیین نموده است.^{۷۷} لهذا برگزیدگان، که در آدم در گناه سقوط کردند، به وسیله‌ی مسیح رستگار و برای ایمان در مسیح توسط روحش که در زمان مناسب فاعل است^{۷۸} به طور ثمربخش دعوت می‌گردند و عادل شمرده شده و فرزندخواندگی را یافته و تقدیس کرده می‌شوند^{۷۹} و به قدرت الهی بوسیله‌ی ایمان برای نجات محافظت می‌گردند.^{۸۰} هیچ شخص دیگری، غیر از برگزیدگان، به وسیله‌ی مسیح خریداری و رستگار نمی‌گردد و دعوت و عادل و فرزندخوانده و مقدس نمی‌شود و نجات نمی‌یابد.^{۸۱}

خدا طبق صلاح و تمایل غیر قابل درک خودش، که به وسیله‌ی آن رحمت خود را به هر که بخواهد ارزانی می‌فرماید و از هرکس که مایل باشد باز می‌دارد، به منظور روشن ساختن شکوه قدرت مطلق خود بر مخلوقات رضا بدین داد که از باقی انسانها بگذرد و آنها را به علت گناه ایشان برای بی‌حرمتی و غضب مقرر فرماید و این برای تمجید عدالت پرجلال اوست.^{۸۲}

۷۴ افسسیان ۱: ۴، ۹، ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۹

۷۵ رومیان ۹: ۱۱، ۱۳، ۱۵-۱۶؛ افسسیان ۲: ۸-۹؛ ر.ک. افسسیان ۱: ۵، ۹، ۱۱

۷۶ افسسیان ۱: ۶، ۱۲

۷۷ اول پطرس ۱: ۲؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

۷۸ اول تسالونیکیان ۵: ۹-۱۰؛ تیتس ۲: ۱۴

۷۹ رومیان ۸: ۳۰؛ ر.ک. افسسیان ۱: ۵؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

۸۰ اول پطرس ۱: ۵

۸۱ یوحنا ۱۰: ۱۴-۱۵، ۲۶؛ یوحنا ۶: ۶۴-۶۵؛ رومیان ۸: ۲۸-۳۹؛ ر.ک. یوحنا ۸: ۴۷؛ ۹: ۱۷؛ اول یوحنا ۲: ۱۹

۸۲ متی ۱۱: ۲۵-۲۶؛ رومیان ۹: ۱۷-۱۸، ۲۱-۲۲؛ یهوذا ۴؛ اول پطرس ۲: ۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۹-۲۰

۸. تعلیم در مورد تقدیر الهی از اسرار عمیقی است که باید با هشیاری و احتیاط مخصوص درباره‌ی آن بحث کرد^{۸۳} تا آنکه مردم به اراده‌ی خدا که در کلامش مکشوف است واقف شده و مطیع آن گردند و بتوانند به وسیله‌ی اطمینان در مورد دعوت ثمربخش خودشان درباره‌ی برگزیدگی ابدی خود اطمینان حاصل نمایند.^{۸۴} پس از این نظر این تعلیم باعث تمجید و احترام و تکریم خدا شده^{۸۵} و در عین حال باعث فروتنی و تلاش و تسلی فراوان همه‌ی کسانی خواهد بود که انجیل را صمیمانه اطاعت می‌نمایند.^{۸۶}

۸۳	رومیان ۹: ۲۰؛ رومیان ۱۱: ۳۳؛ تثنیه ۲۹: ۲۹
۸۴	دوم پطرس ۱: ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۱: ۴-۵
۸۵	افسسیان ۱: ۶؛ ر.ک. رومیان ۱۱: ۳۳
۸۶	رومیان ۱۱: ۵-۶؛ ۲۰؛ رومیان ۸: ۳۳؛ لوقا ۱۰: ۲۰؛ ر.ک. دوم پطرس ۱: ۱۰

فصل چهارم آفرینش

۱. خدای پدر و پسر و روح القدس را پسند آمد^{۸۷} که برای ابراز شکوه و قدرت و حکمت و نیکویی ازلی خود^{۸۸} در ابتدا عالم را و همه‌ی چیزهایی را که در آن وجود دارد، اعم از مرئی و غیرمرئی، در مدت شش روز از نیستی به هستی آورد و خلق فرماید و همه بسیار نیکو بود.^{۸۹}

۲. بعد از آنکه خدا همه‌ی مخلوقات دیگر را آفرید، انسان را هم مذکر و مؤنث^{۹۰} با روحی ابدی که دارای شعور و دانش و عدالت و قدوسیت حقیقی بود^{۹۱} مطابق صورت خود، خلق^{۹۲} و شریعت خود را بر دل‌های آنها مرقوم فرمود^{۹۳} و قدرت اطاعت کامل از آن را به آنان عطا کرد^{۹۴} ولی آنها در عین حال اجازه‌ی خطا ورزیدن داشتند و به آزادی اراده‌ی خودشان که قابل تغییر بود واگذار شدند.^{۹۵} علاوه بر شریعتی که در قلبشان مرقوم بود، به آنها صریحاً دستور داده شد که از درخت معرفت نیک و بد نخورند و تا وقتی از این دستور اطاعت کردند در مصاحبت با خدا خوشحال بودند^{۹۶} و بر سایر مخلوقات تسلط داشتند.^{۹۷}

۸۷	رومیان ۱۱: ۳۶؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ عبرانیان ۱: ۲؛ پیدایش ۱: ۲؛ یوحنا ۱: ۲-۳؛ ایوب ۳۳: ۴
۸۸	رومیان ۱: ۲۰؛ ارمیا ۱۰: ۱۲؛ مزمور ۱۰۴: ۲۴؛ مزمور ۳۳: ۵
۸۹	پیدایش ۱: ۱۰-۳۱؛ مزمور ۳۳: ۶؛ عبرانیان ۱۱: ۳؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴؛ خروج ۲۰: ۱۱
۹۰	پیدایش ۱: ۲۷
۹۱	پیدایش ۲: ۷؛ جامعه ۱۲: ۷؛ لوقا ۲۳: ۴۳؛ متی ۱۰: ۲۸
۹۲	پیدایش ۱: ۲۶؛ کولسیان ۳: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۲۴
۹۳	رومیان ۳: ۱۴-۱۵
۹۴	پیدایش ۲: ۱۷؛ جامعه ۷: ۲۹
۹۵	پیدایش ۳: ۱۶-۱۷
۹۶	پیدایش ۲: ۱۷؛ پیدایش ۲: ۱۵-۳: ۲۴
۹۷	پیدایش ۱: ۲۸؛ ر.ک. پیدایش ۲۹-۳۰؛ مزمور ۸: ۶-۸

فصل پنجم تدبیر الهی

۱. خدا، که خالق عظیم همه چیز است،^{۹۸} همه‌ی مخلوقات و تمام اعمال و اشیا^{۹۹} را اعم از کوچک و بزرگ^{۱۰۰} با تدبیر کاملاً حکیمانه و مقدس خود^{۱۰۱} مطابق پیشدانی مصون از خطایش^{۱۰۲} و بر طبق صلاح و مصلحت و میل مستقل و تغییرناپذیر خود^{۱۰۳} برای تمجید، شکوه، حکمت، و قدرت و عدالت و نیکویی و رحمت خود محافظت و رهبری و مرتب و اداره می‌کند.^{۱۰۴}

۲. با وجودی که از نظر پیشدانی و تدبیر خدا، که خودش علّت‌العلل یا علّت اوّل است، همه چیز بدون تغییر و اشتباه عملی می‌شود^{۱۰۵} ولی خدا به وسیله‌ی همین تدبیر چنین مقرر فرموده است که این امور بر اساس مفهوم علل ثانویه یا به طور ضروری یا آزاد و یا مشروط اتفاق افتند.^{۱۰۶}

۳. خدا برای اجرای مشیت عادی خود وسایلی به کار می‌برد^{۱۰۷} ولی آزاد است که طبق میل خود بدون این وسایل^{۱۰۸} و برتر از آنها^{۱۰۹} و برخلاف آنها نیز عمل نماید.^{۱۱۰}

نحمیا ۹: ۶؛ مزمور ۱۴۵: ۱۴-۱۶؛ عبرانیان ۳: ۱	۹۸
دانیال ۴: ۳۴-۳۵؛ مزمور ۱۳۵: ۶؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۵-۲۸؛ ایوب ۳۸-۴۱	۹۹
متی ۱۰: ۲۹-۳۱؛ ر.ک. ۶: ۲۶-۳۲	۱۰۰
امثال ۱۵: ۳؛ دوم تواریخ ۱۶: ۹؛ مزمور ۱۰۴: ۲۴؛ مزمور ۱۴۵: ۱۷	۱۰۱
اعمال رسولان ۱۵: ۱۸؛ اشعیا ۴۲: ۹؛ حزقیال ۵: ۱۱	۱۰۲
افسیسیان ۱: ۱۱؛ مزمور ۳۳: ۱۰-۱۱	۱۰۳
اشعیا ۶۳: ۱۴؛ افسسیان ۳: ۱۰؛ رومیان ۹: ۱۷؛ پیدایش ۴۵: ۷؛ مزمور ۱۴۵: ۷	۱۰۴
اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ر.ک. پیدایش ۱۴: ۲۴، ۲۷	۱۰۵
پیدایش ۲۲: ۸؛ ارمیا ۳۱: ۳۵؛ اشعیا ۱۰: ۶-۷؛ ر.ک. خروج ۳۱: ۱۳؛ تثنیه ۱۹: ۵؛ اول پادشاهان ۲۲: ۲۸-۳۴	۱۰۶
اعمال رسولان ۲۷: ۲۴، ۳۱؛ (بخش دوم) ۴۴؛ اشعیا ۵۵: ۱۰-۱۱	۱۰۷
هوشع ۱: ۷؛ متی ۴: ۴؛ ایوب ۳۴: ۲۰	۱۰۸
رومیان ۴: ۱۹-۲۱	۱۰۹
دوم پادشاهان ۶: ۲۷؛ دانیال ۳: ۲۷	۱۱۰

۱۱۱ قدرت مطلق و حکمت غیر قابل بررّسی و نیکویی بی‌حدّ خدا در تدبیر الهی وی به قدری آشکار است که این تدبیر حتّی به گناه اولیه آدم و به همه‌ی گناهان فرشتگان و انسانها هم مربوط می‌شود^{۱۱۱} و آن هم نه به صورت اجازه‌ی ساده^{۱۱۲} و بس بلکه به طوری که این اجازه محدود به حدودی حکیمانه و نیرومند است^{۱۱۳} و همچنین به حکمت و اراده‌ی قدرتمند آنها مربوط است و از طریق نقشه‌های متعدد خدا برای انجام مقاصد مقدّسش به کار می‌رود^{۱۱۴} ولی این عمل طوری انجام می‌شود که گناه بودن این گناهان فقط از مخلوقات است نه از خدا که او کاملاً قدوس و عادل است و هرگز به وجود آورنده یا تأییدکننده‌ی گناه نیست و نمی‌تواند باشد.^{۱۱۵}

۱۱۲ خدا، که کاملاً حکیم و عادل و مهربان است، غالباً فرزندان خود را مدّتی در وسوسه‌های متعدّد و در فساد دل‌های خودشان رها می‌سازد تا آنها را برای گناهان سابقشان تنبیه نماید و یا قدرت مخفی فساد و فریبکاری دل‌هایشان را بر آنها روشن سازد تا آنکه آنها فروتن شوند^{۱۱۶} و تا آنها را به طور صمیمانه‌تر و دایمی‌تری در مورد تأمین احتیاجاتشان به خودش متّکی سازد و تا آنها را در امتحانات آینده در مورد گناه بیدارتر و هشیارتر گرداند و به علاوه این طرز رفتار خدا دارای مقاصد عادلانه و مقدّس دیگری هم است.^{۱۱۷}

۱۱۳ در مورد انسانهای شریر و خدانشناس، که خدا به عنوان داور عادل به علّت گناهان سابقشان آنها را کور و سنگدل می‌گرداند،^{۱۱۸} خدا نه فقط فیض خود را که ممکن بود این فیض عقل ایشان را منور گرداند و بر دل‌هایشان اثر کند، دریغ می‌فرماید^{۱۱۹} بلکه بعضی از اوقات عطایایی را که داشته‌اند نیز از آنها پس

-
- ۱۱۱ اشعیا ۴۵: ۷؛ رومیان ۱۱: ۳۲-۳۴؛ دوم سموئیل ۱۶: ۱۰؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳؛
اعمال رسولان ۴: ۲۷-۲۸؛ دوم سموئیل ۲۴: ۱؛ اول تواریخ ۲۱: ۱؛ اول پادشاهان ۲۲: ۲۲-۲۳؛
اول تواریخ ۱۰: ۴، ۱۳-۱۴
۱۱۲ یوحنا ۱۲: ۴۰؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۱
۱۱۳ مزمور ۷۶: ۱۰؛ دوم پادشاهان ۱۹: ۲۸
۱۱۴ پیدایش ۵۰: ۲۰؛ اشعیا ۱۰: ۱۲؛ ر.ک. اشعیا ۱۰: ۶-۷، ۱۳-۱۵
۱۱۵ یعقوب ۱: ۱۳-۱۴، ۱۷؛ اول یوحنا ۲: ۱۶؛ مزمور ۵۰: ۲۱
۱۱۶ دوم تواریخ ۳۲: ۲۵-۲۶، ۳۱؛ تثنیه ۸: ۲-۳، ۵؛ لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲؛ ر.ک. دوم سموئیل ۲۴: ۱، ۲۵
۱۱۷ دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۹؛ ر.ک. مزمور ۷۳: ۱-۷۷، ۱۲-۱۴؛ مرقس ۶۶-۷۲؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۹
۱۱۸ رومیان ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸؛ رومیان ۱۱: ۷-۸
۱۱۹ تثنیه ۲۹: ۴؛ مرقس ۴: ۱۱-۱۲

می‌گیرد^{۱۲۰} و آنها را در مقابل چیزهایی قرار می‌دهد که فسادشان همان چیزها را سبب گناه می‌گرداند.^{۱۲۱} علاوه بر این، آنها را به شهوات خودشان و وسوسه‌های این جهان و قوت شیطان می‌سپارد^{۱۲۲} و بدین طریق نتیجه این می‌شود که، به وسیله‌ی همان وسایلی که خدا برای نرم کردن دل سایرین به کار می‌برد، آنها خودشان را سنگدل می‌سازند.^{۱۲۳}

۷. همان طوری که تدبیر الهی به طور عام همه‌ی مخلوقات را شامل می‌شود به همین طریق به طور مخصوصی به کلیسای خود توجه می‌کند و همه‌ی چیزها را برای خیریت آن ترتیب می‌دهد.^{۱۲۴}

۱۲۰	متی ۱۳: ۱۲؛ متی ۲۵: ۳۹؛ ر.ک. اعمال رسولان ۱۳: ۱۰-۱۱
۱۲۱	پیدایش ۴: ۸؛ دوم پادشاهان ۸: ۱۲-۱۳؛ ر.ک. متی ۲۶: ۱۴-۱۶
۱۲۲	مزمور ۱۰۹: ۶؛ لوقا ۲۲: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰-۱۲
۱۲۳	خروج ۸: ۱۵، ۳۲؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۵-۱۶؛ اشعیا ۸: ۱۴؛ اول پطرس ۲: ۷-۸؛ خروج ۷: ۳؛ اشعیا ۶: ۹-۱۰؛ اعمال رسولان ۲۸: ۲۶-۲۷
۱۲۴	اول تیموتائوس ۴: ۱۰؛ عاموس ۹: ۸-۹؛ متی ۱۶: ۱۸؛ رومیان ۸: ۲۸؛ اشعیا ۴۳: ۳-۵، ۱۴

فصل ششم سقوط انسان و گناه و مجازات آن

۱. والدین نخستین ما بر اثر حيله و وسوسه‌ی شیطان فریب خوردند و با خوردن میوه‌ی ممنوعه گناه ورزیدند.^{۱۲۵} خدا مطابق مصلحت حکیمانه و مقدس خود رضا بدین داد که آنها را واگذارَد که مرتکب این گناه شوند زیرا قصد داشت که از آن برای جلال خود استفاده نماید.^{۱۲۶}

۲. بر اثر این گناه، والدین نخستین ما از نیکویی اصلی خود و از مصاحبت با خدا محروم شدند^{۱۲۷} و بدین طریق در گناه مردند^{۱۲۸} و تمام نیروها و قسمتهای روح و بدنشان کاملاً ناپاک شد.^{۱۲۹}

۳. چون آنها منشا و ریشه‌ی همه‌ی مردم بودند، جرم این گناه به حساب فرزندانِشان هم محسوب شد^{۱۳۰} و این مردن و گناه و ذات فاسد به تمام فرزندان آنها که به وسیله‌ی تولّد طبیعی از آنها به وجود آمدند سرایت کرد.^{۱۳۱}

۴. تمام گناهانی که مرتکب می‌شویم از این گناه اصلی سرچشمه گرفته است و به علت همین فساد اصلی است که ما نسبت به تمام نیکویی‌ها اصولاً بی‌علاقه و ناتوان^{۱۳۲} و دشمن شده^{۱۳۳} و به طرف همه‌ی بدی‌ها مایل گشته‌ایم.^{۱۳۴}

پیدایش ۳: ۱۳؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۳	۱۲۵
ر.ک. فصل ۵ بخش ۴	۱۲۶
پیدایش ۳: ۶-۸ رومیان ۳: ۲۳	۱۲۷
پیدایش ۲: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱-۳؛ ر.ک. رومیان ۵: ۱۲	۱۲۸
پیدایش ۶: ۵؛ ارمیا ۱۷: ۹؛ تیطس ۱: ۱۵؛ رومیان ۳: ۱۰-۱۹	۱۲۹
اعمال رسولان ۱۷: ۲۶؛ رومیان ۵: ۱۲، ۱۵-۱۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۹	۱۳۰
مزمور ۵۱: ۵؛ یوحنا ۳: ۶؛ پیدایش ۵: ۳؛ ر.ک. ایوب ۱۵: ۱۴	۱۳۱
رومیان ۵: ۶؛ رومیان ۷: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۲۱؛ رومیان ۸: ۷	۱۳۲
پیدایش ۸: ۲۱؛ ر.ک. پیدایش ۶: ۵؛ رومیان ۳: ۱۰-۱۲	۱۳۳
متی ۱۵: ۱۹؛ یعقوب ۱: ۱۴-۱۵؛ افسسیان ۲: ۲-۳	۱۳۴

۵. این فساد ذات انسان در کسانی که تولّد تازه می‌یابند در طول این عمر باقی می‌ماند^{۱۳۵} و با وجودی که توسط مسیح بخشیده و نابود می‌شود ولی هم ذات خود این فساد و هم تمام امیال مربوط به آن در واقع گناه است.^{۱۳۶}

۶. هر گناه، خواه اصلی و خواه عملی، چون تجاوز از شریعت عادل‌هی خدا و مخالف آن شریعت است،^{۱۳۷} گناهکار را ذاتاً مجرم می‌سازد^{۱۳۸} و به همین دلیل دچار غضب خدا^{۱۳۹} و لعنت شریعت می‌گرداند^{۱۴۰} و بدین طریق او را تابع مرگ^{۱۴۱} و تمام بدبختی‌های روحانی^{۱۴۲} و جسمانی^{۱۴۳} و ابدی^{۱۴۴} مربوط به آن می‌سازد.

امثال ۲۰: ۹؛ جامعه ۷: ۲۰؛ رومیان ۷: ۱۴، ۱۷-۱۸، ۲۱-۲۳؛ اول یوحنا ۱: ۸، ۱۰	۱۳۵
رومیان ۷: ۷-۸، ۲۵؛ غلاطیان ۵: ۱۷	۱۳۶
اول یوحنا ۳: ۴	۱۳۷
رومیان ۲: ۱۵؛ رومیان ۳: ۹، ۱۹	۱۳۸
افسیسیان ۲: ۳	۱۳۹
غلاطیان ۳: ۱۰	۱۴۰
رومیان ۶: ۲۳	۱۴۱
افسیسیان ۴: ۱۸	۱۴۲
رومیان ۸: ۲۰؛ مراثی ارمیا ۳: ۳۹	۱۴۳
متی ۲۵: ۴۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۹	۱۴۴

فصل هفتم عهد خدا با انسان

۱. فاصله‌ی بین خدا و مخلوق آنقدر زیاد است که با وجودی که مخلوقات عاقل مکلفند خدا را به علت خالق‌بودنش اطاعت نمایند اما هرگز نمی‌توانند از او متمتع شوند مگر به وسیله‌ی فروتنی داوطلبانه از طرف خدا و خدا رضا بدین داد که این فروتنی را به وسیله‌ی عهد ابراز نماید.^{۱۴۵}

۲. عهد اوّلی که با انسان منعقد گردید عهد اعمال بود^{۱۴۶} که در آن به آدم و فرزندانش وعده‌ی حیات داده شد^{۱۴۷} به شرطی که شخصاً به طور کامل اطاعت نمایند.^{۱۴۸}

۳. انسان، بر اثر سقوط از حالت اوّلیه، دیگر قادر نبود به وسیله‌ی آن عهد دارای حیات شود. به همین دلیل خدا را پسند آمد که عهد دوم^{۱۴۹} را که معمولاً عهد فیض یا لطف خوانده می‌شود برقرار سازد و به وسیله‌ی آن حیات و نجات توسط مسیح را مجاناً به گناهکاران ارزانی فرمود و از آنها خواست به عیسای مسیح ایمان بیاورند تا نجات بیابند^{۱۵۰} و به تمام کسانی که برای حیات مقرر شده‌اند، وعده فرمود روح‌القدس را عطا فرماید تا آنها را قادر و مایل به ایمان آوردن سازد.^{۱۵۱}

۴. این عهد فیض در کتاب مقدس به کرات به عنوان عهد، مورد اشاره قرار گرفته و مربوط است به مرگ عیسای مسیح صاحب عهد و به میراث ابدی و همه‌ی امور

اشعیا ۴۰: ۱۳-۱۷؛ ایوب ۹: ۳۲-۳۳؛ مزامیر ۱۱۳: ۵-۶؛ ایوب ۲۲: ۲-۳؛ ایوب ۳۵: ۷-۸؛ لوقا ۱۰: ۱؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۵	۱۴۵
پیدایش ۲: ۱۶-۱۷؛ هوشع ۶: ۷؛ غلاطیان ۳: ۱۲	۱۴۶
پیدایش ۳: ۲۲؛ رومیان ۱۰: ۵؛ رومیان ۵: ۱۲-۱۴؛ ر.ک. رومیان ۵: ۱۵-۲۰	۱۴۷
پیدایش ۲: ۱۷؛ غلاطیان ۳: ۱۰	۱۴۸
غلاطیان ۳: ۲۱؛ رومیان ۳: ۲۰-۲۱؛ رومیان ۸: ۳؛ پیدایش ۳: ۱۵؛ ر.ک. اشعیا ۴۲: ۶	۱۴۹
یوحنا ۳: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۹؛ مکاشفه ۱۷: ۲۲	۱۵۰
اعمال رسولان ۱۳: ۴۸؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴-۴۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۳	۱۵۱

۵. طرز اجرای این عهد در زمان شریعت با طرز اجرای آن در زمان انجیل تفاوت داشت.^{۱۵۳} در زمان شریعت توسط وعده‌ها و نبوت‌ها و قربانی‌ها و ختنه و برّهی فصیح و نشانه‌ها و مراسم دیگری که به قوم یهود عطا شده بود اجرا می‌گردید که همه‌ی آنها به مسیح موعود اشاره می‌کرد^{۱۵۴} و در آن موقع به وسیله‌ی کار روح‌القدس برای تعلیم و بنای برگزیدگان در ایمان به مسیح موعود کافی و موثر بود^{۱۵۵} و ایمانداران به وسیله‌ی آنها آمرزش کامل گناهان و نجات ابدی را می‌یافتند و این را عهد عتیق می‌خوانند.^{۱۵۶}

۶. در دوره‌ی انجیل، یعنی وقتی که مسیح که اصل است ظاهر شد،^{۱۵۷} وسایل اجرای این عهد عبارتند از موعظه‌ی کلام و اجرای آیین‌های مقدس یعنی تعمید و عشاء ربّانی^{۱۵۸} و با وجودی که این آیین‌های مقدس از نظر تعداد کمترند و با سادگی بیشتر و شکوه و جلال ظاهری کمتری اجرا می‌شوند ولی به طور کامل‌تری دارای شهادت و اثر روحانی^{۱۵۹} برای تمام ملل اعم از یهود و غیر یهود^{۱۶۰} هستند و این را عهد جدید می‌خوانند.^{۱۶۱} لهذا دو عهد فیض که ذاتاً با یکدیگر تفاوت داشته باشند وجود ندارد بلکه فقط یک عهد وجود دارد که در طرز اجرا متفاوت است.^{۱۶۲}

عبرانیان ۹: ۱۵-۱۷	۱۵۲
دوم قرن‌تین ۳: ۶-۹	۱۵۳
عبرانیان ۸-۱۰؛ رومیان ۴: ۱۱؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲؛ اول قرن‌تین ۵: ۷	۱۵۴
اول قرن‌تین ۱۰: ۱-۴؛ عبرانیان ۱۱: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۵۶	۱۵۵
غلاطیان ۳: ۷-۹؛ مزامیر ۳۲: ۱-۲، ۵	۱۵۶
کولسیان ۲: ۱۷	۱۵۷
اول قرن‌تین ۱: ۲۱؛ متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳-۲۵	۱۵۸
عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ دوم قرن‌تین ۳: ۹-۱۱؛ ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴	۱۵۹
لوقا ۲: ۳۲؛ اعمال رسولان ۱۰: ۳۴؛ افسسیان ۲: ۱۵-۱۹	۱۶۰
لوقا ۲۲: ۲۰	۱۶۱
غلاطیان ۳: ۸-۹، ۱۴، ۱۶؛ رومیان ۳: ۲۱-۲۲، ۳۰؛ رومیان ۴: ۳، ۶-۸؛ پیدایش ۱۵: ۶؛ مزامیر ۳۲: ۱-۲؛ رومیان ۴: ۱۶-۱۷، ۲۳-۲۴؛ عبرانیان ۴: ۲؛ ر.ک. رومیان ۱۰: ۶-۱۰	۱۶۲
اول قرن‌تین ۱۰: ۳-۴	

فصل هشتم واسطه‌یون مسیح

۱. خدا را در اراده‌ی ابدی‌اش چنین پسند آمد که خداوند عیسی یعنی پسر یگانه‌ی خود را به عنوان واسطه در میان خدا و انسان انتخاب^{۱۶۳} و مقرر فرماید به طوری که او پیامبر^{۱۶۴} و کاهن^{۱۶۵} و پادشاه^{۱۶۶} و رأس و منجی کلیسای خود^{۱۶۷} و وارث همه چیز^{۱۶۸} و داور عالم^{۱۶۹} باشد و خدا از ازل به مسیح قومی عطا فرمود که ذریت او باشد^{۱۷۰} و توسط او در وقت معین خریداری و دعوت گردد و عادل شمرده و تقدیس کرده و پر جلال شود.^{۱۷۱}

۲. پسر خدا، که اقنوم دوم در تثلیث اقدس است، چون خدای حقیقی و سرمدی و با پدر هم ذات و مساوی است، وقتی زمان به کمال رسید طبیعت انسان^{۱۷۲} را با همه‌ی صفات اصلی و ضعف معمولی آن بر خود گرفت ولی بدون گناه بود^{۱۷۳} و به وسیله‌ی قدرت روح القدس در رحم مریم باکره قرار گرفت و از او متولد گردید^{۱۷۴} به نحوی که دو جنبه‌ی کاملاً کامل و متمایز یعنی جنبه‌ی الهی و جنبه‌ی انسانی به طور جدا نشدنی در یک شخص جمع شد و آن هم بدون تبدیل یا آمیختگی و اغتشاش.^{۱۷۵} آن شخص، خدای حقیقی و انسان حقیقی و در عین حال مسیح واحد

۱۶۳ اشعیا ۴۲: ۱؛ اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۵

۱۶۴ اعمال رسولان ۳: ۲۰، ۲۲؛ ر.ک. تثنیه ۱۸: ۱۵

۱۶۵ عبرانیان ۵: ۵-۶

۱۶۶ مزمور ۲: ۶؛ لوقا ۳: ۳۲؛ ر.ک. اشعیا ۹: ۵-۶؛ اعمال رسولان ۲: ۲۹-۳۶؛ کولسیان ۱: ۱۳

۱۶۷ افسسیان ۵: ۲۳

۱۶۸ عبرانیان ۱: ۲

۱۶۹ اعمال رسولان ۱۷: ۳۱

۱۷۰ یوحنا ۱۷: ۶؛ مزمور ۲۲: ۳۰؛ اشعیا ۵۳: ۱۰؛ افسسیان ۱: ۴

۱۷۱ اول تیموتائوس ۲: ۶؛ اشعیا ۵۵: ۴-۵؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰؛ رومیان ۸: ۳۰

۱۷۲ یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ اول یوحنا ۵: ۲۰؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ غلاطیان ۴: ۴

۱۷۳ فیلیپیان ۲: ۷؛ عبرانیان ۲: ۱۴، ۱۶-۱۷

۱۷۴ لوقا ۱: ۲۷، ۳۱، ۳۵؛ ر.ک. متی ۱: ۱۸، ۲۰-۲۱

۱۷۵ متی ۱۶: ۱۶؛ کولسیان ۲: ۹؛ رومیان ۹: ۵؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶

است که یگانه واسطه‌ی میان خدا و انسان است.^{۱۷۶}

۵۶ خداوند عیسی در جنبه‌ی انسانی‌اش، که به شرح فوق با جنبه‌ی الهی یکی شد، با روح‌القدس به فراوانی تقدیس و مسح گردید^{۱۷۷} و در خودش همه‌ی خزائن حکمت و معرفت را جمع داشت^{۱۷۸} و پدر را پسند آمد که کل کمال در عیسی ساکن شود^{۱۷۹} به طوری که او مقدس و بی‌آزار و پاک و پر از لطف و راستی بوده^{۱۸۰} و برای اجرای ماموریت خود به عنوان واسطه و ضامن به طور کامل آماده باشد.^{۱۸۱} عیسی این مأموریت را برای خودش به وجود نیاورد بلکه از طرف پدر برای قبول آن دعوت شد^{۱۸۲} و پدر تمام قدرت و داوری را به او سپرده و اجرای آن را به او محول نمود.^{۱۸۳}

۵۷ خداوند عیسی این ماموریت را با رضایت کامل قبول فرمود^{۱۸۴} و برای اجرای آن در زیر شریعت قرار گرفت^{۱۸۵} و شریعت را به طور کامل اجرا نمود^{۱۸۶} و عذابهای شدید در روح خود^{۱۸۷} و دردهای بسیار سخت در بدن خود متحمل گردید^{۱۸۸} و مصلوب شده، جان داد^{۱۸۹} و مدفون گردید و مدتی تحت تسلط مرگ قرار گرفت اما بدن او فسادى ندید.^{۱۹۰} روز سوّم، با همان بدنی که در آن عذاب کشیده بود از مرگ برخاست^{۱۹۱} و با همان بدن^{۱۹۲} به آسمان صعود فرمود و در آنجا در درست

۱۷۶	رومیان ۱: ۳-۴؛ اول تیموتائوس ۲: ۵
۱۷۷	مزمور ۴۵: ۷؛ یوحنا ۳: ۳۴؛ ر.ک. اشعیا ۶۱: ۱؛ لوقا ۴: ۱۸؛ عبرانیان ۱: ۸-۹
۱۷۸	کولسیان ۲: ۳
۱۷۹	کولسیان ۱: ۱۹
۱۸۰	عبرانیان ۷: ۲۶؛ یوحنا ۱: ۱۴
۱۸۱	اعمال رسولان ۱۰: ۳۸؛ عبرانیان ۱۲: ۲۴؛ عبرانیان ۷: ۲۲
۱۸۲	عبرانیان ۵: ۴-۵
۱۸۳	یوحنا ۵: ۲۲، ۲۷؛ متی ۲۸: ۱۸؛ اعمال رسولان ۲: ۳۶
۱۸۴	مزمور ۴۰: ۷-۸؛ ر.ک. عبرانیان ۱۰: ۵-۱۰؛ یوحنا ۴: ۳۴؛ یوحنا ۱۰: ۱۸؛ فیلیپیان ۲: ۸
۱۸۵	غلاطیان ۴: ۴
۱۸۶	متی ۳: ۱۵؛ متی ۵: ۱۷؛ عبرانیان ۵: ۸-۹
۱۸۷	متی ۲۶: ۳۷-۳۸؛ لوقا ۲۲: ۴۴؛ متی ۲۷: ۴۶
۱۸۸	متی ۲۶: ۶۷-۶۸؛ متی ۲۷: ۲۷-۵۰
۱۸۹	مرقس ۱۵: ۲۴، ۳۷؛ فیلیپیان ۲: ۸
۱۹۰	متی ۲۷: ۶۰؛ اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۲۷؛ اعمال رسولان ۱۳: ۲۹، ۳۷؛ رومیان ۶: ۹
۱۹۱	اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴
۱۹۲	لوقا ۲۴: ۳۹؛ یوحنا ۲۰: ۲۵، ۲۷

راست پدر نشسته است^{۱۹۳} و برای ایمانداران شفاعت می‌کند^{۱۹۴} و در پایان جهان مراجعت خواهد کرد تا انسانها و فرشتگان را داوری فرماید.^{۱۹۵}

۵. خداوند عیسی به وسیله‌ی اطاعت کامل و قربانی نمودن خود، که توسط روح سرمدی یک بار به خدا تقدیم گردید، پدر را از نظر عدالت الهی کاملاً قانع ساخت^{۱۹۶} و برای همه‌ی کسانی که پدر به او عطا فرموده است نه فقط مصالحه و آشتی بلکه میراث ابدی در ملکوت آسمان فراهم فرمود.^{۱۹۷}

۶. با وجودی که کار نجات توسط مسیح فقط بعد از مجسم شدنش عملاً انجام شد. به همین رو، قدرت و تاثیر و فواید آن در تمام ادوار از ابتدای عالم به تواتر به برگزیدگان رسید و این امر از طریق وعده‌ها و نشانه‌ها و قربانی‌ها عملی گردید که در آنها مسیح، به عنوان نشانه‌ای از نسل زن که سر مار را خواهد کوبید و به عنوان برّهی خدا که از ابتدای عالم ذبح گردید و دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است، مکشوف شد.^{۱۹۸}

۷. مسیح کار خود را به عنوان واسطه با هر دو جنبه‌ی خود عملی ساخت و از هر جنبه کار مناسب با آن را انجام داد.^{۱۹۹} اما چون او شخص واحدی است، در کتاب مقدس گاهی چیزی که به یک جنبه مربوط می‌گردد به جنبه‌ی دیگر نسبت داده شده است.^{۲۰۰}

لوقا ۲۴: ۵۰-۵۱؛ اول پطرس ۳: ۲۲	۱۹۳
رومیان ۸: ۳۴؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ ر.ک. عبرانیان ۲: ۲۴	۱۹۴
اعمال رسولان ۱: ۱۱؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ رومیان ۱۰: ۱۴ (بخش دوم)؛ اعمال رسولان ۱۰: ۴۲؛ متی ۱۳: ۴۰-۴۲؛ یهوذا ۶؛ ر.ک. دوم پطرس ۲: ۴	۱۹۵
رومیان ۵: ۱۹؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ عبرانیان ۱۰: ۱۴؛ افسسیان ۵: ۲؛ رومیان ۳: ۲۵-۲۶	۱۹۶
دانیال ۹: ۲۴؛ دوم قرتیان ۵: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۲۰؛ افسسیان ۱: ۱۱، ۱۴؛ عبرانیان ۹: ۱۲، ۱۵؛ یوحنا ۱۷: ۲	۱۹۷
غلاطیان ۴: ۴-۵؛ پیدایش ۳: ۱۵؛ اول قرتیان ۱۰: ۴؛ مکاشفه ۱۳: ۸؛ عبرانیان ۸: ۱۳؛ ر.ک. رومیان ۳: ۲۵؛ عبرانیان ۹: ۱۵	۱۹۸
یوحنا ۱۰: ۱۷-۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱۸؛ عبرانیان ۱: ۳؛ ر.ک. عبرانیان ۹: ۱۴	۱۹۹
اعمال رسولان ۲۰: ۲۸؛ لوقا ۱: ۴۳؛ ر.ک. رومیان ۹: ۵	۲۰۰

▲ مسیح به تمام کسانی که نجات را برای آنها فراهم فرموده است یقیناً و عملاً نجات ارزانی می‌فرماید^{۲۰۱} و برای آنها شفاعت می‌نماید^{۲۰۲} و به آنها در کلامش و توسط کلامش اسرار نجات را آشکار می‌سازد^{۲۰۳} و آنها را توسط روح خود عملاً ترغیب می‌نماید^{۲۰۴} که ایمان بیاورند و اطاعت کنند و دلهای آنها را توسط کلام و روح خود اداره می‌فرماید و همه‌ی دشمنانشان را، به وسیله‌ی قدرت و حکمت کامل خود از طریق‌هایی که با روشهای عجیب و غیرقابل بررسی او هماهنگی دارد، شکست می‌دهد.^{۲۰۵}

یوحنا ۶: ۳۷، ۳۹؛ یوحنا ۱۰: ۱۵-۱۶، ۲۷-۲۸	۲۰۱
اول یوحنا ۲: ۱؛ رومیان ۸: ۳۴	۲۰۲
یوحنا ۱۵: ۱۵؛ افسسیان ۱: ۹؛ یوحنا ۱۷: ۶	۲۰۳
یوحنا ۱۴: ۲۶؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۳؛ رومیان ۸: ۹، ۱۴؛ رومیان ۱۵: ۱۸-۱۹؛ یوحنا ۱۷: ۱۷	۲۰۴
مزمور ۱۱۰: ۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۵-۲۶؛ کولسیان ۲: ۱۵؛ لوقا ۱۰: ۱۹	۲۰۵

فصل نهم آزادی اراده

۱. خدا به انسان اراده‌ای عطا فرموده است که ذاتاً آزاد است یعنی مجبور نیست و به طرف نیکی یا بدی تمایل اجباری ندارد.^{۲۰۶}

۲. انسان، در حالت بی‌گناهی‌اش، آزادی کامل و قدرت ذاتی داشت که آنچه را خوب و نزد خدا پسندیده بود اراده کند و انجام دهد.^{۲۰۷} ولی خدا انسان را طوری آفرید که می‌توانست این آزادی را از دست بدهد.^{۲۰۸}

۳. انسان، بر اثر سقوط در گناه، قدرت اراده‌ی خود را در مورد یافتن برکات روحانی حاصل از نجات کاملاً از دست داد.^{۲۰۹} و به همین دلیل چون انسان طبیعی با این برکات روحانی ناسازگاری دارد.^{۲۱۰} و در گناه مرده است.^{۲۱۱} دیگر قادر نیست با قدرت خودش خود را عوض کند و یا خود را برای عوض شدن آماده سازد.^{۲۱۲}

۴. وقتی خدا انسان گناهکار را عوض می‌کند و به حالت فیض وارد می‌سازد، او را از اسارت طبیعی گناه رهایی می‌بخشد.^{۲۱۳} و تنها با فیض خود قادر می‌سازد که آنچه را که از نظر روحانی نیکوست با آزادی اراده کند و انجام دهد.^{۲۱۴} ولی چون هنوز فساد ذاتی در او باقی است، به طور کامل تنها آنچه را که خوب است اراده نمی‌کند بلکه چیزهای بد را هم اراده می‌نماید.^{۲۱۵}

۲۰۶	یعقوب ۱: ۱۳-۱۴؛ تثنیه ۳۰: ۱۹؛ اشعیا ۷: ۱۱-۱۲؛ متی ۱۷: ۱۲؛ یوحنا ۵: ۴۰؛ یعقوب ۴: ۷
۲۰۷	جامعه ۷: ۲۹؛ پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱؛ کولسیان ۳: ۱۰
۲۰۸	پیدایش ۲: ۱۶-۱۷؛ پیدایش ۳: ۱۷
۲۰۹	رومیان ۸: ۷-۸؛ یوحنا ۶: ۴۴؛ یوحنا ۱۵: ۵؛ رومیان ۵: ۵
۲۱۰	رومیان ۳: ۹-۱۰، ۱۲، ۲۳
۲۱۱	افسیان ۲: ۱، ۵؛ کولسیان ۲: ۱۳
۲۱۲	یوحنا ۶: ۴۴، ۴۵؛ یوحنا ۳: ۳، ۵-۶؛ اول قرنتیان ۲: ۱۴؛ تیطس ۳: ۳-۵
۲۱۳	کولسیان ۱: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۳۴، ۳۶؛ رومیان ۶: ۶-۷
۲۱۴	فیلیپیان ۲: ۱۳؛ رومیان ۶: ۱۴، ۱۷-۱۹، ۲۲
۲۱۵	غلاطیان ۵: ۱۷؛ رومیان ۷: ۱۴-۲۵؛ اول یوحنا ۱: ۸، ۱۰

۵. فقط در حالت جلال است که انسان به طور کامل و پایدار تنها برای امور نیکو آزادی می‌یابد.^{۲۱۶}

فصل دهم دعوت ثمربخش

۱. خدا را پسند آمد که همه‌ی آنانی را که برای حیات مقدّر فرموده است، و فقط آنها را در زمان معین و مقبول توسط کلام و روح خود^{۲۱۷} به طور ثمربخش دعوت نماید^{۲۱۸} و آنها را از حالت گناه و هلاکت که طبیعتاً در آن هستند بیرون بیاورد و به حالت فیض و نجات از طریق عیسای مسیح داخل سازد^{۲۱۹} در حالتی که فکر آنها را از نظر روحانی و از طریق نجات منور می‌گرداند تا امور الهی را بفهمند^{۲۲۰} و دل سنگی را از آنها بر می‌دارد و دل نرم به آنها عطا می‌فرماید^{۲۲۱} و اراده‌ی آنها را نو می‌سازد و توسط قدرت مطلقش آنها را به سوی آنچه خوب است رهبری می‌فرماید^{۲۲۲} و آنها را به طور ثمربخش به طرف عیسای مسیح جلب می‌کند^{۲۲۳} ولی این عمل طوری انجام می‌شود که آنها با آزادی کامل اراده و با تمایلی که توسط فیض الهی حاصل می‌شود به طرف او می‌آیند.^{۲۲۴}

۲. این دعوت ثمربخش فقط از فیض مجانی و مخصوص خداست و به هیچ چیزی که در انسان از قبل دیده شود^{۲۲۵} مربوط نیست. انسان کلاً در آن تاثیری ندارد مگر وقتی که توسط روح‌القدس زنده و تازه شود^{۲۲۶} و قادر گردد که این دعوت را اجابت نماید و از فیض و لطف الهی که شامل حال او شده است بهره‌مند گردد.^{۲۲۷}

دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴؛ یعقوب ۱: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۳: ۳؛ ۶: اول قرنتیان ۲: ۱۲	۲۱۷
اعمال ۱۳: ۴۸؛ رومیان ۸: ۲۸، ۳۰؛ رومیان ۱۱: ۷؛ افسسیان ۱: ۵، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹-۱۰	۲۱۸
دوم تیموتائوس ۱: ۹-۱۰؛ اول پطرس ۲: ۹؛ رومیان ۲: ۸؛ افسسیان ۲: ۱-۱۰	۲۱۹
اعمال رسولان ۲۶: ۱۰؛ اول قرنتیان ۲: ۱۰، ۱۲؛ افسسیان ۱: ۱۷-۱۸؛ دوم قرنتیان ۴: ۶	۲۲۰
حزقیال ۳۶: ۲۶	۲۲۱
حزقیال ۱۱: ۱۹؛ تثنیه ۳۰: ۶؛ حزقیال ۳۶: ۲۷؛ یوحنا ۳: ۵؛ تیتس ۳: ۵؛ ۱ پطرس ۱: ۲۳	۲۲۲
یوحنا ۶: ۴۴-۴۵؛ اعمال رسولان ۱۶: ۱۴	۲۲۳
مزامیر ۱۱۰: ۳؛ یوحنا ۶: ۳۷؛ متی ۱۱: ۲۸؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷؛ رومیان ۶: ۱۶-۱۸؛ افسسیان ۲: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۹	۲۲۴
دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ افسسیان ۲: ۸-۹؛ رومیان ۹: ۱۱	۲۲۵
اول قرنتیان ۲: ۱۴؛ رومیان ۸: ۷-۹؛ تیتس ۳: ۴-۵	۲۲۶
یوحنا ۶: ۳۷؛ حزقیال ۳۶: ۲۷؛ اول یوحنا ۵: ۱؛ اول یوحنا ۳: ۹	۲۲۷

۵۱ کودکان برگزیده که در طفولیت می‌میرند، به وسیله‌ی مسیح توسط روح^{۲۲۸} که هر وقت و هر جا بخواهد عمل می‌نماید تولد تازه و نجات می‌یابند.^{۲۲۹} همین است وضع تمام کسانی که برگزیده هستند ولی فرصت نمی‌یابند به وسیله‌ی خدمت کلام علناً دعوت شوند.^{۲۳۰}

۵۲ دیگران که برگزیده نیستند با وجودی که ممکن است به وسیله‌ی خدمت کلام دعوت شوند^{۲۳۱} و بعضی از تأثیرات عمومی روح را بپذیرند^{۲۳۲} ولی هرگز حقیقتاً به سوی مسیح نمی‌آیند و به همین دلیل نمی‌توانند نجات یابند.^{۲۳۳} بدیهی است که کسانی که دین مسیح را قبول نمی‌کنند از هیچ طریق دیگری نمی‌توانند نجات یابند هرچند ممکن است بسیار بکوشند که مطابق نور طبیعی و شریعت دینی که آن را پذیرفته عمل نمایند.^{۲۳۴} اعتقاد به اینکه آنها می‌توانند بدون مسیح نجات پیدا کنند بسیار خطرناک است و باید مردود شناخته شود.^{۲۳۵}

۲۲۸	پیدایش ۱۷: ۷؛ لوقا ۱۸: ۱۵-۱۶؛ اعمال رسولان ۲: ۳۹؛ یوحنا ۳: ۵-۵؛ اول یوحنا ۵: ۱۲؛ لوقا ۱: ۵
۲۲۹	یوحنا ۳: ۸
۲۳۰	یوحنا ۷: ۸؛ اول یوحنا ۵: ۱۲؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲
۲۳۱	متی ۱۳: ۱۴-۱۵؛ اعمال رسولان ۲۸: ۲۴؛ اعمال رسولان ۱۳: ۴۸؛ متی ۲۲: ۱۴
۲۳۲	متی ۱۳: ۲۰-۲۱؛ متی ۷: ۲۲؛ عبرانیان ۶: ۴-۵
۲۳۳	یوحنا ۶: ۳۷، ۶۴-۶۶؛ یوحنا ۸: ۴۴؛ یوحنا ۱۳: ۱۸؛ یوحنا ۱۷: ۱۲
۲۳۴	اعمال رسولان ۴: ۱۲؛ اول یوحنا ۴: ۲-۳؛ دوم یوحنا ۹: اول یوحنا ۱۴: ۶؛ افسسیان ۲: ۱۲-۱۳؛ یوحنا ۴: ۲۲؛ یوحنا ۱۷: ۳؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۱۷
۲۳۵	دوم یوحنا ۹-۱۱؛ اول قرنطیان ۱۶: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۶-۸

فصل یازدهم عادل شمرده شدن

۱. اشخاصی را که خدا به طور ثمربخش دعوت می‌نماید، آنها را مجاناً عادل هم می‌شمارد.^{۲۳۶} خدا عدالت را بر آنها فرو نمی‌ریزد بلکه گناهانشان را می‌بخشد و آنها را به عنوان افراد عادل شده می‌پذیرید ولی این کار خدا به این علت نیست که در آنها کاری انجام شده و یا خودشان کاری انجام داده‌اند بلکه فقط به خاطر مسیح است. خدا ایمان یعنی عمل ایمان آوردن آنها و یا اطاعت آنها از انجیل را به منزله‌ی عادل شدن آنها به حساب نمی‌آورد بلکه اطاعت و عادل شدن توسط مسیح را به حساب آنها می‌گذارد.^{۲۳۷} آنها به وسیله‌ی ایمان، مسیح را و عدالت او را قبول می‌کنند در حالی که این ایمان از خود آنها نیست بلکه بخشش خداست.^{۲۳۸}

۲. ایمانی که مسیح و عدالت او را می‌پذیرد و به آن اعتماد می‌کند یگانه وسیله‌ی عادل شمرده شدن است.^{۲۳۹} ولی این ایمان در شخصی که عادل شمرده شده است به تنهایی وجود ندارد بلکه همیشه همراه تمام الطاف نجات‌بخش الهی است و این ایمان مرده نیست بلکه از طریق محبت عمل می‌کند.^{۲۴۰}

۳. مسیح از طریق اطاعت و مرگ خود دین تمام کسانی را که بدین گونه عادل شمرده شده‌اند به طور کامل ادا فرمود و از طرف آنها کفاره‌ی مناسب و حقیقی و کامل بر اساس عدالت الهی را انجام داد.^{۲۴۱} چون مسیح به خاطر آنان توسط پدر

۲۳۶	رومیان ۸: ۳۰؛ رومیان ۳: ۲۴؛ رومیان ۵: ۱۵-۱۶
۲۳۷	رومیان ۴: ۵-۸؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۹، ۲۱؛ رومیان ۳: ۲۲-۲۸؛ ارمیا ۲۳: ۶؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰-۳۱؛ رومیان ۵: ۱۷-۱۹
۲۳۸	یوحنا ۱: ۱۲؛ اعمال رسولان ۱۰: ۴۳؛ اعمال رسولان ۱۳: ۳۸-۳۹؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ افسسیان ۲: ۷-۸؛ یوحنا ۶: ۴۴-۴۵، ۴۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۹
۲۳۹	یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶؛ رومیان ۳: ۲۸؛ رومیان ۵: ۱
۲۴۰	یعقوب ۲: ۱۷، ۲۲، ۲۶؛ غلاطیان ۵: ۶
۲۴۱	مرقس ۱۰: ۴۵؛ رومیان ۵: ۸-۱۰، ۱۸-۱۹؛ غلاطیان ۳: ۱۳؛ اول تیموتائوس ۲: ۵-۶؛ عبرانیان ۱: ۳؛ عبرانیان ۱۰: ۱۰، ۱۴؛ دانیال ۹: ۲۴، ۲۶؛ ر.ک. اشعیا ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲

به طور داوطلبانه عطا شده بود،^{۲۴۲} اطاعت و کفّاره‌ی او به جای آنها قبول گردید^{۲۴۳} و آن هم به طور رایگان و نه به خاطر چیزی که در آنها وجود داشت لهذا عادل شمرده شدن آنها فقط از طریق فیض مجانی عملی می‌گردد^{۲۴۴} تا آنکه هم عدالت کامل و هم لطف فراوان الهی در عادل شمرده شدن گناهکاران ستوده شود.^{۲۴۵}

۴ خدا از ازل مقدر فرمود که همه‌ی برگزیدگان را عادل شمارد^{۲۴۶} و وقتی زمان به کمال رسید مسیح در راه گناهان آنها جان داد و برای عادل شمرده شدن آنها از مرگ برخاست.^{۲۴۷} اما با وجود این برگزیدگان عادل شمرده نمی‌شوند مگر وقتی که روح القدس در زمان مناسب مسیح را در آنها عملاً فعال گرداند.^{۲۴۸}

۵ خدا به بخشیدن گناهان عادل شمرده شدگان ادامه می‌دهد^{۲۴۹} و با وجودی که آنها هرگز نمی‌توانند از حالت عادل شمرده شدن سقوط نمایند^{۲۵۰} ولی امکان دارد به علت گناهانشان مورد نارضایتی پدرانه‌ی خدا قرار گیرند و روشنایی چهره‌ی الهی دیگر بر آنها نتابد مگر وقتی که خود را فروتن سازند و گناهان خود را اقرار و آمرزش الهی را طلب کنند و ایمان و توبه‌ی خود را تجدید نمایند.^{۲۵۱}

۶ عادل شمرده شدن ایمانداران در عهد عتیق، از تمام جنبه‌های فوق الذکر، عیناً شبیه عادل شمرده شدن ایمانداران در عهد جدید بوده است.^{۲۵۲}

۲۴۲	رومیان ۸: ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶
۲۴۳	دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ افسسیان ۵: ۲؛ فیلیپیان ۲: ۶-۹؛ اشعیا ۵۳: ۱۰-۱۱
۲۴۴	رومیان ۳: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۷
۲۴۵	رومیان ۳: ۲۶؛ افسسیان ۲: ۷؛ زکریا ۹: ۹؛ اشعیا ۴۵: ۲۱
۲۴۶	رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ غلاطیان ۳: ۸؛ اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰
۲۴۷	غلاطیان ۴: ۴؛ اول تیموتائوس ۲: ۱۶؛ رومیان ۴: ۲۵
۲۴۸	افسیسیان ۳: ۳؛ تیطس ۳: ۳-۷؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ ر.ک. کولسیان ۱: ۲۱-۲۲
۲۴۹	متی ۱۲: ۱۲؛ اول یوحنا ۱: ۷، ۹؛ اول یوحنا ۲: ۱-۲
۲۵۰	رومیان ۵: ۱-۵؛ رومیان ۸: ۳۰-۳۹؛ عبرانیان ۱۰: ۱۴؛ ر.ک. لوقا ۲۲: ۳۲؛ یوحنا ۱۰: ۲۸
۲۵۱	مزمور ۸۹: ۳۰-۳۲؛ مزمور ۵۱؛ مزمور ۳۲: ۵؛ متی ۲۶: ۷۵؛ لوقا ۱: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱۱: ۳۰، ۳۲
۲۵۲	غلاطیان ۳: ۹-۱۲، ۱۴؛ رومیان ۴: ۶-۸، ۲۲-۲۴؛ رومیان ۱۰: ۶-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۸

فصل دوازدهم فرزندخواندگی

۱. خدا به همه‌ی کسانی که عادل شمرده می‌شوند این لطف را می‌فرماید که به خاطر فرزند یگانه‌اش عیسیای مسیح در فیض فرزندخواندگی سهیم شوند.^{۲۵۳} آنها بدین طریق به جمع فرزندان خدا می‌پیوندند و از امتیازات و حقوق آنها بهره‌مند می‌گردند.^{۲۵۴} و اسم او بر آنها گذارده می‌شود.^{۲۵۵} و روح فرزندخواندگی را می‌پذیرند.^{۲۵۶} و دلیری می‌یابند که به تخت فیض نزدیک شوند.^{۲۵۷} و اجازه می‌یابند که او را پدر خطاب کنند.^{۲۵۸} و خدا به عنوان پدر آنها را مورد شفقت^{۲۵۹} و حفاظت^{۲۶۰} قرار می‌دهد و تامین می‌کند.^{۲۶۱} و تنبیه می‌نماید.^{۲۶۲} ولی هرگز آنها را مردود نمی‌شمارد.^{۲۶۳} بلکه تا روز رستگاری مظهر می‌کند.^{۲۶۴} و آنها به عنوان وارثان نجات ابدی وعده‌ها^{۲۶۵} را به ارث می‌برند.^{۲۶۶}

۲۵۳	افسیان ۱: ۵؛ غلاطیان ۴: ۵-۴
۲۵۴	رومیان ۸: ۱۷؛ یوحنا ۱: ۱۲
۲۵۵	اعداد ۶: ۲۴-۲۶؛ ارمیا ۱۴: ۹؛ عاموس ۹: ۱۲؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۸؛ مکاشفه ۳: ۱۲
۲۵۶	رومیان ۸: ۱۵
۲۵۷	افسیان ۳: ۱۲
۲۵۸	رومیان ۸: ۱۵
۲۵۹	مزامیر ۱۰۳: ۱۳
۲۶۰	امثال ۱۴: ۲۶
۲۶۱	متی ۶: ۳۰، ۳۲؛ اول پطرس ۵: ۷
۲۶۲	عبرانیان ۱۲: ۶
۲۶۳	مراثی ۳: ۳۱-۳۲؛ ر.ک. مزمور ۸۹: ۳۰-۳۵
۲۶۴	افسیان ۴: ۳۰
۲۶۵	عبرانیان ۶: ۱۲
۲۶۶	اول پطرس ۱: ۳-۴

فصل سیزدهم

تقدیس

۱. کسانی که به طور ثمربخش دعوت می‌شوند و تولّد تازه می‌یابند و دل تازه پیدا می‌کنند و روح جدیدی در آنها خلق می‌شود، به وسیله‌ی قدرت مرگ و قیام مسیح^{۲۶۷} از طریق ساکن شدن کلام و روح او در آنها حقیقتاً و شخصاً بیشتر تقدیس می‌شوند^{۲۶۸} و تسلط گناه بر بدن آنها از بین می‌رود^{۲۶۹} و شهوات متعدد آن خوار و ضعیف می‌شود.^{۲۷۰} آنها رفته رفته در تمام فیض‌های نجات‌بخش زنده‌تر و قوی‌تر می‌شوند^{۲۷۱} و به قدوسیت واقعی می‌رسند که بدون آن هیچ‌کس قادر نیست خدا را ببیند.^{۲۷۲}

۲. این قدوسیت در تمام وجود انسان پدیدار می‌گردد^{۲۷۳} اما در این عمر کامل نیست و هنوز مقداری فساد در بدن و فکر و روح ما باقی می‌ماند^{۲۷۴} و از این جهت جنگ دائمی و جنگ آشتی‌ناپذیری در هر ایمان‌داری به وجود می‌آید. تمایلات جسم برخلاف روح و تمایلات روح برخلاف جسم است.^{۲۷۵}

۳. در این جنگ با وجودی که فساد باقیمانده موقتاً غلبه می‌کند^{۲۷۶} ولی به وسیله‌ی قدرت روح تقدیس‌کننده‌ی مسیح که پیوسته عطا می‌شود^{۲۷۷} قسمت

اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴، حزقیال ۳۶: ۲۲-۲۸، تیتس ۳: ۵، اعمال رسولان ۲۰: ۳۲؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ رومیان ۶: ۵-۶	۲۶۷
یوحنا ۱۷: ۱۷، ۱۹؛ افسسیان ۵: ۲۶؛ رومیان ۸: ۱۳-۱۴؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳	۲۶۸
رومیان ۶: ۱۴	۲۶۹
غلاطیان ۵: ۲۴؛ رومیان ۸: ۱۳	۲۷۰
کولسیان ۱: ۱۰-۱۱؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹	۲۷۱
دوم قرنتیان ۷: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۸؛ کولسیان ۴: ۱۲؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴	۲۷۲
اول تسالونیکیان ۵: ۲۲؛ رومیان ۱۲: ۲۲	۲۷۳
اول یوحنا ۱: ۸-۱۰؛ رومیان ۷: ۱۴-۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۱۲	۲۷۴
غلاطیان ۵: ۱۷	۲۷۵
رومیان ۷: ۲۳	۲۷۶
رومیان ۶: ۱۴؛ اول یوحنا ۵: ۴؛ افسسیان ۴: ۱۵-۱۶؛ ر.ک. رومیان ۸: ۲	۲۷۷

تازه‌ی تولد یافته‌ی انسان پیروز می‌گردد و بدین طریق مقدسان در فیض رشد می‌کنند^{۲۷۸} و در خدا ترسی قدوسیت خود را کامل می‌سازند.^{۲۷۹}

فصل چهاردهم ایمان نجات‌بخش

۱. فیض ایمان، که به وسیله‌ی آن برگزیدگان می‌توانند برای نجات جانهای خود^{۲۸۰} به عیسای مسیح ایمان بیاورند، عمل روح مسیح در قلب برگزیدگان^{۲۸۱} است و معمولاً به وسیله‌ی موعظه‌ی کلام خدا^{۲۸۲} به وجود می‌آید. به علاوه، این ایمان توسط موعظه، و همچنین از طریق دعا و اجرای آیین‌های مقدس، افزایش و تقویت می‌یابد.^{۲۸۳}

۲. به وسیله‌ی این ایمان، شخص مسیحی به حقانیت هرچه که در کلام خدا به عنوان حقیقت مکشوف شده است ایمان پیدا می‌کند و مطمئن می‌گردد که اقتدار الهی در آن کلام سخن می‌گوید.^{۲۸۴} او طبق دستورات کلام خدا در قسمتهای مختلف کتاب مقدس عمل می‌کند^{۲۸۵} و از تهدیدات کلام خدا به لرزه درمی‌آید^{۲۸۶} و وعده‌های الهی در مورد این جهان و جهان آینده را می‌پذیرد.^{۲۸۷} و اما قدمهای اصلی در مورد ایمان نجات‌بخش عبارتند از قبول و پذیرفتن مسیح و توکل به او به عنوان یگانه واسطه برای عادل شمرده شدن و تقدیس و یافتن حیات ابدی در قدرت عهد فیض.^{۲۸۸}

تیطس ۱: ۱؛ عبرانیان ۱۰: ۳۹	۲۸۰
اول قرنتیان ۱۲: ۳؛ یوحنا ۳: ۵؛ تیطس ۳: ۵؛ یوحنا ۶: ۴۴-۴۵، ۶۵؛ افسسیان ۲: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ دوم پطرس ۱: ۱؛ ر.ک. اول پطرس ۲: ۱	۲۸۱
متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ رومیان ۱۰: ۱۴، ۱۷؛ اول قرنتیان ۱: ۲۱	۲۸۲
اول پطرس ۲: ۲؛ اعمال رسولان ۲۰: ۳۲؛ رومیان ۱: ۱۶-۱۷؛ متی ۲۸: ۱۹؛ ر.ک. اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۳۹؛ لوقا ۱۷: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷	۲۸۳
دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱؛ یوحنا ۴: ۲۴؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ اول یوحنا ۵: ۹-۱۰؛ اعمال رسولان ۲۴: ۱۴	۲۸۴
مزمور ۱۱۹: ۱۰-۱۱، ۴۸، ۹۷-۹۸، ۱۶۷-۱۶۸؛ یوحنا ۱۴: ۱۵	۲۸۵
عزرا ۹: ۴؛ اشعیا ۶۶: ۲؛ عبرانیان ۴: ۱	۲۸۶
عبرانیان ۱۱: ۳؛ اول تیموتائوس ۴: ۸	۲۸۷
یوحنا ۱: ۱۲؛ اعمال رسولان ۱۶: ۳۱؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹-۱۰	۲۸۸

¶ این ایمان دارای درجات شدت و ضعف است^{۲۸۹} و ممکن است بارها به طرق مختلف مورد حمله قرار گیرد و ضعیف شود ولی پیروز می‌گردد^{۲۹۰} و در بسیاری از ایمانداران رشد می‌کند و توسط مسیح^{۲۹۱} که پیشوا و کامل‌کننده‌ی ایمان ماست به اطمینان قطعی می‌رسد.^{۲۹۲}

غلاطیان ۵: ۱۳-۱۴؛ رومیان ۱: ۱-۲؛ رومیان ۴: ۱۹-۲۰؛ متی ۸: ۱۰	۲۸۹
لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲؛ افسسیان ۶: ۱۶؛ اول یوحنا ۵: ۴-۵	۲۹۰
عبرانیان ۶: ۱۱-۱۲؛ عبرانیان ۱۰: ۲۲؛ کولسیان ۲: ۲	۲۹۱
عبرانیان ۱۲: ۲	۲۹۲

فصل پانزدهم توبه حیات‌بخش

۱. توبه‌ی حیات‌بخش ثمره‌ی پربرکت تاثیر انجیل در زندگی ایمانداران است.^{۲۹۳} تمام خادمین انجیل علاوه بر موعظه در مورد ایمان به مسیح باید درباره‌ی توبه‌ی حیات‌بخش نیز موعظه نمایند.^{۲۹۴}

۲. توسط این توبه، انسان گناهکار می‌تواند به گناهان خود از نظر الهی نگاه کند و به ناپاکی و کراهت آنها پی ببرد و متوجه شود که این گناهان چه خطرات عظیمی برای او دارند و کاملاً مخالف ذات مقدس و شریعت عادل‌ی الهی هستند. انسان گناهکار، با درک این حقیقت که خدا در مسیح نسبت به توبه‌کنندگان شفقت دارد، به علت گناهان خود بسیار غمگین می‌شود و از آنها نفرت می‌نماید و بدین طریق تصمیم می‌گیرد از تمام آنها دوری جوید.^{۲۹۵} سپس به سوی خدا رو می‌آورد و کوشش می‌نماید طبق اوامر الهی زندگی کند.^{۲۹۶}

۳. با وجودی که توبه گناه را پاک نمی‌کند و نمی‌تواند باعث عفو آن گردد^{۲۹۷} زیرا بخشش گناهان لطف داوطلبانه‌ی خدا در مسیح است.^{۲۹۸} معهذا توبه برای تمام گناهکاران لازم است و هیچ کس نمی‌تواند بدون آن بخشیده شود.^{۲۹۹}

۴. همانطوری که هیچ گناهی وجود ندارد که به قدری کوچک باشد که باعث محکومیت نگردد،^{۳۰۰} به همین طریق هیچ گناهی وجود ندارد که به قدری بزرگ

اعمال رسولان ۱۱: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۷: ۱۰؛ زکریا ۱۲: ۱۰	۲۹۳
لوقا ۲۴: ۴۷؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۲: ۲۱	۲۹۴
حزقیال ۱۸: ۳۰-۳۱؛ حزقیال ۳۶: ۳۱؛ اشعیا ۳۰: ۲۲؛ مزمور ۵۱: ۴؛ ارمیا ۳۱: ۱۸-۱۹	۲۹۵
یوئیل ۲: ۱۲-۱۳؛ عاموس ۵: ۱۵؛ مزمور ۱۱۹: ۱۲۸؛ دوم قرنتیان ۷: ۱۱؛ اول تسالونیکیان ۱: ۹	
مزمور ۱۱۹: ۶، ۵۹، ۱۰۶؛ دوم پادشاهان ۲۳: ۲۵، رک. لوقا ۱: ۶	۲۹۶
حزقیال ۳۶: ۳۱-۳۲؛ حزقیال ۱۶: ۶۱-۶۳؛ اشعیا ۴۳: ۲۵	۲۹۷
هوشع ۱۴: ۲، ۴؛ رومیان ۳: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۷	۲۹۸
لوقا ۱۳: ۳، ۵؛ مرقس ۱: ۴؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۰-۳۱	۲۹۹
رومیان ۶: ۲۳؛ غلاطیان ۳: ۱۰؛ متی ۱۲: ۳۶	۳۰۰

باشد که بخشش آن از طریق توبه امکان‌پذیر نباشد.^{۳۰۱}

۵. ایمانداران نباید به توبه‌ی کلی اکتفا نمایند. هر ایمانداری مکلف است از یک یک گناهان خود شخصاً توبه نماید.^{۳۰۲}

۶. هرکس باید گناهان خود را در خلوت در حضور خدا اعتراف نماید و برای بخشیده شدن آنها دعا کند.^{۳۰۳} اعتراف و دعا برای بخشیده شدن و ترک کردن گناهان بخشیده شده باعث جاری شدن رحمت الهی می‌گردد.^{۳۰۴} همچنین شخصی که نسبت به برادر روحانی خود و یا کلیسای مسیح گناهی مرتکب شده است باید حاضر باشد در خلوت یا به طور علنی اعتراف کند و نشان دهد که از گناهان خود ناراحت است و توبه خود را علناً به کسانی که از گناه او صدمه دیده‌اند ابراز دارد.^{۳۰۵} و آنها هم متقابلاً باید با او آشتی کنند و او را با محبت بپذیرند.^{۳۰۶}

اشعیا ۵۵: ۷؛ رومیان ۸: ۱؛ اشعیا ۱: ۱۶-۱۸	۳۰۱
مزمور ۱۹: ۱۳؛ متی ۲۶: ۷۵؛ لوقا ۱۹: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۳، ۱۵	۳۰۲
مزمور ۳۲: ۵-۷؛ مزمور ۵۱: ۱-۱۴	۳۰۳
امثال ۲۸: ۱۳؛ اشعیا ۵۵: ۷؛ اول یوحنا ۱: ۹	۳۰۴
یعقوب ۵: ۱۶؛ لوقا ۱۷: ۳-۴؛ یوشع ۷: ۱۹؛ ر.ک. متی ۱۵: ۱۸-۱۸	۳۰۵
دوم قرنتیان ۲: ۷-۸؛ ر.ک. غلاطیان ۶: ۱-۲	۳۰۶

فصل شانزدهم کارهای نیکو

۱. کارهای نیکو فقط اعمالی است که خدا در کلام مقدس خود نیکو خوانده^{۳۰۷} و انجام آنها را دستور فرموده است. سایر کارها، علی‌رغم حسن نیت و جدیتی که انسانها ممکن است در انجام آنها نشان دهند، کار نیکو شمرده نمی‌شوند.^{۳۰۸}

۲. این کارهای نیکو، که بر اثر اطاعت از قوانین الهی انجام می‌شوند، ثمره و دلیل وجود ایمان حقیقی و زنده هستند.^{۳۰۹} ایمانداران به وسیله‌ی این کارهای نیکو مراتب شکر و سپاس خود را ابراز می‌دارند^{۳۱۰} و اطمینان نجات خود را تقویت می‌بخشند.^{۳۱۱} و برادران خود را بنا می‌کنند^{۳۱۲} و باعث تزیین معترفین انجیل می‌گردند.^{۳۱۳} کارهای نیکو باعث می‌گردد که ایرادهای دشمنان انجیل خنثی شود^{۳۱۴} و بر اثر این کارهای نیکو خدا مورد تمجید قرار می‌گیرد^{۳۱۵} زیرا معلوم می‌شود که ایمانداران مخلوق عیسای مسیح هستند^{۳۱۶} و برای کارهای نیکو آفریده شده‌اند زیرا به طرف زندگی مقدس پیش می‌روند که به حیات ابدی منتهی می‌گردد.^{۳۱۷}

۳. توانایی ایمانداران برای انجام کارهای نیکو به هیچ وجه از خودشان نیست

۳۰۷	میکاه ۶: ۸؛ رومیان ۱۲: ۲؛ عبرانیان ۱۳: ۲۱
۳۰۸	متی ۱۵: ۹؛ اشعیا ۲۹: ۱۳؛ اول پطرس ۱: ۱۸؛ یوحنا ۱۶: ۲؛ رومیان ۱۰: ۲؛ اول سموئیل ۱۵: ۲۱-۲۳؛ تثنیه ۱۰: ۱۲-۱۳؛ کولسیان ۲: ۱۶-۱۷، ۲۰-۲۳
۳۰۹	یعقوب ۲: ۱۸، ۲۲
۳۱۰	مزمور ۱۱۶: ۱۲-۱۴؛ کولسیان ۳: ۱۵-۱۷؛ اول پطرس ۲: ۹
۳۱۱	اول یوحنا ۲: ۳، ۵؛ دوم پطرس ۱: ۵-۱۰
۳۱۲	دوم قرنتیان ۹: ۲؛ متی ۵: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۴: ۱۲
۳۱۳	تیطس ۲: ۵، ۹-۱۲؛ اول تیموتائوس ۶: ۱
۳۱۴	اول پطرس ۲: ۱۵
۳۱۵	اول پطرس ۲: ۱۲؛ فیلیپیان ۱: ۱۱؛ یوحنا ۱۵: ۸
۳۱۶	افسسیان ۲: ۱۰
۳۱۷	رومیان ۶: ۲۲

بلکه تماماً از روح مسیح است.^{۳۱۸} علاوه بر نتایج مخصوص دیگری، که بر اثر عمل روح‌القدس حاصل می‌گردد، ایمانداران باید به وسیله‌ی روح‌القدس هدایت شوند تا برحسب رضامندی خدا هم اراده و هم فعل را به عمل آورند.^{۳۱۹} با وجود این نباید دچار تنبلی روحانی شوند و در مواردی که حکم بخصوصی از طرف خدا وجود دارد، در انتظار هدایت مخصوص الهی باشند بلکه باید با جدیت کارهای نیکو را در فرامین الهی جستجو کنند و با تمام قدرت به انجام آنها مبادرت ورزند و هر روز با علاقه دعا کنند تا روح‌القدس که در آنها سکونت دارد به آنها قدرت عطا فرماید.^{۳۲۰}

۹ کسانی که در اطاعت از خدا به عالی‌ترین مقامی که ممکن است در این عمر حاصل شود می‌رسند، به هیچ‌وجه قادر نیستند بیشتر از آنچه که خدا می‌طلبد و حتی همانقدر که خدا انتظار دارد انجام دهند بلکه در واقع از اجرای کامل وظایف خود قاصر هستند.^{۳۲۱}

۱۵ ما قادر نیستیم به وسیله‌ی بهترین اعمال خود برای بخشیده شدن گناهان و رسیدن به حیات ابدی شایستگی پیدا کنیم. در میان بهترین اعمال ما در این جهان و جلالتی که در ما ظاهر خواهد شد تفاوت عظیمی وجود دارد و فاصله‌ی بی‌حدی در میان ما و خدا هست و خدا از بهترین کارهای ما نفعی نمی‌برد و این کارها نمی‌توانند گناهان گذشته‌ی ما را کفاره نمایند.^{۳۲۲} وقتی منتهای تلاش خود را به عمل می‌آوریم، فقط به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌ایم و غلامان بی‌منفعت هستیم.^{۳۲۳} چون نیکویی بهترین اعمال ما از روح‌القدس حاصل می‌گردد^{۳۲۴} و چون این اعمال توسط ما انجام می‌شوند و با ناپاکی و ضعف و نقص ما آمیخته‌اند، قادر نیستند در مقابل دآوری الهی بایستند.^{۳۲۵}

یوحنا ۱۵: ۴-۶؛ رومیان ۸: ۴-۱۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷	۳۱۸
فیلیپیان ۲: ۱۳؛ فیلیپیان ۴: ۱۳؛ دوم قرنتیان ۳: ۵؛ افسسیان ۳: ۱۶	۳۱۹
فیلیپیان ۲: ۱۲؛ عبرانیان ۶: ۱۱-۱۲؛ دوم پطرس ۱: ۳ و ۵؛ اشعیا ۶۴: ۷	۳۲۰
دوم تیموتائوس ۱: ۶؛ اعمال رسولان ۲۶: ۶-۷؛ یهوذا ۲۰-۲۱	
لوقا ۱۷: ۱۰؛ نحمیا ۱۳: ۲۲؛ رومیان ۸: ۲۱-۲۵؛ غلاطیان ۵: ۱۷	۳۲۱
رومیان ۳: ۲۰؛ رومیان ۴: ۲، ۴؛ افسسیان ۲: ۸-۹؛ تیطس ۳: ۵-۷؛ رومیان ۸: ۱۸، ۲۲-۲۴؛ مزمو ۱۶: ۲؛ ایوب ۲۲: ۲-۳؛ ایوب ۳۵: ۷-۸	۳۲۲
لوقا ۱۷: ۱۰	۳۲۳
رومیان ۸: ۱۳-۱۴؛ غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳	۳۲۴
اشعیا ۶۴: ۶؛ غلاطیان ۵: ۱۷؛ رومیان ۷: ۱۵، ۱۸؛ مزمو ۱۴۳: ۲؛ مزمو ۱۳۰: ۳	۳۲۵

۶. معه‌ذا چون ایمانداران توسط مسیح پذیرفته شده‌اند، کارهای نیکوی آنها در این جهان هم مورد قبول خداست.^{۳۲۶} این به آن معنی نیست که آنها از نظر الهی کامل هستند^{۳۲۷} بلکه به این معنی است که وقتی خدا در فرزندش بر آنها نظر می‌افکند راضی می‌شود که آنچه را که با صمیمیت انجام شده است، هرچند آمیخته به ضعف و نقص باشد، بپذیرد.^{۳۲۸}

۷. اعمالی که از انسانی که تولد تازه ندارد صادر می‌گردد ممکن است همان کارهایی باشد که خدا فرموده است و امکان دارد این اعمال برای خودش و سایرین مفید باشد^{۳۲۹} ولی چون از قلبی که به وسیله‌ی ایمان تقدیس شده باشد صادر نگشته^{۳۳۰} بنابراین به طرز صحیح انجام نگرفته یعنی بر اثر اطاعت از کلام خدا عملی نگردیده^{۳۳۱} و برای مقصود صحیح که جلال خداست به جا آورده نشده است^{۳۳۲} و به همین دلیل گناه‌آلوده بوده و نمی‌تواند رضایت خدا را جلب کند و به ما شایستگی ببخشد که از لطف الهی بهره‌مند شویم.^{۳۳۳} با وجود این، غفلت در انجام این اعمال نیکو از نظر الهی گناه‌آلود و ناخوشایندتر از انجام آنهاست.^{۳۳۴}

۳۲۶	افسیسیان ۱: ۶؛ اول پطرس ۲: ۵؛ ر.ک. خروج ۲۸: ۳۸؛ پیدایش ۴: ۴؛ عبرانیان ۱۱: ۴
۳۲۷	ایوب ۹: ۲۰؛ مزمور ۱۴۳: ۲؛ اول یوحنا ۱: ۸
۳۲۸	عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ دوم قرنتیان ۸: ۱۲؛ عبرانیان ۶: ۱۰؛ متی ۲۵: ۲۱، ۲۳؛ اول قرنتیان ۳: ۱۴؛ اول قرنتیان ۴: ۵
۳۲۹	دوم پادشاهان ۱۰: ۳۰-۳۱؛ اول پادشاهان ۲۱: ۲۷، ۲۹؛ لوقا ۶: ۳۲-۳۴؛ لوقا ۱۸: ۲-۷؛ ر.ک. رومیان ۱۳: ۴
۳۳۰	عبرانیان ۱۱: ۴، ر.ک. پیدایش ۴: ۳-۵
۳۳۱	اول قرنتیان ۱۳: ۳؛ اشعیا ۱: ۱۲
۳۳۲	متی ۶: ۲، ۵، ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳۱
۳۳۳	امثال ۲۱: ۲۷؛ حجتی ۲: ۱۴؛ تیطس ۱: ۱۵؛ عاموس ۵: ۲۱-۲۲؛ مرقس ۷: ۶-۷؛ هوشع ۱: ۴؛ رومیان ۹: ۱۶؛ تیطس ۳: ۵
۳۳۴	مزمور ۱۴: ۴؛ مزمور ۳۶: ۳؛ متی ۲۵: ۴۱-۴۵؛ متی ۲۳: ۲۳؛ ر.ک. رومیان ۱: ۲۱-۳۲

فصل هفدهم پایداری مقدسین

۱. کسانی که خدا آنها را در فرزند محبوب خود قبول کرده و توسط روحش به طور ثمربخش دعوت نموده و مقدس گردانیده است، هرگز از حالت فیض آمیز خود به طور کامل یا قطعی سقوط نخواهند کرد بلکه حتماً تا آخر عمر به زندگی خود در این حالت ادامه خواهند داد و پایدار خواهند ماند و تا ابد از نجات برخوردار خواهند بود.^{۳۳۵}

۲. این پایداری مقدسین به اراده‌ی آزاد آنها متکی نیست بلکه بر اساس مشیت تغییرناپذیر الهی در مورد برگزیدگی قرار دارد که از محبت داوطلبانه و تغییرناپذیر خدای پدر سرچشمه می‌گیرد^{۳۳۶} و بر تاثیر شایستگی و شفاعت عیسای مسیح^{۳۳۷} و سکونت روح و جایگزینی بذر الهی در مقدسین^{۳۳۸} و بر ماهیت عهد فیض متکی است^{۳۳۹} و همه‌ی اینها قطعیت و غیرقابل تغییر بودن حفاظت مقدسین را تایید می‌نماید.^{۳۴۰}

۳. با وجود این بر اثر وسوسه‌های شیطان و جهان و ذات جسمانی و قدیمی مقدسین همراه با قصور در مورد وسایل پایداری، ممکن است ایمانداران مرتکب گناهان سنگین شوند^{۳۴۱} و مدتی در آن وضع باقی بمانند^{۳۴۲} و بدین طریق باعث ناخشنودی خدا شوند^{۳۴۳} و روح القدس او را غمگین سازند^{۳۴۴} و بعضی از ثمرات لطف

۳۳۵ فیلیپیان ۱: ۶؛ دوم پطرس ۱: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ یوحنا ۱۰: ۲۸-۲۹؛ اول یوحنا ۳: ۹؛

اول یوحنا ۵: ۱۸؛ اول پطرس ۱: ۵، ۹

۳۳۶ مزبور ۸۹: ۳-۴، ۲۸-۳۳؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۹؛ ارمیا ۳۱: ۳

۳۳۷ عبرانیان ۱۰: ۱۰، ۱۴؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ عبرانیان ۹: ۱۲-۱۵؛ رومیان ۸: ۳۳-۳۹؛ یوحنا ۱۷: ۱۱، ۲۴؛ لوقا ۲۲: ۳۲؛ عبرانیان ۷: ۲۵

۳۳۸ یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ اول یوحنا ۲: ۲۷؛ اول یوحنا ۳: ۹

۳۳۹ ارمیا ۳۳: ۴۰؛ مزبور ۸۹: ۳۴-۳۷؛ ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۴

۳۴۰ یوحنا ۶: ۳۸-۴۰؛ یوحنا ۱۰: ۲۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۳؛ اول یوحنا ۲: ۱۹

۳۴۱ خروج ۳۲: ۲۱؛ یونس ۱: ۳، ۱۰؛ مزبور ۵۱: ۱۴؛ متی ۲۶: ۷۰، ۷۲، ۷۴

۳۴۲ دوم سموئیل ۱۲: ۹، ۱۳؛ غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴

۳۴۳ اعداد ۲۰: ۱۲؛ دوم سموئیل ۱۱: ۲۷؛ اشعیا ۶۴: ۷، ۹

۳۴۴ افسسیان ۴: ۳۰

الهی و تسلیات او را از دست بدهند^{۳۴۵} و قلبشان سخت^{۳۴۶} و وجدانشان خدشه‌دار شود^{۳۴۷} و صدمه بخورند و به دیگران صدمه وارد کنند^{۳۴۸} و به تنبیهات موقتی دچار گردند.^{۳۴۹}

مزمور ۵۱: ۸، ۱۰، ۱۲؛ مکاشفه ۲: ۴؛ متی ۲۶: ۷۵	۳۴۵
اشعیا ۶۳: ۱۷	۳۴۶
مزمور ۳۲: ۳-۴؛ مزمور ۵۱: ۸	۳۴۷
پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰؛ دوم سموئیل ۱۲: ۱۴؛ غلاطیان ۲: ۱۳	۳۴۸
مزمور ۸۹: ۳۱-۳۲؛ اول قرنتیان ۱۱: ۳۲	۳۴۹

فصل هجدهم اطمینان در مورد فیض و نجات

۱. رباکاران و سایر افرادی که تولد تازه ندارند ممکن است خود را با امیدهای بی‌اساس و گستاخی‌های جسمانی فریب دهند و تصور کنند که رضایت خدا را حاصل کرده و از نجات الهی بهره‌مند هستند.^{۳۵۰} ولی این تصورات باطل آنها بوسیله‌ی مرگ از بین می‌رود.^{۳۵۱} اما کسانی که حقیقتاً به عیسی خداوند ایمان آورده‌اند و از صمیم قلب او را دوست دارند و سعی می‌کنند با وجدان پاک در حضور او زندگی نمایند، می‌توانند در این عمر به طور قطع اطمینان پیدا کنند که از فیض الهی بهره‌مند هستند.^{۳۵۲} آنها می‌توانند در امید جلال خدا شادمان باشند و از این امید هرگز خجل نخواهند گردید.^{۳۵۳}

۲. این اطمینان بر اساس امید و احتمال کاذب قرار ندارد بلکه اطمینان قطعی فیض ایمان است که بر حقیقت الهی و وعده‌های نجات متکی هستند.^{۳۵۴} به علاوه، دلیل باطنی به صورت نور روحانی وجود دارد که به وسیله‌ی خدا عطا می‌گردد.^{۳۵۵} و این وعده‌ها به آن مربوط می‌شود.^{۳۵۶} همچنین، شهادت روح فرزندخواندگی وجود دارد که در روحهای ما شهادت می‌دهد که فرزند خدا هستیم.^{۳۵۷} این روح، بیعانه‌ی میراث ماست و به وسیله‌ی او تا روز نجات ممهور شده‌ایم.^{۳۵۸}

۳. با وجودی که در مورد این ایمان اطمینان قطعی وجود دارد ولی به صورتی نیست که ایماندار در مورد آن هرگز دچار شک و اشکال نگردد بلکه باید درباره‌ی

۳۵۰	میکاه ۳: ۱۱؛ تثنیه ۳۹: ۱۹؛ یوحنا ۸: ۴۱
۳۵۱	عاموس ۹: ۱۰؛ متی ۷: ۲۲-۲۳
۳۵۲	اول یوحنا ۵: ۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۳؛ اول یوحنا ۳: ۱۴، ۱۸-۱۹، ۲۱، ۲۴
۳۵۳	رومیان ۵: ۲، ۵
۳۵۴	عبرانیان ۶: ۱۱، ۱۹
۳۵۵	عبرانیان ۶: ۱۷-۱۸
۳۵۶	دوم پطرس ۱: ۴-۱۱؛ اول یوحنا ۲: ۳؛ اول یوحنا ۳: ۱۴؛ دوم قرنتیان ۱: ۱۲
۳۵۷	رومیان ۸: ۱۵-۱۶
۳۵۸	افسیسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ افسسیان ۴: ۳۰؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲

آن صبر داشته باشد^{۳۵۹} و در آن رشد کند ولی چون روح‌القدس به ایماندار قدرت می‌دهد که عطایایی را که توسط خدا مجانا به او بخشیده شده است بشناسد، شخص ایماندار می‌تواند بدون اینکه به مکاشفه‌ی غیرمعمولی احتیاجی داشته باشد به وسیله‌ی عمل معمولی روح‌القدس به اطمینان قطعی نجات برسد.^{۳۶۰} به همین دلیل، هر ایمانداری وظیفه دارد که اطمینان از دعوت برگزیدگی خود را ثابت نماید^{۳۶۱} تا اینکه قلبش از آرامش و شادی روح‌القدس و از محبت و تمجید خدا و از قدرت و شادمانی حاصل از اطاعت لبریز گردد. اینها ثمرات واقعی اطمینان هستند^{۳۶۲} و امکان ندارد ما را به زندگی نامنظم بکشانند.^{۳۶۳}

۱۶ این اطمینان که ایمانداران واقعی در مورد نجات خود دارند ممکن است متزلزل و ضعیف و به علل مختلف دچار خطر گردد که از آن جمله است غفلت در حفظ آن، ارتکاب گناه بخصوصی که باعث خدشه‌دار شدن وجدان و غمگین ساختن روح‌القدس می‌گردد، و سوسه‌ی ناگهانی یا شدید، دور ساختن حضور الهی توسط خدا تا اینکه ایماندار به تنهایی در تاریکی قدم بزند.^{۳۶۴} معهذا این ایمانداران حقیقی هیچ‌گاه از بذر الهی و حیات ایمان و محبت مسیح و سایر ایمانداران و قلب صمیمی و وجدان مطیع محروم نخواهند بود و در زمان معین روح خدا آنها را از این وضع به تجدید اطمینان نجات^{۳۶۵} رهبری و از نومی‌دی کامل حفظ خواهد فرمود.^{۳۶۶}

اول یوحنا ۵: ۱۳	۳۵۹
اول قرنتیان ۲: ۱۲؛ اول یوحنا ۴: ۱۳؛ عبرانیان ۶: ۱۱-۱۲؛ افسسیان ۳: ۱۷-۱۸	۳۶۰
دوم پطرس ۱: ۱۰	۳۶۱
رومیان ۵: ۱-۲؛ رومیان ۱۴: ۱۷؛ رومیان ۱۵: ۱۳؛ افسسیان ۱: ۳-۴؛ مزمور ۴: ۶-۷؛ مزمور ۱۱۹: ۳۲	۳۶۲
اول یوحنا ۲: ۱-۲؛ رومیان ۶: ۱-۲؛ تیطس ۲: ۱۱-۱۲؛ دوم قرنتیان ۷: ۱؛ رومیان ۸: ۱، ۱۲؛ اول یوحنا ۳: ۲-۳؛ مزمور ۱۳۰: ۴؛ اول یوحنا ۱: ۶-۷	۳۶۳
مزمور ۵۱: ۸، ۱۲، ۱۴؛ افسسیان ۴: ۳۰-۳۱؛ مزمور ۷۷: ۱۰-۱۱؛ مزمور ۳۱: ۲۲؛ ر.ک. متی ۲۶: ۶۹-۷۲؛ لوقا ۳۱-۳۴	۳۶۴
اول یوحنا ۳: ۹؛ لوقا ۲۲: ۳۲؛ مزمور ۵۱: ۸، ۱۲؛ ر.ک. مزمور ۷۳: ۱۵	۳۶۵
میکاه ۷: ۷-۹؛ ارمیا ۳۲: ۴۰؛ اشعیا ۵۴: ۷-۱۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۸-۱۰	۳۶۶

فصل نوزدهم شریعت خدا

۱. خدا به آدم شریعتی عطا فرمود که عهد اعمال نام دارد. خدا از آدم و فرزندان او خواست که این شریعت را شخصاً به طور کامل و دائماً با تمام جزئیات آن اجرا کنند. خدا فرمود که اجراکنندگان این شریعت حیات خواهند داشت و نقض‌کنندگان آن دچار هلاکت خواهند گردید. خدا به انسان قدرت و توانایی عطا فرمود که این شریعت را حفظ نماید.^{۳۶۷}

۲. این شریعت بعد از سقوط آدم باز هم به عنوان دستورالعمل کامل برای اجرای عدالت باقی ماند. به همین منظور توسط خدا در کوه سینا به صورت ده حکم یا ده فرمان که بر دو لوح نوشته شده بود عطا گردید.^{۳۶۸} در چهار حکم اوّل وظیفه‌ی ما نسبت به خدا و در شش حکم بعدی وظیفه‌ی ما نسبت به انسان مندرج است.^{۳۶۹}

۳. علاوه بر این شریعت، که معمولاً شریعت اخلاقی نامیده می‌شود، خدا را پسند آمد که به بنی‌اسرائیل که مجمع ایمانداران قبل از مسیح بودند، بعضی قوانین تشریفاتی شامل آیین‌های نشانه‌ای عطا فرماید که بعضی از آنها مربوط به عبادت و اشاره به مسیح و لطف الهی او و اعمال و زحمات و نتایج ایمان به اوست.^{۳۷۰} سایر احکام شامل دستورات مختلف اخلاقی است.^{۳۷۱} تمام این احکام تشریفاتی به وسیله‌ی عهد جدید منسوخ گردیده است.^{۳۷۲}

۳۶۷ پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ پیدایش ۲: ۱۷؛ افسسیان ۴: ۳۴؛ رومیان ۲: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۱۰: ۵؛

رومانیان ۵: ۱۲، ۱۹؛ غلاطیان ۳: ۱۰، ۱۲؛ جامعه ۷: ۲۹

۳۶۸ یعقوب ۱: ۲۵؛ یعقوب ۲: ۸، ۱۰-۱۲؛ رومیان ۳: ۱۹؛ رومیان ۱۳: ۸-۹؛ تثنیه ۵: ۳۲؛ تثنیه ۱۰: ۴؛

خروج ۳۴: ۱

۳۶۹ خروج ۲۰: ۳-۱۷؛ متی ۲۲: ۳۷-۴۰

۳۷۰ عبرانیان ۱۰: ۱؛ غلاطیان ۴: ۱-۳؛ کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۹: ۱-۲۸

۳۷۱ لویان ۱۹: ۹-۱۰، ۱۹، ۲۳؛ تثنیه ۲۷: ۲۴-۱۹-۲۱؛ رک. اول قرنتیان ۵: ۷؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۷؛

یهودا ۲۳

۳۷۲ کولسیان ۲: ۱۴، ۱۶-۱۷؛ دانیال ۹: ۲۷؛ افسسیان ۲: ۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۹: ۱۰؛

اعمال رسولان ۱۰: ۹-۱۶؛ اعمال رسولان ۱۱: ۲-۱۰

۱۴ چون بنی اسرائیل به عنوان یک قوم یک واحد سیاسی محسوب می‌گردید، خدا به آنها احکام مختلف قضایی هم عطا فرمود. زمان اجرای این احکام با انقضای دولت اسرائیل منقضی گردید و اکنون، غیر از مواردی که در قوانین کشورها مذکور است، ایمانداران ملزم به اجرای آنها نیستند.^{۳۷۳}

۱۵ مع‌هذا شریعت اخلاقی به طور دایمی توسط تمام مردم، اعم از نجات‌یافتگان یا سایرین، لازم‌الاجراست^{۳۷۴} و این لازم‌الاجرا بودن نه فقط به علت مفاد این شریعت اخلاقی است بلکه به سبب عطاکننده‌ی آن یعنی خدای خالق است.^{۳۷۵} مسیح در انجیل لازم‌الاجرا بودن شریعت اخلاقی را به هیچ‌وجه رد نمی‌کند، بلکه تایید می‌فرماید.^{۳۷۶}

۱۶ با وجودی که ایمانداران حقیقی به وسیله‌ی شریعت اعمال، عادل یا محکوم نمی‌شوند،^{۳۷۷} پس این شریعت برای آنها و سایرین فواید زیادی دارد زیرا به عنوان دستورالعمل زندگی، اراده‌ی خدا را به آنها می‌فهماند و نشان می‌دهد که باید اراده‌ی او را به جا آورند.^{۳۷۸} به علاوه، فساد گناه‌آلود ذات و قلب و زندگی مردم را روشن می‌سازد^{۳۷۹} تا آنها بتوانند خودشان را مطابق آن شریعت تفتیش نمایند و به گناهکار بودن خود بیشتر پی ببرند و به علت گناهان خود فروتن شوند و از گناه بیشتر نفرت پیدا کنند.^{۳۸۰} بدین طریق بیشتر متوجه می‌شوند که به مسیح احتیاج دارند و باید او را کاملاً اطاعت نمایند.^{۳۸۱} هشدارهای موجود در شریعت علیه گناه باعث می‌شود که ایمانداران از پیروی امیال گناه‌آلود گذشته‌ی خود دوری نمایند^{۳۸۲} و مجازاتهای مذکور در شریعت درباره‌ی نافرمانی از آن، آنها را متوجه می‌سازد که

۳۷۳ خروج ۲۱: ۱-۳۳: ۱۹؛ رک. پیدایش ۴۹: ۱۰؛ اول پطرس ۲: ۱۳-۱۴؛ اول قرن‌تین ۹: ۸-۱۰

۳۷۴ رومیان ۱۳: ۸-۱۰؛ رومیان ۳: ۳۱؛ اول قرن‌تین ۹: ۲۱؛ غلاطیان ۵: ۱۴؛ افسسیان ۶: ۲-۳؛

اول یوحنا ۲: ۴-۷؛ رک. رومیان ۳: ۲۰؛ رومیان ۷: ۷-۸؛ اول یوحنا ۳: ۴؛ رومیان ۶: ۱۵؛

رومیان ۷: ۲۵

۳۷۵ تیتیه ۴-۶: ۵؛ خروج ۲۰: ۱۱؛ رومیان ۳: ۱۹؛ یعقوب ۲: ۸، ۱۰-۱۱؛ متی ۱۹: ۴-۶؛ پیدایش ۱۷: ۱

۳۷۶ متی ۵: ۱۷-۱۹؛ رومیان ۳: ۳۱؛ اول قرن‌تین ۹: ۲۱؛ لوقا ۱۶: ۱۷-۱۸

۳۷۷ رومیان ۶: ۱۴؛ رومیان ۴: ۴؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۱۳؛ غلاطیان ۴: ۴-۵؛

اعمال رسولان ۱۳: ۳۸-۳۹؛ رومیان ۸: ۱، ۳۳

۳۷۸ رومیان ۷: ۱۲، ۲۲، ۲۵؛ مزمور ۱۱۹: ۱-۶؛ اول قرن‌تین ۷: ۱۹؛ غلاطیان ۵: ۱۴-۲۳

۳۷۹ رومیان ۷: ۷، ۱۳؛ رومیان ۳: ۲۰

۳۸۰ یعقوب ۱: ۳-۲۵؛ رومیان ۷: ۹، ۱۴، ۲۴

۳۸۱ غلاطیان ۳: ۲۴؛ رومیان ۷: ۲۴-۲۵؛ رومیان ۸: ۳-۴

۳۸۲ یعقوب ۲: ۱۱-۱۲؛ مزمور ۱۱۹: ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۲۸

این نافرمانی چه نتایج وخیمی دارد و در این جهان چه تنبیهاتی در انتظار آنهاست هر چند آنها از لعنت‌های مذکور در شریعت آزاد شده‌اند.^{۳۸۳} به علاوه، وعده‌های مذکور در شریعت نشان می‌دهد که خدا از اطاعت خشنود می‌شود و مطیعان از برکات زیادی بهره‌مند خواهند شد،^{۳۸۴} هر چند این برکات حق آنها در تحت عهد اعمال نیست.^{۳۸۵} وجود این حقیقت که شریعت انجام اعمال نیکو را تشویق و انجام اعمال بد را منع می‌کند به این معنی نیست که شخصی که اعمال نیکو انجام می‌دهد و از انجام کارهای بد خودداری می‌نماید، تحت شریعت قرار دارد، نه تحت فیض.^{۳۸۶}

۷. هیچ یک از فواید شریعت که فوقاً ذکر شد با فیض انجیل تضاد ندارد بلکه در این مورد هماهنگی بسیار جالبی دیده می‌شود.^{۳۸۷} زیرا روح مسیح اراده‌ی انسان را تحت تسلط قرار می‌دهد و او را قادر می‌سازد که داوطلبانه و با شادی اراده‌ی خدا را، که در شریعت الهی ظاهر شده و اجرای آن بر ما واجب گردیده است، انجام دهد.^{۳۸۸}

عزرا ۹: ۱۳-۱۴؛ مزمور ۸۹: ۳۰-۳۴؛ غلاطیان ۳: ۱۳	۳۸۳
خروج ۵-۶؛ تثیبه ۵: ۳۳؛ لاویان ۱۸: ۵؛ متی ۱۹: ۱۷؛ لاویان ۲۶: ۱-۱۳؛ دوم قرن‌تین ۶: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۲-۳؛ مزمور ۱۹: ۱۱؛ مزمور ۳۷: ۱۱؛ متی ۵: ۵	۳۸۴
غلاطیان ۲: ۱۶؛ لوقا ۱۷: ۱۰	۳۸۵
رومیان ۶: ۱۲-۱۵؛ اول پطرس ۳: ۸-۱۲؛ مزمور ۳۴: ۱۲-۱۶؛ عبرانیان ۱۲: ۲۸-۲۹	۳۸۶
رومیان ۳: ۳۱؛ غلاطیان ۳: ۲۱؛ تیتس ۲: ۱۱-۱۴	۳۸۷
حزقیال ۳۶: ۲۷؛ عبرانیان ۸: ۱۰؛ مزمور ۱۱۹: ۳۵، ۴۷؛ رومیان ۷: ۲۲؛ ارمیا ۳۱: ۳۳	۳۸۸

فصل بیستم آزادی مسیح و آزادی وجدان

۱. مسیح برای ایمانداران تحت حمایت انجیل آزادی‌هایی به شرح زیر تأمین فرموده است: آزادی از عقوبت گناه، آزادی از غضب خدا و از لعنت شریعت اخلاقی، آزادی از دنیای شریری که در آن زندگی می‌کنیم،^{۳۸۹} آزادی از اسارت شیطان، آزادی از تسلط گناه،^{۳۹۰} آزادی از شرّ مصیبت‌ها، آزادی از نیش گناه، پیروزی بر مرگ، آزادی از محکومیت ابدی.^{۳۹۱} در مسیح، ایمانداران آزادانه به خدا دسترسی پیدا می‌کنند^{۳۹۲} و می‌توانند او را اطاعت نمایند ولی این اطاعت به صورت بنده‌وار نیست بلکه با محبت بی‌ریای کودکانه و با میل و رغبت انجام می‌شود.^{۳۹۳} ایمانداران تحت شریعت هم از تمام این آزادی‌ها بهره‌مند بودند.^{۳۹۴} ولی در عهد جدید آزادی مسیحیان توسعه یافته و رهایی از آن نوع قوانین تشریفاتی را هم که کلیسای یهودیان تابع آن بود شامل می‌گردد.^{۳۹۵} به علاوه مسیحیان در مقایسه با ایمانداران معمولی تحت شریعت دارای جرأت بیشتری برای نزدیک شدن به تخت فیض^{۳۹۶} و دارای پری بیشتری از روح خدا هستند.^{۳۹۷}

۲. فقط خدا مالک و خداوند وجدان است^{۳۹۸} و آن را از پیروی عقاید و احکام انسانی که با کلام او در امور مربوط به ایمان و عبادت به نوعی متضاد و متفاوت باشد آزاد کرده است.^{۳۹۹} به همین دلیل ایمان به این عقاید یا اطاعت از چنین احکام

۳۸۹	تیتس ۲: ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ غلاطیان ۳: ۱۳
۳۹۰	غلاطیان ۱: ۴؛ کولسیان ۱: ۱۳؛ اعمال رسولان ۲۶: ۱۸؛ رومیان ۶: ۱۴
۳۹۱	رومیان ۸: ۳۸؛ مزمور ۱۱۹: ۷۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۵-۱۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۷؛ رومیان ۵: ۹؛ رومیان ۸: ۱۰؛ ر.ک. اول تسالونیکیان ۱: ۱۰
۳۹۲	رومیان ۵: ۱-۲
۳۹۳	رومیان ۸: ۱۴-۱۵؛ غلاطیان ۴: ۶؛ اول یوحنا ۴: ۱۸
۳۹۴	غلاطیان ۳: ۸-۹؛ ۱۴؛ رومیان ۴: ۶-۸؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳-۴؛ عبرانیان ۱۱: ۱-۴۰
۳۹۵	غلاطیان ۴: ۱-۷؛ غلاطیان ۵: ۱؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱۰-۱۱
۳۹۶	عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲
۳۹۷	یوحنا ۷: ۳۸-۳۹؛ اعمال رسولان ۲: ۱۷-۱۸؛ دوم قرنتیان ۳: ۸؛ ۱۳، ۱۷-۱۸؛ ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴
۳۹۸	رومیان ۱۴: ۴، ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۹؛ یعقوب ۴: ۱۲
۳۹۹	اعمال رسولان ۴: ۱۹؛ اول قرنتیان ۷: ۲۲-۲۳؛ متی ۱۵: ۱-۶؛ متی ۲۳: ۸-۱۰

انسانی در واقع مخالف آزادی وجدان است.^{۴۰۰} اجبار به اطاعت بلاشرط و کورکورانه باعث خدشه‌دار شدن آزادی وجدان می‌گردد و خلاف عقل سلیم است.^{۴۰۱}

۶۲ کسانی که به بهانه‌ی آزادی مسیحی مرتکب گناه می‌شوند یا افکار گناه‌آلود در خودشان پرورش می‌دهند، بر خلاف هدف اصلی آزادی مسیحی عمل می‌نمایند زیرا ما که از دست دشمنان خود آزاد شده‌ایم باید در تمام ایام عمر بدون ترس و با قدوسیت و عدالت در حضور خداوند او را خدمت نماییم.^{۴۰۲}

۶۳ چون قصد خدا این نیست که قدرتهایی که بر زمین مقرر فرموده و آزادی که مسیح تأمین کرده است یکدیگر را تباه سازند بلکه می‌خواهد یکدیگر را برقرار و محفوظ دارند لذا کسانی که به نام آزادی مسیحی با قدرتهای قانونی یا اجرای قانونی قدرت اعم از دولتی یا کلیسایی مخالفت می‌ورزند، در واقع با خدا مخالفت می‌نمایند.^{۴۰۳} پشتیبانی و کمک و انجام چنین مخالفت‌هایی که با نور عقل طبیعی و اصول روشن مسیحی در مورد ایمان و عبادت و معاشرت مغایرت دارد و به منزله‌ی انکار اقتدار الهی است و یا به آرامش و اتحاد ایمانداران خلل وارد می‌سازد، باید از طریق قانون توسط کلیسا مورد بازخواست قرار گیرد.^{۴۰۴}

دوم قرن‌تین ۱: ۲۴؛ اعمال رسولان ۵: ۲۹

۴۰۰ کولسیان ۲: ۲۰-۲۳؛ غلاطیان ۱: ۱۰؛ غلاطیان ۲: ۴-۵؛ غلاطیان ۴: ۹-۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱

۴۰۱ رومیان ۱۰: ۱۷؛ اشعیا ۸: ۲۰؛ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱؛ یوحنا ۴: ۲۲؛ مکاشفه ۱۳: ۱۲، ۱۶-۱۷؛

ارمیا ۸: ۹؛ اول پطرس ۳: ۱۵

۴۰۲ غلاطیان ۵: ۱۳؛ اول پطرس ۲: ۱۶؛ دوم پطرس ۲: ۱۹؛ رومیان ۶: ۱۵؛ یوحنا ۸: ۳۴؛ لوقا ۱: ۷۴-۷۵

۴۰۳ اول پطرس ۲: ۱۳-۱۴، ۱۶؛ رومیان ۱۳: ۱-۸؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳

۴۰۴ رومیان ۱: ۳۲؛ اول قرن‌تین ۱: ۵، ۱۱-۱۳؛ دوم یوحنا ۱۰-۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۶، ۱۴؛

اول تیموتائوس ۶: ۳-۴؛ تیتس ۱: ۱۰-۱۱، ۱۳-۱۴؛ تیتس ۳: ۱۰؛ رومیان ۱۶: ۱۷؛

متی ۱۸: ۱۵-۱۷؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۹-۲۰؛ مکاشفه ۲: ۲، ۱۴-۱۵، ۲۰

فصل بیست و یکم عبادت دین و روز آلامش

۱. نور عقل طبیعی روشن می‌سازد که خدایی هست که بر همه چیز فرمانروایی دارد و نیکوست و به همه نیکی می‌کند و به همین دلیل باید مورد تکریم و محبت و تمجید قرار گیرد و باید به سوی او دعا کنند و به او اعتماد نموده و او را با تمام قلب و جان و نیرو خدمت کنند.^{۴۰۵} طرز صحیح عبادت خدای واقعی توسط خود خدا مقرر گردیده است. اراده‌ی مکشوف شده‌ی الهی عبادت صحیح را به قدری روشن تعریف و تشریح می‌نماید که لازم نیست از خیالات و اختراعات انسانی و پیشنهادات شیطانی پیروی نماییم. نباید خدا را با هیچ شکل ظاهری و روش دیگری که در کلام مقدس او مقرر نیست عبادت نماییم.^{۴۰۶}

۲. عبادت دینی باید برای خدای پدر و پسر و روح‌القدس و فقط برای این خدا انجام شود.^{۴۰۷} نه برای فرشتگان و مقدّسین یا هر مخلوق دیگری.^{۴۰۸} بعد از سقوط آدم این عبادت باید واسطه‌ای داشته باشد و هیچ واسطه‌ی دیگری غیر از مسیح وجود ندارد.^{۴۰۹}

۳. دعای توأم با شکرگزاری قسمتی از عبادت دینی است.^{۴۱۰} و خدا آن را از همه

۴۰۵ رومیان ۱: ۲۰؛ مزمور ۱۹: ۱- بخش اول آیه‌ی ۴؛ مزمور ۵۰: ۶؛ مزمور ۹۷: ۶؛

مزمور ۱۴۵: ۹-۱۲؛ اعمال رسولان ۱۴: ۱۷؛ مزمور ۱۰۴: ۱-۳۵؛ مزمور ۸۶: ۸-۱۰؛

مزمور ۹۵: ۱-۶؛ مزمور ۸۹: ۵-۷؛ تثنیه ۶: ۴-۵

۴۰۶ تثنیه ۱۲: ۳۲؛ متی ۹: ۱۵؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۳-۲۵؛ متی ۴: ۹-۱۰؛ تثنیه ۴: ۱۵-۲۰؛

خروج ۲۰: ۴-۶؛ یوحنا ۴: ۲۳-۲۴؛ کولسیان ۲: ۱۸-۲۳

۴۰۷ یوحنا ۵: ۲۳؛ متی ۲۸: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ مکاشفه ۵: ۱۱-۱۴؛

اعمال رسولان ۱۰: ۲۵-۲۶؛ افسسیان ۳: ۱۴

۴۰۸ کولسیان ۲: ۱۸؛ مکاشفه ۱۹: ۱۰؛ رومیان ۱: ۲۵

۴۰۹ یوحنا ۱۴: ۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۵؛ افسسیان ۲: ۱۸؛ کولسیان ۳: ۱۷

۴۱۰ فیلیپیان ۴: ۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۱؛ کولسیان ۴: ۲

مطالبه می‌کند.^{۴۱۱} برای اینکه دعا مستجاب گردد باید به نام عیسی^{۴۱۲} و با کمک روحش^{۴۱۳} و طبق اراده‌اش^{۴۱۴} با فهم و خداترسی و فروتنی و اشتیاق و ایمان و محبت و پایداری انجام شود^{۴۱۵} و هرگاه به صدای بلند گفته شود باید به زبان آشنا باشد.^{۴۱۶}

۵۶ دعا باید برای چیزهای مشروع^{۴۱۷} و برای اشخاص زنده و یا کسانی باشد که متولد خواهند شد^{۴۱۸} ولی نباید برای مردگان^{۴۱۹} یا کسانی که گناه منتهی به موت مرتکب شده‌اند دعا کرد.^{۴۲۰}

۵۷ عبادت معمولی خدا شامل این موارد است: قرائت کلام خدا با احترام و دقت،^{۴۲۱} موعظه‌ی صحیح^{۴۲۲} و شنیدن دقیق کلام همراه اطاعت از خدا با درک و ایمان،^{۴۲۳} سراییدن مزامیر با فیض در قلبه‌ایمان،^{۴۲۴} اجرا و دریافت صحیح آیین‌های مقدس که توسط مسیح برقرار شده است.^{۴۲۵} علاوه بر اینها سوگندها^{۴۲۶} و نذرهای شرعی^{۴۲۷} و روزه‌ی صادقانه^{۴۲۸} و شکرگزاری در مواقع مخصوص هم وجود دارد^{۴۲۹}

۴۱۱	مزمور ۶۵: ۲؛ مزمور ۶۷: ۳؛ مزمور ۹۶: ۷-۸؛ مزمور ۱۴۸: ۱۱-۱۳؛ اشعیا ۵۵: ۶-۷
۴۱۲	یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴؛ اول پطرس ۲: ۱۵
۴۱۳	رومیان ۸: ۲۶؛ افسسیان ۶: ۱۸
۴۱۴	اول یوحنا ۵: ۱۴
۴۱۵	مزمور ۴۷: ۷؛ جامعه ۵: ۱-۲؛ عبرانیان ۱۲: ۲۸؛ پیدایش ۱۸: ۲۷؛ یعقوب ۵: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۶-۷؛ مرقس ۱۱: ۲۴؛ متی ۱۲: ۱۴-۱۵؛ کولسیان ۴: ۲؛ افسسیان ۶: ۱۸
۴۱۶	اول قرنتیان ۱۴: ۱۴
۴۱۷	اول یوحنا ۵: ۱۴، ۱۶؛ یوحنا ۱۵: ۷
۴۱۸	اول تیموتائوس ۲: ۱-۲؛ دوم سموئیل ۷: ۲۹؛ دوم تواریخ ۱۴-۱۴: ۴۲
۴۱۹	لوقا ۱۶: ۲۵-۲۶؛ اشعیا ۵۷: ۱-۲؛ مزمور ۷۳: ۲۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۸، ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۴؛ مکاشفه ۱۴: ۱۳
۴۲۰	اول یوحنا ۵: ۱۶
۴۲۱	لوقا ۴: ۱۶-۱۷؛ اعمال رسولان ۱۵: ۲۱؛ کولسیان ۴: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۷؛ مکاشفه ۱: ۳
۴۲۲	دوم تیموتائوس ۴: ۲؛ اعمال رسولان ۵: ۴۲
۴۲۳	یعقوب ۱: ۲۲؛ اعمال رسولان ۱۰: ۳۳؛ متی ۱۳: ۱۹؛ عبرانیان ۴: ۲؛ اشعیا ۶: ۲
۴۲۴	کولسیان ۳: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۱۹؛ یعقوب ۵: ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۴: ۱۵
۴۲۵	متی ۲۸: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۹؛ اعمال رسولان ۲: ۴۲
۴۲۶	تثنیه ۶: ۱۳؛ نحمیا ۱۰: ۲۹؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۳
۴۲۷	مزمور ۱۱۶: ۱۴؛ اشعیا ۱۹: ۲۱؛ جامعه ۵: ۴-۵
۴۲۸	یوئیل ۲: ۱۲؛ استر ۴: ۱۶؛ متی ۹: ۱۵؛ اعمال رسولان ۱۴: ۲۳
۴۲۹	خروج ۱۵: ۱-۲۱؛ مزمور ۱۰۷: ۱-۴۳؛ نحمیا ۲۷-۲۷: ۴۳؛ استر ۹: ۲۰-۲۲

که باید در عبادت در زمانهای مناسب با قدوسیت و دینداری به جا آورده شوند.^{۴۳۰}

از نظر انجیل دعا و سایر قسمتهای عبادت دینی الزاماً نباید در محل مخصوصی انجام شود تا مقبولیت بیشتری بیابد.^{۴۳۱} خدا باید در همه جا^{۴۳۲} به روح و راستی^{۴۳۳} به طور روزانه^{۴۳۴} در خانواده‌ها^{۴۳۵} و به طور انفرادی و در گروههایی^{۴۳۶} محترمانه مورد پرستش قرار گیرد. از این گروههایی‌ها نباید سهواً یا عمداً غفلت کرد زیرا خدا مایل است همراه سایر ایمانداران در عبادت همگانی شرکت نماییم.^{۴۳۷}

یکی از قوانین طبیعی زندگی دنیوی ما این است که یک قسمت مناسب از وقت خود را به پرستش خدا اختصاص دهیم. به علاوه خدا در کلام خود دستور فرموده است که تمام مردم در تمام سنین یک روز از هفت روز هفته را به عنوان روز آرامش برای او مقدس نگاه دارند.^{۴۳۸} از ابتدای خلقت جهان تا رستاخیز مسیح این روز آرامش آخرین روز هفته یعنی شنبه بود ولی بعد از رستاخیز مسیح این روز به روز اول هفته تبدیل شد^{۴۳۹} و به نام روز خدا معروف گردید^{۴۴۰} و پاسداشت آن باید تا پایان جهان به عنوان روز آرامش مسیحی ادامه یابد.^{۴۴۱}

روز آرامش به شرطی برای خداوند مقدس نگاه داشته خواهد شد که مردم: قلب خود را برای آن آماده سازند، در مورد کارهای روزانه‌ی خود برای آن روز ترتیبات لازم را بدهند، از اعمال و سخنان معمولی خود و از افکار مربوط به فعالیتهای دنیوی و تفریحات دوری نمایند^{۴۴۲} و تمام وقت خود را صرف عبادت

عبرانیان ۱۲: ۲۸	۴۳۰
یوحنا ۴: ۲۱	۴۳۱
ملاکی ۱: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۲: ۸	۴۳۲
یوحنا ۴: ۲۳-۲۴	۴۳۳
متی ۶: ۱۱؛ ر.ک. ایوب ۱: ۵	۴۳۴
ارمیا ۱۰: ۲۵؛ تثنیه ۶: ۷؛ ایوب ۱: ۵؛ دوم سموئیل ۶: ۱۸، ۲۰	۴۳۵
متی ۶: ۱۶-۱۸؛ نحمیا ۱: ۴-۱۱؛ دانیال ۹: ۳-۹؛ بخش اول آیه‌ی ۴	۴۳۶
اشعیا ۵۶: ۶-۷؛ عبرانیان ۱۰: ۲۵؛ مزبور ۱۰۰: ۴؛ مزبور ۱۲۲: ۱؛ مزبور ۸۴: ۱-۱۲؛ لوقا ۴: ۱۶؛ اعمال رسولان ۱۳: ۴۲ و ۴۴؛ اعمال رسولان ۲: ۴۲	۴۳۷
خروج ۲۰: ۸-۱۱؛ اشعیا ۵۶: ۲-۷	۴۳۸
پیدایش ۲: ۲-۳؛ اول قرن‌تبیان ۱۶: ۱-۲؛ اعمال رسولان ۲۰: ۷	۴۳۹
مکاشفه ۱: ۱۰	۴۴۰
متی ۵: ۱۷-۱۸؛ مرقس ۲: ۲۷-۲۸؛ رومیان ۱۳: ۸-۱۰؛ یعقوب ۲: ۸-۱۲	۴۴۱
خروج ۲۰: ۸؛ خروج ۱۶: ۲۳-۳۰؛ خروج ۳۱: ۱۵-۱۷؛ اشعیا ۵۸: ۱۳-۱۴؛ نحمیا ۱۳: ۱۵-۲۲	۴۴۲

گروهی و شخصی کنند و به انجام تکالیف ضروری و امور خیریه پردازند.^{۴۴۳}

فصل بیست و دوم سوگندهای شرعی و نذرها

۱. سوگندهای شرعی قسمتی از عبادت دینی است^{۴۴۴} که به وسیله‌ی آن در زمان مناسب شخصی که سوگند می‌خورد خدا را به طور جدی به شهادت می‌طلبید که بر آنچه می‌گوید یا وعده می‌دهد شاهد باشد و طبق صحت یا سقم این سوگند بر او قضاوت کند.^{۴۴۵}

۲. نام خدا یگانه نامی است که انسان باید به آن سوگند یاد کند و یاد نام باید با ترس و احترام بر زبان رانده شود.^{۴۴۶} به همین دلیل سوگند باطل و بدون فکر و سوگند به هر نام دیگری گناه است و باید ناپسند شمرده شود.^{۴۴۷} چون در امور مهم سوگند خوردن در کلام خدا، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید تجویز شده است،^{۴۴۸} پس در مواردی که از نظر مقامات رسمی لازم باشد می‌توان از سوگند شرعی استفاده کرد.^{۴۴۹}

۳. شخصی که سوگند یاد می‌کند باید به اهمیت این عمل مهم به طور کامل واقف باشد و به همین دلیل نباید در مورد چیزی غیر از آنچه به حقیقت آن اطمینان کامل دارد قسم بخورد.^{۴۵۰} هیچ‌کس نباید خود را به وسیله‌ی سوگند به چیزی مقید سازد جز آنچه نیکو و عادلانه باشد و ایمان داشته باشد که درست است و آنچه که تصمیم گرفته باشد را بتواند انجام دهد. اما سرپیچی از قسم خوردن در مورد

۴۴۴ تثنیه ۱۰: ۲۰؛ اشعیا ۴۵: ۲۳؛ رومیان ۱۴: ۱۱؛ فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱

۴۴۵ خروج ۲۰: ۷؛ لاویان ۱۹: ۱۲؛ رومیان ۹: ۱؛ دوم قرنتیان ۱: ۳۳؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۳۱؛

غلاطیان ۱: ۲۰؛ دوم تواریخ ۶: ۲۲-۲۳

۴۴۶ تثنیه ۶: ۱۳؛ یوشع ۲۳: ۷

۴۴۷ خروج ۲۰: ۷؛ ارمیا ۵: ۷؛ متی ۵: ۳۳-۳۷؛ یعقوب ۵: ۱۲

۴۴۸ عبرانیان ۶: ۱۶؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۳؛ اشعیا ۶۵: ۱۶

۴۴۹ اول پادشاهان ۸: ۳۱؛ نحمیا ۱۳: ۲۵؛ عزرا ۱۰: ۵

۴۵۰ خروج ۲۰: ۷؛ لاویان ۱۹: ۱۲؛ ارمیا ۴: ۲؛ هوشع ۱۰: ۴

امور عادلانه در موقعی که از طرف مقامات رسمی خواسته شده باشد گناه است.^{۴۵۱}

۵۱ سوگند باید به مفهوم ساده و معمولی کلمات یاد شود بدون آنکه در آن ابهام و فریب وجود داشته باشد.^{۴۵۲} سوگند نمی‌تواند انسان را به انجام گناه مقید گرداند ولی وقتی در مورد اموری که گناه‌آلود نیستند یاد شود باید حتماً انجام گردد، هرچند به ضرر خود شخص باشد^{۴۵۳} و حتی وقتی به نفع بدعتکاران و خداناسان سوگند یاد شود باید به آن وفا کرد.^{۴۵۴}

۵۲ نذر کردن مثل قسم خوردن است که به وسیله‌ی آن قولی داده می‌شود و باید با همان دقت دینی وفا شود و با صداقت عملی گردد.^{۴۵۵}

۵۳ نذر باید فقط با خدا بسته شود نه هیچ کس دیگر.^{۴۵۶} برای اینکه مورد قبول باشد باید با رضایت و صمیمیت و احساس مسؤولیت برای تشکر از لطفی که انجام شده و یا برای دریافت آنچه احتیاج داریم انجام شود. نذر کردن باعث می‌شود که تعهد جدی‌تری در مورد وظایف ضروری و سایر امور بپذیریم و حتی‌الامکان تا زمان مناسب در عملی ساختن آن بکوشیم.^{۴۵۷}

۵۴ هیچ کس نباید نذر کند که چیزی را که در کلام خدا ممنوع شده است به جا آورد یا عملی انجام دهد که بر خلاف وظایف مذکور در کلام خدا باشد یا انجام کاری را تعهد نماید که از طرف خدا قدرت و تصمیمی برای عملی نمودن آن ندارد.^{۴۵۸} در این رابطه، نذر برای رهبانیت و خودداری دایمی از ازدواج و زندگی در فقر و اطاعت دایمی باعث کمال نمی‌گردد، بلکه در واقع جزو خرافات و دامهای گناه‌آلود است که هیچ مسیحی نباید در آنها گرفتار شود.^{۴۵۹}

۴۵۱	پیدایش ۲۴: ۲-۹؛ نحمیا ۵: ۱۲-۱۳؛ جامعه ۵: ۲، ۵
۴۵۲	ارمیا ۴: ۲؛ مزمور ۲۴: ۴
۴۵۳	اول سموئیل ۲۵: ۲۲، ۳۲-۳۴؛ مزمور ۱۵: ۴
۴۵۴	حزقیال ۱۷: ۱۶-۱۹؛ یوشع ۹: ۱۸-۱۹؛ دوم سموئیل ۱: ۲۱
۴۵۵	اعداد ۳۰: ۲؛ اشعیا ۱۹: ۲۱؛ جامعه ۵: ۴-۶؛ مزمور ۶۱: ۸؛ مزمور ۶۳: ۱۳-۱۴
۴۵۶	مزمور ۵۰: ۱۴؛ مزمور ۷۶: ۱۱؛ مزمور ۱۱۶: ۱۴
۴۵۷	تثنیه ۲۳: ۲۱-۲۳؛ پیدایش ۲۸: ۲۰-۲۲؛ اول سموئیل ۱: ۱۱؛ مزمور ۱۳۲: ۲-۵
۴۵۸	اعمال رسولان ۲۳: ۱۲-۱۴؛ مرقس ۶: ۲۶؛ اعداد ۳۰: ۵، ۸؛ ۱۲-۱۳
۴۵۹	متی ۱۹: ۱۱-۱۲؛ اول قرنتیان ۷: ۲ و ۹؛ عبرانیان ۱۳: ۴؛ افسسیان ۴: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول قرنتیان ۷: ۲۳

فصل بیست‌وسوم مقامات دولتی

۱. خدا، که خداوند مطلق و پادشاه تمام جهان است، چنین مقرر فرموده است که عده‌ای تحت فرمانروایی او برای جلال خودش و برای سعادت همگان، دارای مقامات دولتی باشند. خدا به همین منظور این مقامات را به قدرت شمشیر مجهز نموده است تا نیکان را محافظت و تشویق نمایند و خطاکاران را تنبیه کنند.^{۴۶۰}

۲. مناسب است که مسیحیان، وقتی متوجه می‌شوند که برای پذیرفتن مسؤولیتهای دولتی دعوت دارند، این دعوت را قبول نمایند.^{۴۶۱} آنها در انجام وظایف دولتی خود باید بکوشند در چارچوب قوانین مفید کشور از دین حقیقی و عدالت و آرامش حمایت کنند.^{۴۶۲} و در این راه با توجه به اصول عهد جدید در موارد صحیح و ضروری می‌توانند به جنگ مبادرت نمایند.^{۴۶۳}

۳. مقامات دولتی نباید به تعلیم کلام خدا و اجرای آیین‌های مقدس و استفاده از اقتدار روحانی مبادرت ورزند^{۴۶۴} و یا به انحای دیگری در امور مربوط به ایمان مداخله کنند،^{۴۶۵} بدین ترتیب موظف هستند کلیسای خداوند را محافظت نمایند بدون اینکه بین فرقه‌های مسیحی تبعیض قایل شوند، به طوری که تمام اعضا و مقامات کلیسایی بتوانند وظایف خود را با آزادی کامل و بلامانع انجام دهند.^{۴۶۶} چون عیسای مسیح در مورد اداره و انضباط کلیسای خود ترتیبات لازم را مقرر

۴۶۰	رومیان ۱: ۱۳-۴: اول پطرس ۲: ۱۳-۱۴
۴۶۱	پیدایش ۴۱: ۲۹-۴۳؛ نحمیا ۱۲: ۲۶؛ نحمیا ۱۳: ۱۵-۳۱؛ دانیال ۲: ۴۸-۴۹؛ امثال ۸: ۱۵-۱۶؛ رومیان ۱: ۱۳-۴
۴۶۲	مزمور ۱۰: ۱۲-۱۳؛ اول تیموتائوس ۲: ۲؛ مزمور ۸۲: ۳-۴؛ دوم سموئیل ۲۳: ۳؛ اول پطرس ۲: ۱۳
۴۶۳	لوقا ۳: ۱۴؛ رومیان ۱۳: ۴؛ متی ۸: ۹-۱۰؛ اعمال رسولان ۱۰: ۱-۲
۴۶۴	دوم تواریخ ۲۶: ۱۸؛ متی ۱۸: ۱۷؛ متی ۱۶: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول قرنتیان ۴: ۱-۲؛ رومیان ۱۰: ۱۵؛ عبرانیان ۵: ۴
۴۶۵	یوحنا ۱۸: ۳۶؛ اعمال رسولان ۵: ۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲
۴۶۶	اشعیا ۴۹: ۲۳؛ رومیان ۱۳: ۱-۶

فرموده است، هیچ قانون دولتی نباید در اداره‌ی کلیسا برای اعضای که با رضایت در فرقه‌ای عضو شده و طبق اعتقادات خود عمل می‌کنند مداخله نماید یا مانع و مزاحمتی به وجود آورد.^{۴۶۷} وظیفه‌ی مقامات دولتی این است که شخصیت و نام نیک تمام مردم را حفظ کنند به طوری که هیچ‌کس به علت اعتقادات یا عدم اعتقاد به عقاید دینی مورد بی‌حرمتی و آزار و اذیت قرار نگیرد. به علاوه، مقامات دولتی موظف هستند ترتیبی بدهند که تمام مجامع دینی کلیسایی بدون مواجه‌شدن با مشکلی تشکیل گردند.^{۴۶۸}

۵ وظیفه‌ی مردم این است که برای مقامات دولتی دعا کنند^{۴۶۹} و به آنها احترام بگذارند^{۴۷۰} و مالیاتها و سایر عوارض را بپردازند،^{۴۷۱} دستورات قانونی آنها را اطاعت نمایند و به عنوان یک فریضه‌ی وجدانی مطیع آنها باشند.^{۴۷۲} بی‌دین بودن مقامات دولتی یا داشتن دین متفاوت نباید باعث شود که ایمانداران و حتی روحانیون نسبت به آنها در مورد اجرای مقررات قانونی عدم اطاعت نشان دهند.^{۴۷۳} بدیهی است که پاپ نسبت به مقامات دولتی و اتباع آنها در مورد امور غیرروحانی هیچ گونه اقتداری ندارد.^{۴۷۴} درباره‌ی کسانی که بدعتکار خوانده می‌شوند یا به اشتباهات دیگری متهم می‌گردند، پاپ هیچ نوع اقتدار روحانی، به خصوص حق اعدام ندارد.^{۴۷۵}

مزمور ۱۰۵: ۱۵	۴۶۷
رومیان ۱۳: ۴؛ اول تیموتائوس ۲: ۲	۴۶۸
اول تیموتائوس ۲: ۱-۳	۴۶۹
اول پطرس ۲: ۱۷	۴۷۰
متی ۲۳: ۲۱؛ رومیان ۱۳: ۶-۷	۴۷۱
رومیان ۱۳: ۵؛ تیطس ۳: ۱	۴۷۲
اول پطرس ۲: ۱۳-۱۶	۴۷۳
رومیان ۱۳: ۱؛ اعمال رسولان ۲۵: ۹-۱۱؛ دوم پطرس ۲: ۱، ۱۰-۱۱؛ یهوذا ۸-۱۱	۴۷۴
مرقس ۱۰: ۴۲-۴۴؛ متی ۲۳: ۸-۱۲؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۴؛ اول پطرس ۵: ۳	۴۷۵

فصل بیست و چهارم نکاح و طلاق

۱. عقد نکاح باید میان یک مرد و یک زن منعقد گردد. داشتن بیش از یک زن برای مرد و بیش از یک شوهر برای زن در آن واحد برخلاف قانون است.^{۴۷۶}

۲. نکاح به منظور استفاده‌ی متقابل زن و شوهر،^{۴۷۷} ازدیاد مشروع نسل بشر، تربیت نسل مقدس برای کلیسا^{۴۷۸} و جلوگیری از فساد اخلاق مقرر شده است.^{۴۷۹}

۳. تمام کسانی که دارای آمادگی فکری و عاطفی و جسمی هستند می‌توانند ازدواج کنند.^{۴۸۰} ولی مسیحیان موظف هستند که فقط در خداوند ازدواج نمایند.^{۴۸۱} به همین دلیل، کسانی که دارای دین اصلاح‌شده‌ی حقیقی هستند، نباید با گناهکاران و پیروان پاپ و بت‌پرستان وصلت کنند. اشخاص خداترس نباید با کسانی که در شرارت علنی به سر می‌برند یا دارای عقاید بدعتکارانه هستند از طریق ازدواج هم‌یوغ شوند.^{۴۸۲}

۴. نکاح در درجات قربانی که در کلام خدا ممنوع شده است نباید انجام شود.^{۴۸۳} این نوع نکاحها به وسیله‌ی قوانین انسانی یا با رضایت طرفین نمی‌توانند مشروع گردند.^{۴۸۴}

۴۷۶ پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۴-۶؛ رومیان ۷: ۳؛ امثال ۲: ۱۷

۴۷۷ پیدایش ۲: ۱۸؛ افسسیان ۵: ۲۸؛ اول پطرس ۳: ۷

۴۷۸ پیدایش ۱: ۲۸؛ پیدایش ۹: ۱؛ ملاکی ۲: ۱۵

۴۷۹ اول قرنطیان ۷: ۲، ۹

۴۸۰ عبرانیان ۱۳: ۴؛ اول تیموتائوس ۴: ۳؛ اول قرنطیان ۷: ۳۶-۳۸؛ پیدایش ۲۴: ۵۷-۵۸

۴۸۱ اول قرنطیان ۷: ۳۹

۴۸۲ پیدایش ۳۴: ۱۴؛ خروج ۳۴: ۱۶؛ دوم قرنطیان ۶: ۱۴؛ رک. تثینه ۷: ۳-۴؛ اول پادشاهان ۱۱: ۴؛

نحمیا ۱۳: ۲۵-۲۷؛ ملاکی ۲: ۱۱-۱۲

۴۸۳ لایوان ۱۸: ۶-۱۷، ۲۴-۳۰؛ لایوان ۳۰: ۱۹؛ اول قرنطیان ۵: ۱؛ عاموس ۲: ۷

۴۸۴ مرقس ۶: ۱۸؛ لایوان ۱۸: ۲۴-۲۸

۵. وقتی بعد از وعده‌ی نکاح و پیش از انعقاد عقد نکاح، زنای یکی از طرفین روشن گردد، طرف بی‌گناه می‌تواند وعده‌ی نکاح را باطل سازد.^{۴۸۵} در صورتی که بعد از انعقاد عقد نکاح زنا انجام شود، طرف بی‌گناه مجاز است تقاضای طلاق نماید^{۴۸۶} و بعد از طلاق می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند، درست مثل اینکه طرف خطاکار فوت کرده باشد.^{۴۸۷}

۶. ذات فاسد انسان میل دارد از جدایی بی‌مورد کسانی که خدا آنها را پیوند داده است دفاع نماید ولی یگانه دلیل مجاز برای گسستن پیوند زناشویی عبارت است از زنا یا ترک عمدی همسر که توسط کلیسا و مقامات دولتی اصلاح‌پذیر نباشد.^{۴۸۸} اقدامات لازم در مورد طلاق باید به طور علنی و براساس مقررات انجام شود و طرفین مجاز نیستند طبق تمایلات و نظرات شخصی خود عمل نمایند.^{۴۸۹}

متی ۱: ۱۸-۲۰؛ ر.ک. تثنیه ۲۲: ۲۳-۲۴	۴۸۵
متی ۵: ۳۱-۳۲	۴۸۶
متی ۱۹: ۹؛ رومیان ۷: ۲-۳	۴۸۷
متی ۱۹: ۸-۹؛ اول قرنتیان ۷: ۱۵؛ متی ۱۹: ۶	۴۸۸
تثنیه ۲۴: ۱-۴	۴۸۹

فصل بیست و پنجم کلیسا

۱. کلیسای جامع که نامرئی است شامل تمام برگزیدگان است که تحت فرمانروایی مسیح یعنی رأس کلیسا متحداً جمع شده‌اند و یا جمع خواهند شد. کلیسا بدن مسیح و عروس او است و پُری خداست که همه را در همه پُر می‌سازد.^{۴۹۰}

۲. کلیسای مرئی نیز از نظر انجیل جامع یا همگانی است یعنی برخلاف دوره‌ی شریعت موسی محدود به یک ملت نیست بلکه شامل تمام کسانی است که در این جهان زندگی می‌کنند و به دین حقیقی اعتقاد دارند^{۴۹۱} و همچنین فرزندان آنها را هم شامل می‌گردد.^{۴۹۲} کلیسای مرئی ملکوت عیسای مسیح خداوند^{۴۹۳} و خانه و خانواده‌ی خداست^{۴۹۴} که خارج از آن علی‌الاصول نجات وجود ندارد.^{۴۹۵}

۳. به منظور جمع‌آوری و تکمیل مقدسین در این جهان و در جهان آینده، مسیح به این کلیسای جامع مرئی خادمین و کتاب مقدس و آیین‌های الهی عطا فرموده است و با حضور و با روح خود کلیسا را قادر می‌سازد که طبق وعده‌ی الهی برای رسیدن به این هدف فعالیت نمایند.^{۴۹۶}

۴. این کلیسای جامع گاهی بیشتر و گاهی کمتر مرئی بوده است.^{۴۹۷} کلیساهای خاص هم که اجزاء کلیسای جامع هستند، با توجه به اینکه در آنها تا چه حد انجیل

۴۹۰	افسیان ۱: ۱۰، ۲۲-۲۳؛ افسسیان ۵: ۲۳، ۲۷، ۳۲؛ کولسیان ۱: ۱۸
۴۹۱	اول قرنطیان ۲: ۱؛ اول قرنطیان ۱۲: ۱۲-۱۳؛ مزمو ۲: ۸؛ مکاشفه ۷: ۹؛ رومیان ۱۵: ۹-۱۲
۴۹۲	اول قرنطیان ۷: ۱۴؛ اعمال رسولان ۲: ۳۹؛ پیدایش ۱۷: ۷-۱۲؛ حزقیال ۱۶: ۲۰-۲۱؛ ر.ک.
	غلاطیان ۷: ۹، ۱۴؛ رومیان ۴: ۱۲، ۱۶، ۲۴؛ رومیان ۱۱: ۱۶
۴۹۳	متی ۱۳: ۴۷؛ اشعیا ۹: ۷؛ لوقا ۱: ۳۲-۳۳؛ اعمال رسولان ۲: ۳۰-۳۶؛ کولسیان ۱: ۱۳
۴۹۴	افسیان ۲: ۱۹؛ افسسیان ۳: ۱۵
۴۹۵	اعمال رسولان ۲: ۴۷
۴۹۶	اول قرنطیان ۱۲: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۳؛ متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ اشعیا ۵۹: ۱۲
۴۹۷	رومیان ۱۱: ۳-۵؛ اعمال رسولان ۹: ۳۱؛ اعمال ۲: ۴۱، ۴۷؛ اعمال رسولان ۱۸: ۸-۱۰

پذیرفته و تعلیم داده می‌شود و آیین‌های الهی چگونه اجرا می‌گردد و عبادت عمومی چگونه انجام می‌شود، دارای پاکی بیشتر یا کمتری هستند.^{۴۹۸}

۵. پاکترین کلیساهای این جهان هم از ناپاکی و خطا مصون نیستند.^{۴۹۹} بعضی از کلیساها به قدری تغییر ماهیت داده‌اند که دیگر کلیسای مسیح نیستند بلکه کنیسه‌ی شیطان محسوب می‌گردند.^{۵۰۰} با وجود این در این جهان همیشه کلیسایی که خدا را مطابق اراده‌ی الهی او عبادت نماید وجود خواهد داشت.^{۵۰۱}

۶. غیر از عیسای مسیح خداوند، هیچ شخص دیگری رأس کلیسا نیست^{۵۰۲} و پاپ روم به هیچ وجه نمی‌تواند رئیس کلیسا باشد بلکه دجال یا ضد مسیح و مرد گناه و فرزند هلاکت است که خود را بر ضد مسیح و هر چه مربوط به خداست برمی‌افرازد.^{۵۰۳}

۴۹۸	اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲؛ اول قرنتیان ۵: ۶-۷؛ مکاشفه ۲-۳
۴۹۹	اول قرنتیان ۱۳: ۱۲؛ مکاشفه ۲-۳؛ متی ۱۳: ۲۴-۳۰، ۴۷
۵۰۰	متی ۲۳: ۳۷-۳۹؛ رومیان ۱: ۱۸-۲۲
۵۰۱	متی ۱۶: ۱۸؛ مزمور ۴۵: ۱۶-۱۷؛ مزمور ۷۲: ۱۷؛ متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۷
۵۰۲	کولسیان ۱: ۱۸؛ افسسیان ۱: ۲۲
۵۰۳	متی ۲۳: ۸-۱۰؛ اول پطرس ۵: ۲-۴

فصل بیست و هشتم مشارکت مقدسین

۱. همه‌ی مقدّسین با عیسی مسیح، که رئیس آنهاست، به وسیله‌ی روحش از طریق ایمان متحد شده‌اند و با او در فیض و زحمات و مرگ و رستائیز و جلال وی مشارکت دارند.^{۵۰۴} این مقدّسین با یکدیگر در محبت متحد شده و در عطایا و برکات یکدیگر نیز اشتراک دارند^{۵۰۵} و بر آنها واجب است که وظایف عمومی و شخصی خود را که باعث سعادت روحانی و جسمانی همگان می‌گردد به انجام رسانند.^{۵۰۶}

۲. مقدّسین، با توجه به اعتراف ایمان خودشان، موظف هستند در عبادت خدا و انجام سایر خدمات روحانی برای پیشرفت متقابل با یکدیگر اشتراک و مصاحبت داشته باشند.^{۵۰۷} همچنین وظیفه دارند با توجه به امکانات و احتیاجات از نظر مالی به یکدیگر کمک کنند. این مصاحبت باید با استفاده از فرصتی که خدا عطا می‌فرماید شامل حال تمام کسانی گردد که در هر جا نام خداوند عیسی را می‌خوانند.^{۵۰۸}

۳. این مصاحبت و اشتراکی که مقدّسین با مسیح دارند به هیچ وجه آنها را در الوهیت او شریک و با وی از هیچ نظری مساوی نمی‌سازد و قبول هر یک از این دو عقیده‌ی غلط به منزله‌ی بی‌دینی و کفر است.^{۵۰۹} به علاوه این مصاحبت و اشتراکی که مقدّسین با یکدیگر دارند باعث از میان رفتن و سلب حق آنها در مورد اموال و دارایی خودشان نمی‌گردد.^{۵۱۰}

۵۰۴ اول یوحنا ۱: ۳؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۸؛ یوحنا ۱: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۵-۶؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛

رومیان ۶: ۵-۶؛ رومیان ۸: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۲

۵۰۵ افسسیان ۴: ۱۵-۱۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۲؛ اول قرنتیان ۳: ۲۱-۲۳؛ کولسیان ۲: ۱۹

۵۰۶ اول تسالونیکیان ۵: ۱۱، ۱۴؛ رومیان ۱: ۱۱-۱۲، ۱۴؛ اول یوحنا ۳: ۱۶-۱۸؛ غلاطیان ۶: ۱۰

۵۰۷ عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵؛ اعمال رسولان ۲: ۴۲، ۴۶؛ اشعیا ۳: ۲؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۰

۵۰۸ اول یوحنا ۳: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۸-۹؛ اعمال رسولان ۱۱: ۲۹-۳۰؛ ر.ک. اعمال رسولان ۲: ۴۴-۴۵

۵۰۹ کولسیان ۱: ۱۸-۱۹؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ مزمور ۴۵: ۶-۷؛ عبرانیان ۱: ۹-۹؛ یوحنا ۱: ۱۴؛ یوحنا ۲۰: ۱۷

۵۱۰ خروج ۲۰: ۱۵؛ افسسیان ۴: ۲۸؛ اعمال رسولان ۵: ۴

فصل بیست و هفتم آیین‌های مقدس

۱. آیین‌های مقدس نشانه‌ها و مهرهای عهد فیض هستند.^{۵۱۱} این آیین‌های مقدس همزمان با این عهد الهی توسط خدا مقرر شده‌اند^{۵۱۲} تا نشان‌دهنده‌ی مسیح و برکات او باشند و مقام ما را با او و در او تایید نمایند^{۵۱۳} و به منزله‌ی تفاوت آشکاری باشند در میان کسانی که به کلیسا تعلق دارند با کسانی که متعلق به جهان هستند^{۵۱۴} و تا ایمانداران را ترغیب نمایند که خدا را در مسیح طبق کلام مقدسش صادقانه خدمت کنند.^{۵۱۵}

۲. در هر آیین مقدسی رابطه یا اتحاد روحانی در میان نشانه و اصل وجود دارد. به همین دلیل نامها و اثرات نشانه و اصل به یکدیگر نسبت داده می‌شود.^{۵۱۶}

۳. فیض و برکتی که در آیین‌های مقدس بر اثر اجرای صحیح آنها وجود دارد از قدرت خود آنها نیست. همچنین مفید بودن آیین مقدس بر دینداری و مقصود اجراکننده‌ی آن متکی نیست^{۵۱۷} بلکه قدرت و مفید بودن آیین‌های مقدس ثمره‌ی کار روح القدس بوده^{۵۱۸} و بر اساس کلام خدا که آنها را مقرر فرموده است قرار دارد زیرا کلام خدا این آیین‌ها را مقرر کرده و وعده داده است که کسانی که این آیین‌ها را با شایستگی بپذیرند از ثمرات آنها بهره‌مند خواهند شد.^{۵۱۹}

رومیان ۴: ۱۱؛ پیدایش ۱۷: ۷، ۱۰-۱۱	۵۱۱
متی ۲۸: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳	۵۱۲
رومیان ۶: ۳-۴؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۵-۲۶	۵۱۳
خروج ۱۲: ۴۸؛ پیدایش ۳۴: ۱۴؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۱	۵۱۴
رومیان ۶: ۳-۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ اول پطرس ۳: ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶؛ ر.ک. اول قرنتیان ۷: ۵-۸	۵۱۵
پیدایش ۱۷: ۱۰؛ متی ۲۶: ۲۷-۲۸؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۶-۱۸	۵۱۶
رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ اول پطرس ۳: ۲۱	۵۱۷
اول قرنتیان ۱۲: ۱۳	۵۱۸
متی ۲۶: ۲۶-۲۸؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰؛ متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۶	۵۱۹

❏ در انجیل فقط دو آیین مقدس توسط خداوند ما مسیح مقرر شده است که عبارتند از تعمید و شام خداوند. هیچ یک از این دو آیین نباید اجرا شود مگر توسط خادمین رسمی دستگذاری شده برای موعظه‌ی کلام خدا.^{۵۲۰}

❏ آیین‌های مقدس عهد عتیق اصولاً نشان‌دهنده و آشکارکننده‌ی همان امور روحانی هستند که در عهد جدید هم توسط آیین‌های مقدس آشکار می‌گردد.^{۵۲۱}

۵۲۰ متی ۲۸: ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۰، ۲۳؛ اول قرنتیان ۴: ۱؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲
 ۵۲۱ اول قرنتیان ۱۰: ۱-۴؛ رومیان ۴: ۱۱؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲

فصل بیست‌وهشتم تعمید

۱. تعمید یکی از دو آیین مقدس عهد جدید است که توسط عیسای مسیح مقرر شده است.^{۵۲۲} به وسیله‌ی تعمید انسان رسماً در کلیسای مرئی پذیرفته می‌شود.^{۵۲۳} به علاوه تعمید نشانه و مُهر عهد فیض^{۵۲۴} و پیوند ایماندار به مسیح^{۵۲۵} و تولد جدید^{۵۲۶} و آمرزش گناهان^{۵۲۷} و تسلیم ایماندار به خدا توسط مسیح برای زندگی در تازگی حیات است.^{۵۲۸} طبق دستور صریح مسیح این آیین مقدس باید در کلیسای وی تا آخر جهان اجرا گردد.^{۵۲۹}

۲. ماده‌ای که باید در این آیین مقدس مورد استفاده قرار گیرد آب است. شخص تعمیدگیرنده باید توسط خادم رسمی انجیل به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید داده شود.^{۵۳۰}

۳. فرو بردن در آب ضروری نیست. تعمید به وسیله‌ی ریختن یا پاشیدن آب بر روی شخص به طور صحیح انجام می‌شود.^{۵۳۱}

متی ۲۸: ۱۹	۵۲۲
اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۷-۲۸	۵۲۳
رومیان ۴: ۱۱؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲	۵۲۴
غلاطیان ۳: ۲۷؛ رومیان ۶: ۵	۵۲۵
یوحنا ۳: ۵؛ تیتس ۳: ۵	۵۲۶
مرقس ۱: ۴؛ اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ اعمال رسولان ۲۲: ۱۶	۵۲۷
رومیان ۳-۴	۵۲۸
متی ۲۸: ۱۹-۲۰	۵۲۹
اعمال رسولان ۱۰: ۴۷؛ اعمال رسولان ۸: ۳۶، ۳۸؛ متی ۲۸: ۱۹	۵۳۰
عبرانیان ۹: ۱۰، ۱۳، ۱۹، ۲۱؛ مرقس ۷: ۲-۴؛ لوقا ۱۱: ۳۸	۵۳۱

۵۳۱ نه فقط کسانی که عملاً ایمان خود به مسیح و اطاعت از وی را اعلام می‌نمایند باید تعمید بگیرند^{۵۳۲} بلکه کودکانی هم که پدر و مادرشان یا یکی از آنها ایماندار باشد باید تعمید یابند.^{۵۳۳}

۵۳۲ با وجودی که حقیر شمردن این آیین مقدس یا غفلت در مورد آن گناه بزرگی محسوب می‌گردد،^{۵۳۴} تعمید با فیض و نجات متصل و مرتبط نیست.^{۵۳۵} ممکن است شخصی بدون تعمید دارای نجات و تولد تازه باشد و بر عکس تمام کسانی که تعمید گرفته‌اند لزوماً تولد تازه ندارند.^{۵۳۶}

۵۳۳ تاثیر تعمید به آن لحظه‌ای که در آن انجام می‌شود بستگی ندارد^{۵۳۷} ولی اجرای صحیح این آیین مقدس باعث می‌شود که فیضی که در مورد آن وعده داده شده است در دسترس قرار گیرد و این فیض به وسیله‌ی روح‌القدس به تمام کسانی که آن را یافته‌اند (اعم از بزرگسالان و کودکان) طبق وعده‌ی خدا و در زمانی که او تعیین فرموده است عملاً عطا می‌گردد.^{۵۳۸}

۵۳۴ آیین مقدس تعمید در مورد هر شخص باید فقط یک بار اجرا شود.^{۵۳۹}

۵۳۲	اعمال رسولان ۲: ۴۱؛ اعمال ۸: ۱۲-۱۳؛ اعمال ۱۶: ۱۴-۱۵
۵۳۳	پیدایش ۱۷: ۷-۱۴؛ غلاطیان ۳: ۹، ۱۴؛ کولسیان ۲: ۱۱-۱۲؛ اعمال رسولان ۲: ۳۸-۳۹؛ رومیان ۴: ۱۱-۱۲؛ متی ۱۹: ۱۳؛ مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۸: ۱۵-۱۷؛ متی ۱۹: ۲۸؛ اول قرنطیان ۷: ۱۴
۵۳۴	پیدایش ۱۷: ۱۴؛ متی ۲۸: ۱۹؛ اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ ر.ک. لوقا ۷: ۳۰
۵۳۵	رومیان ۴: ۱۱؛ اعمال ۱۰: ۴، ۲۲، ۳۱، ۴۵، ۴۷
۵۳۶	اعمال رسولان ۸: ۱۳، ۲۳
۵۳۷	یوحنا ۳: ۵، ۸
۵۳۸	رومیان ۶: ۳-۶؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ اول پطرس ۳: ۲۱؛ اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۴۱
۵۳۹	رومیان ۶: ۳-۱۱

فصل بیست و نهم شام خداوند

۱. خداوند ما عیسیای مسیح در شبی که او را تسلیم کردند آیین مقدس بدن و خون خود را که شام خداوند یا عشای مقدس ربّانی نامیده می‌شود برقرار فرمود تا به وسیله‌ی کلیسایش به عنوان یادآوری دایمی جانبازی و مرگ او و به منزله‌ی تایید فواید این فداکاری برای ایمانداران واقعی تا پایان جهان حفظ گردد. به علاوه نشانه‌ای است از تغذیه و رشد روحانی ایمانداران به مسیح و تجدید عهد آنان در مورد اجرای وظایفی که نسبت به او دارند. و اینکه تعهد ایمانداران است در مورد مصاحبت و اشتراک آنان با مسیح و با یکدیگر به عنوان اعضای بدن سرّی او.^{۵۴۰}

۲. در این آیین مقدس، مسیح به خدای پدر تقدیم نمی‌گردد و به علاوه هیچ قربانی واقعی برای آمرزش گناهان زندگان یا مردگان انجام نمی‌شود.^{۵۴۱} بلکه فقط یادآوری این حقیقت است که مسیح خودش خود را بر روی صلیب یک بار و برای همیشه قربانی فرمود و همچنین از نظر روحانی سپاس و تمجید ایمانداران برای قربانی مسیح است.^{۵۴۲} بنابراین، این به اصطلاح قربانی در کلیسای کاتولیک رومی باعث توهین به یگانه قربانی مسیح است که کفّاره‌ی منحصر به فرد برای گناهان برگزیدگان است.^{۵۴۳}

۳. در اجرای آیین مقدس شام خداوند، عیسیای مسیح مقرر فرموده است که خادمین او کلامی را که او در موقع برگزاری این آیین مقدس بیان داشته است به جماعت اعلام دارند و دعا کنند و نان و شراب را برکت دهند و بدین طریق آنها را به جای مصرف عادی برای استفاده‌ی مقدس جدا سازند. خادمین مسیح باید نان را بردارند و پاره کنند و پیاله را بردارند و در عین حال که خودشان هم از آنها

۵۴۰ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳-۲۶؛ اول قرن‌تین ۱۰: ۱۶-۱۷، ۲۱؛ اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳

۵۴۱ عبرانیان ۹: ۲۲-۲۵؛ ۲۶: عبرانیان ۱۰: ۱۰-۱۴

۵۴۲ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۴-۲۶؛ متی ۲۶: ۲۶-۲۷؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰

۵۴۳ عبرانیان ۷: ۲۳-۲۴، ۲۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱۱-۱۲، ۱۴، ۱۸

بهره‌مند می‌گردند به جماعت بدهند^{۵۴۴} ولی نه به کسانی که در آن موقع در میان جماعت نیستند.^{۵۴۵}

۵۴۶ روشهایی که با مفهوم صحیح این آیین مقدس و فرمایشات مسیح در برقراری آن مخالفت اصولی دارند عبارتند از: شرکت در شام خداوند به طور اختصاصی^{۵۴۶} و دریافت آن از خادم مسیحی یا شخص دیگری به طور خصوصی، خودداری از دادن پیاله به جماعت،^{۵۴۷} پرستش نان و شراب به وسیله‌ی بلند کردن یا گرداندن آنها برای اینکه جماعت به آنها سجده کند و پاسداشت و اجرای آنها به منظور استفاده در مراسم غلط دینی.^{۵۴۸}

۵۴۹ ابزار مورد استفاده در این آیین که به طور شایسته برای هدفی که مسیح تعیین فرموده است کنار گذاشته می‌شوند، به قدری به مسیح مصلوب مربوطند، به گونه‌ای که حقیقتاً، البته صرفاً در استفاده آیینی، به نام چیزهایی که مظهر آنها هستند یعنی در عین حال به مفهوم روحانی طبیعتاً به نام آنچه مظهر آن هستند یعنی بدن و خون مسیح خوانده می‌شوند^{۵۴۹} ولی باز هم از نظر ذات و ماهیت مانند گذشته فقط نان و شراب به حساب می‌آیند.^{۵۵۰}

۵۵۱ اعتقاد به اینکه به وسیله‌ی تقدیس کشیش یا طریق دیگری ماهیت نان و شراب تغییر می‌کند و به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شود، نه فقط مخالف کتاب مقدس است بلکه با عقل سلیم نیز تضاد دارد. چنین تعلیمی ماهیت اصلی این آیین مقدس را تغییر می‌دهد و باعث ایجاد اعتقادات خرافاتی فراوان و بت‌پرستی فاحش بوده و است.^{۵۵۱}

۵۴۴	متی ۲۶: ۲۸-۲۶؛ مرقس ۱۴: ۲۲-۲۴؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰؛ اول قرن‌تین ۱۰: ۱۶-۱۷؛ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳-۲۷
۵۴۵	اعمال رسولان ۲۰: ۷؛ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۰
۵۴۶	اول قرن‌تین ۱۰: ۱۶
۵۴۷	متی ۲۶: ۲۷-۲۸؛ مرقس ۱۴: ۲۳؛ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۵-۲۹
۵۴۸	متی ۱۵: ۹
۵۴۹	متی ۲۶: ۲۶-۲۸
۵۵۰	اول قرن‌تین ۱۱: ۲۶-۲۸؛ متی ۲۶: ۲۹
۵۵۱	اعمال رسولان ۳: ۲۱؛ اول قرن‌تین ۱۱: ۲۴-۲۶؛ لوقا ۲۴: ۳۹

۷. دریافت کنندگان شایسته که نان و شراب را عملاً می‌پذیرند،^{۵۵۲} در همان موقع واقعاً از نظر روحانی، ولی نه از نظر بدنی، توسط مسیح مصلوب تغذیه می‌شوند و در تمام مزایای مرگ او سهیم می‌گردند. در آن زمان، بدن و خون مسیح از نظر جسمی در نان و شراب موجود نیست ولی از نظر روحانی واقعاً بدن و خون مسیح مانند نان و شراب در آیین مقدس شام خداوند به عنوان عناصر ظاهری و قابل دریافت در ایمانِ ایماندار حضور دارند.^{۵۵۳}

۸. با وجودی که اشخاص نادان و شریر ممکن است نان و شراب را دریافت دارند، ولی از مفهوم اصلی آن بهره‌مند نمی‌شوند بلکه به وسیله‌ی شرکت ناشایسته در سفره‌ی خداوند در مقابل بدن و خون او مجرم می‌شوند و باعث محکومیت خود می‌گردند. تمام اشخاص نادان و بی‌دین که برای بهره‌مند شدن از مصاحبت مسیح شایستگی ندارند، برای شرکت در سفره‌ی خداوند هم شایسته نیستند و تا وقتی که در نادانی و بی‌دینی به سر می‌برند نمی‌توانند و نباید اجازه داشته باشند که در سرّ عظیم و مقدس شام خداوند شرکت کنند^{۵۵۴} زیرا علیه مسیح مرتکب گناه بزرگی می‌شوند.^{۵۵۵}

اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۸	۵۵۲
اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۶؛ ر.ک. اول قرن‌تیاں ۱۰: ۳-۴	۵۵۳
اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۷-۲۹؛ دوم قرن‌تیاں ۶: ۱۴-۱۶؛ اول قرن‌تیاں ۱۰: ۲۱	۵۵۴
اول قرن‌تیاں ۵: ۶-۷، ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۶، ۱۴-۱۵؛ متی ۷: ۶	۵۵۵

فصل سیم محکومیت کلیسای

۱. عیسای خداوند به عنوان پادشاه و رأس کلیسای خود، حکومت کلیسای را که از حکومت دولتی جداست برقرار فرموده است که توسط صاحب‌منصبان کلیسا اجرا می‌شود.^{۵۵۶}

۲. به این صاحب‌منصبان کلیسا، کلیدهای ملکوت آسمان سپرده شده است و بدین طریق و به ترتیب قدرت می‌یابند که مردم را در گناه باقی گذاشته یا آنها را در گناه ببندند؛ راه ملکوت را به وسیله‌ی کلام و محکومیت بر روی کسانی که توبه نمی‌کنند مسدود نمایند؛ راه ملکوت را برای گناهکاران توبه‌کار از طریق موعظه‌ی انجیل و مرتفع کردن محکومیت در زمان مناسب بگشایند.^{۵۵۷}

۳. محکومیت کلیسایی از این نظر لازم است که برادران روحانی را که مرتکب گناهی جدی شده‌اند دوباره به کلیسا باز می‌گرداند؛ سایرین را از ارتکاب گناهان مشابه باز می‌دارد؛ خمیرمایه‌ی شرارت را از بین می‌برد تا همه فاسد نشوند؛ احترام به مسیح و اعتراف انجیل را افزایش می‌دهد؛ از غضب الهی جلوگیری می‌کند یعنی غضبی که ممکن است- در صورتی که کلیسا اجازه دهد عهد خدا و آیین‌های مقدس وی توسط خلافکاران علنی و خودرأی ناپاک شود- بر کلیسا نازل گردد.^{۵۵۸}

۴. بهترین راه برای عملی ساختن این هدفها این است که صاحب منصبان کلیسا با توجه به شدت و ضعف خلافها و جرم خلافکار اقدامات زیر را به عمل آورند: (۱) اخطار به خطاکار؛ (۲) محروم کردن وی از شرکت در سفره‌ی خداوند برای مدتی؛

۵۵۶ اشعیا ۹: ۶-۷؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛

اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷، ۲۴؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲۸؛ متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ یوحنا ۱۸: ۳۶

۵۵۷ متی ۱۶: ۱۹؛ متی ۱۸: ۱۷-۱۸؛ یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۳؛ دوم قرنتیان ۲: ۶-۸

۵۵۸ اول قرنتیان ۵: ۱-۱۳؛ اول تیموتائوس ۵: ۲۰؛ متی ۷: ۶؛ اول تیموتائوس ۱: ۲۰؛

اول قرنتیان ۱۱: ۲۷-۳۴؛ یهودا ۲۳

(۳) اخراج وی از عضویت کلیسا.^{۵۵۹}

۵۵۹ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۶، ۱۴-۱۵؛ اول قرنتیان ۵: ۴-۵، ۱۳؛ متی ۱۸: ۱۷؛ تیطس ۳: ۱۰

فصل س‌ویکم انجمن‌ها و شوراهای

۱. به منظور بهتر اداره کردن کلیسا و اصلاح مداوم آن باید مجامعی که معمولاً انجمن یا شورا خوانده می‌شود تشکیل گردد.^{۵۶۰} پیشوایان کلیساهای محلی به اقتضای مقامی که دارند، و با توجه به اقتداری که از مسیح یافته‌اند که کلیسا را بنا کنند نه اینکه خراب نمایند،^{۵۶۱} باید ترتیبات تشکیل چنین مجامعی را داده و هرچند وقت یکبار که ضروری و برای پیشرفت کلیسا مفید باشد در این مجامع با یکدیگر ملاقات نمایند.^{۵۶۲}

۲. وظیفه‌ی انجمن‌ها و شوراهای در خدمات کلیسایی عبارت است از: حل و فصل مناقشات مربوط به امور دینی و وجدانی، تصویب مقررات و آیین‌نامه‌ها به منظور بهتر اداره شدن جلسات عبادتی کلیسایی و امور اداری کلیساهای، استماع شکایات در مورد اشکالات اداری و حل و فصل آنها. در صورتی که آرای انجمن‌ها و شوراهای با کلام خدا مطابقت داشته باشند، باید با احترام و اطاعت مورد قبول قرار گیرند، نه فقط به این علت که با کلام خدا مطابقت دارند بلکه به این دلیل نیز که توسط مقاماتی اتخاذ شده‌اند که اقتدار آنها توسط خدا بر اساس کلام مقدس وی قرار دارد.^{۵۶۳}

۳. از زمان رسولان مسیح به بعد، در مورد تمام انجمن‌ها و شوراهای، اعم از همگانی و محلی، امکان اشتباه وجود دارد و بسیاری از آنها دچار اشتباه شده‌اند. به همین دلیل، نباید این انجمن‌ها و شوراهای را مرجع نهایی در مورد ایمان و عمل بدانیم بلکه باید آنها را در این دو مورد جزو عوامل کمک کننده محسوب نماییم.^{۵۶۴}

اعمال رسولان ۱۵: ۲، ۴، ۶	۵۶۰
اعمال رسولان ۱۵: ۱-۳۵	۵۶۱
اعمال رسولان ۱۵: ۱-۳۵؛ اعمال رسولان ۲۰: ۱۷	۵۶۲
اعمال رسولان ۱۵: ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۲۷-۳۱؛ اعمال رسولان ۱۶: ۴؛ متى ۱۸: ۱۷-۲۰	۵۶۳
افسیسیان ۲: ۲۰؛ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱، اول قرن‌تین ۲: ۵، دوم قرن‌تین ۱: ۲۴؛ ر.ک. اشعیا ۸: ۱۹-۲۰؛ متى ۹: ۱۵	۵۶۴

۸۶ انجمن‌ها و شوراهای باید فقط در مورد امور کلیسایی تصمیم‌گیری نمایند و نباید در امور غیر کلیسایی که به دولت مربوط می‌گردد دخالت کنند، مگر در موارد غیرعادی طبق درخواست مقامات دولتی که در آن صورت می‌توانند نظرات خود را با توجه به وجدان دینی به صورت تقاضا یا پیشنهاد به مقامات دولتی ارائه دهند.^{۵۶۵}

فصل س‌ودوم وضع انسان بعد از مرگ و رستاخیز مردگان

۱. بدنهای انسانها بعد از مرگ فاسد می‌شوند و به خاک بر می‌گردند.^{۵۶۶} ولی روحهای آنها، که نمی‌میرند و نمی‌خوابند، دارای وجودی غیرفانی هستند و فوراً به سوی خدایی که خالق آنهاست بازگشت می‌نمایند.^{۵۶۷} آنگاه روحهای عادلان در قدوسیت کامل و در ملکوت اعلی پذیرفته می‌شوند و در آنجا صورت خدا را در نور و جلال مشاهده می‌کنند و در انتظار خلاصی کامل بدنهای خود به سر می‌برند.^{۵۶۸} روحهای شریران به جهنم افکنده شده و در آنجا در عذاب و تاریکی محض می‌مانند و برای روز عظیم داوری نگهداری می‌شوند.^{۵۶۹} برای روحهایی که از بدنهای خود جدا می‌شوند، در کلام خدا فقط به این دو جا اشاره شده است و جای دیگری وجود ندارد.

۲. کسانی که در روز آخر زنده باشند، نخواهند مرد بلکه مبدل خواهند شد.^{۵۷۰} در آن موقع، تمام مردگان با همان بدنهایی که قبلاً داشتند برخوانند خاست و هرچند بدنهایشان دارای خصوصیات متفاوتی خواهند بود ولی با روحهای آنها تا ابد خواهند پیوست.^{۵۷۱}

۳. با قدرت مسیح، بدنهای اشخاص شریر برای بی‌حرمتی و ذلت برخیزانیده خواهند شد و بدنهای عادلان به وسیله‌ی روح مسیح برای عزت و حرمت خواهند برخاست تا شبیه بدن پر جلال مسیح شوند.^{۵۷۲}

۵۶۶	پیدایش ۳: ۱۹، اعمال رسولان ۱۳: ۳۶
۵۶۷	لوقا ۲۳: ۴۳، جامعه ۱۲: ۷
۵۶۸	عبرانیان ۱۲: ۲۳، دوم قرنتیان ۵: ۱، ۶: ۸، فیلیپیان ۱: ۲۳، اعمال رسولان ۳: ۲۱
۵۶۹	افسیسیان ۴: ۱۰، رومیان ۸: ۲۳
۵۷۰	لوقا ۱۶: ۲۳-۲۴، اعمال رسولان ۱: ۲۵، یهوذا ۶-۷، اول پطرس ۳: ۱۹
۵۷۱	اول تسالونیکیان ۴: ۱۷، اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲
۵۷۲	یوحنا ۵: ۲۵-۲۹، اعمال رسولان ۲۴: ۱۵، ایوب ۱۹: ۲۶-۲۷، دانیال ۱۲: ۲، اول قرنتیان ۱۵: ۴۲-۴۴
	اعمال رسولان ۲۴: ۱۵، یوحنا ۵: ۲۵-۲۹، اول قرنتیان ۱۵: ۴۳، فیلیپیان ۳: ۲۱

فصل سه و سوم داوری نهایی

۱. خدای پدر روزی را مقرر فرموده است که در آن جهانیان را به وسیله‌ی عیسی مسیح به عدالت داوری خواهد کرد^{۵۷۳} که به او تمام قدرت و اقتدار داوری از طرف خدا عطا شده است.^{۵۷۴} در آن روز نه فقط فرشتگان مُرتد داوری خواهند شد^{۵۷۵} بلکه تمام مردمی که در دنیا زندگی کرده‌اند، پیش مسند مسیح حضور خواهند یافت تا حساب افکار و سخنان و اعمال خود را پس بدهند و مطابق آنچه در بدن خود انجام داده‌اند خواه نیک و خواه بد داوری شوند.^{۵۷۶}

۲. منظور خدا از تعیین این روز داوری این است که مجد و رحمت خود را در نجات ابدی برگزیدگان آشکار سازد و مجد و عدالت خود را در هلاکت اشخاص مردودی که شریر و نامطیع‌اند ظاهر گرداند. در آن موقع عادلان به حیات ابدی داخل شده و از کمال شادی و تازگی حیات که در حضور خدا حاصل می‌گردد بهره‌مند خواهند شد. ولی شریران، که خدا را نمی‌شناسند و انجیل عیسی مسیح را اطاعت نمی‌کنند، در عذاب ابدی افکنده شده و به وسیله‌ی انهدام ابدی دور از حضور خداوند و جلال و قدرت او مجازات خواهند گردید.^{۵۷۷}

۳. مسیح می‌خواهد ما کاملاً اطمینان داشته باشیم که روز داوری وجود خواهد داشت تا مانع گناه کردن مردم شود و باعث تسلی ایمانداران در زحماتشان گردد.^{۵۷۸}

اعمال رسولان ۱۷: ۳۱	۵۷۳
یوحنا ۵: ۲۲، ۲۷	۵۷۴
یهودا ۶: دوم پطرس ۲: ۴	۵۷۵
دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ جامعه ۱۲: ۱۴؛ رومیان ۲: ۱۶؛ رومیان ۱۴: ۱۰، ۱۲؛ متی ۱۲: ۳۶-۳۷	۵۷۶
متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ رومیان ۲: ۵-۶؛ رومیان ۹: ۲۲-۲۳؛ متی ۲۵: ۲۱	۵۷۷
دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰؛ مرقس ۹: ۴۸؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹	
دوم پطرس ۳: ۱۱، ۱۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰-۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۵-۷؛ لوقا ۲۱: ۲۷-۲۸	۵۷۸
رومیان ۸: ۲۳-۲۵	

به علاوه، مسیح ترتیبی داده است که هیچ کس نداند که آن روز چه موقعی فرا خواهد رسید تا اینکه ما هیچگاه به اوضاع دنیا متکی نباشیم و چون از ساعت آمدن خداوند بی‌اطلاع هستیم پس باید همیشه بیدار و هوشیار و آماده باشیم و بتوانیم بگوییم: «بیا ای خداوند، به زودی بیا». آمین.^{۵۷۹}

The Farsi Translation of

The Westminster Confession of Faith

Copyright © 2018

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form or by any means- for example, electronic, photocopy, recording- without the prior written permission of the publisher. The only exception is brief quotation in printed reviews. This translation has incorporated Bible proofs from the Orthodox Presbyterian Church edition.

Published by Jaaamonline

A division of the Jude Project

P.O Box 532 Ashburn, VA 20146

www.JudeProject.org

Printed in the United States of America

Second Printing 2018

Translator: Tateos Mikaelian

Preface by Dr. Chad Van Dixhoorn

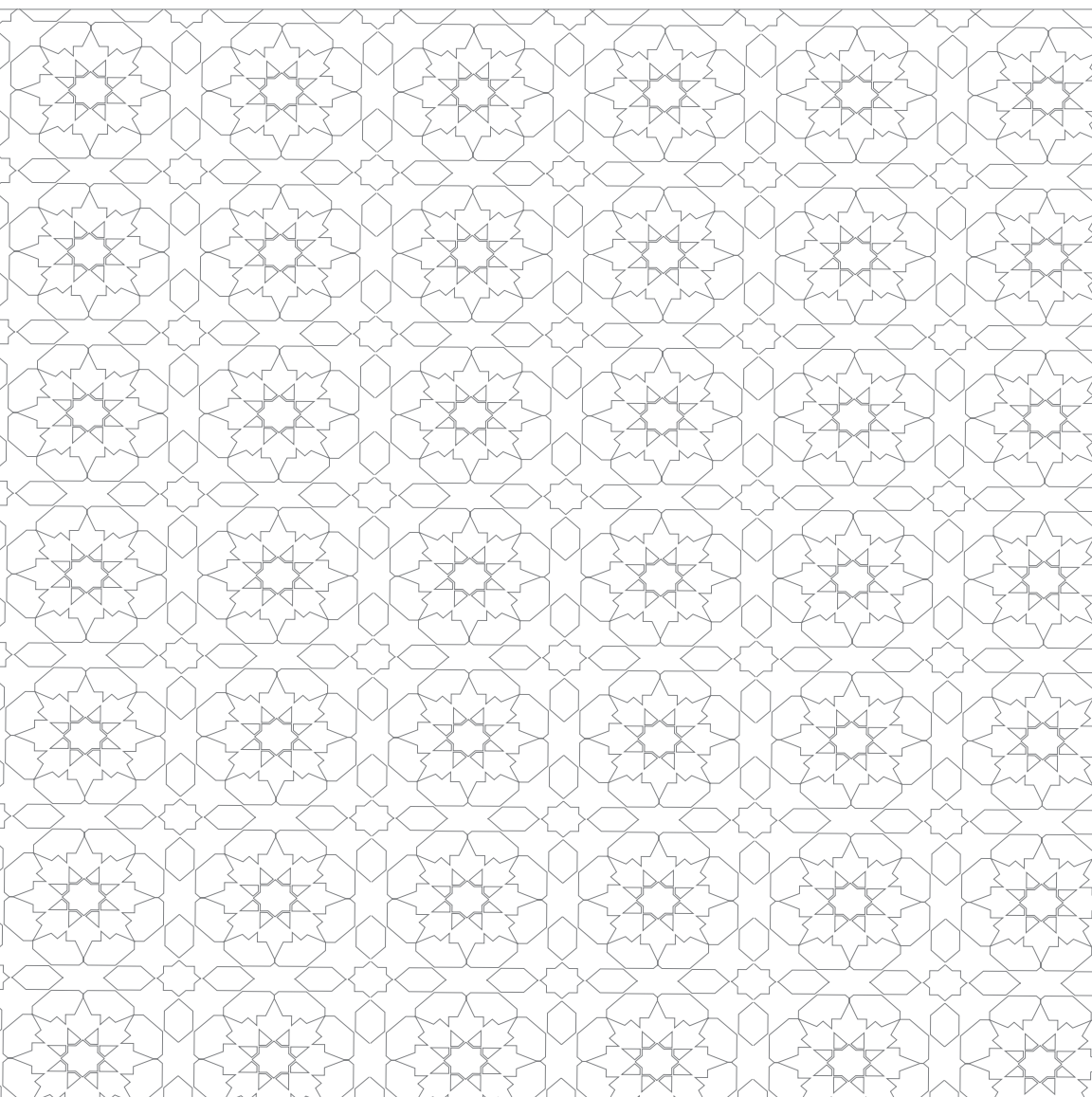
Cover Design: Jude Project

Layout: Jude Project

ISBN: 978-1-941693-03-2

If you would like more information about the Jude Project
or information about other resources in Farsi, or other
languages, visit www.judeproject.org or email us at:

info@judeproject.org



اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر چکیده‌ی آموزه‌ی
مسیحی در سنت اصلاحات کلیساست که
بیش از سی حقیقت مشخص کتاب مقدس
را در یک مجلد آورده است... شاید بتوان
گفت که در میان همه‌ی اعتقادنامه‌ها، در
تعلیم حکیمانه‌ترین و در نوع بیان آموزه‌ها
ظرافتمندانه‌ترین آنهاست....
چند و نیکس‌هورن، استاد تاریخ کلیسا
دانشکده‌ی الهیات وست‌مینستر

 JUDE PROJECT

اعتقادنامه مسیحی • الهیات رنفرمد

ISBN 978-1-941693-03-2



9 781941 693032



انجمن کلیسای
جهان ادبیات مسیحی